



آتفه چهارمعالیان به هفته:
دیگر آثارم را در چنگال
سانسور چنان قرار نمی‌دهم

دستگاهی که نگین آشوری ساخته بازار میلیاردی دارد
ابتکار خانم ایرانی مونتئالی برای سلامت زنان جهان

هفته

سال چهاردهم - پنجشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۰ / ۳ مارس ۲۰۲۲

بها: ۲.۵ دلار

۶۷۱

www.hafteh.ca

این پژوهشگر نگاه به میکروبزدایی را دگرگون کرد



گفت‌وگو با دکتر سپیده پاکپور
استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا:

پرده‌ها را بردارید و
به نور آبی راه بدهید

ویژه‌نامه

روز جهانی زن

آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مسکونی و تجاری شما

در مونترال و حومه

برای ارزیابی رایگان ملک خود،
خرید خانه رویایی تان،
دسترسی به پیش فروش های معتبر،
سرمایه گذاری در املاک در آمدزا و تجاری، روی
"توانایی"، "تجربه"، "ارتباطات" و "دانش" ما حساب کنید.



برنده جایزه بروکر برتر از
سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ در آژانس املاک

GROUP FIDUCIARY
LONDONO
REALTY GROUP INC

۵۱۴- ۷۳۰۳۹۰۹
۵۱۴- ۴۴۱۴۱۸۹



دکتر شریف
دکتر البذال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



مسعود هاشمی

مشاور املاک در مونتreal بزرگ

همراه شما در خرید یا فروش از ابتدا تا انتها
خدمات حرفه‌ای و صادقانه بهترین تبلیغ ماست

- ▲ مهندس راه و ساختمان از پلی تکنیک تهرآن
- ▲ با بیش از ۲۵ سال تجربه در ساخت و معاملات مسکن
- ▲ بهترین شرایط تهیه وام و خرید ملک حتی برای تازه واردین بدون درآمد
- ▲ مشاوره رایگان حضوری و تلفنی، تمام روزهای هفته حتی ایام تعطیل
- ▲ متخصص در امر سرمایه گذاری در املاک درآمدزا یا پیش خرید
- ▲ خرید، فروش یا تعویض مسکن
- ▲ خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران



Massood Hashemi
Residential Real Estate Broker

Cell: (514) 298-4567

massood.hashemi@century21.ca

Office: 1980 Notre-Dame West
Montreal, QC, H3J 1M8

Tel: (514) 933-1221



طلا و جواهر یادگاری

اولین طلافروشی ایرانی در مونترال

خرید، فروش، تعمیر و تعویض انواع طلا و جواهر
انواع گردنبند، دستبند و گوشواره
خرید و فروش بر اساس وزن و عیار

Unit C 301, 1 Westmount Sq, Westmount
H3Z 2P9
(514) 245-9159



YADEGARI_JEWELRY



YADEGARJEWELRY



YADEGARJEWELRY.COM

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton



ارزیابی رایگان

(514) 827-6364

fhemaatiyan@sutton.com

جنب اخوان و نیش دیجیتال و صرافی رویال 6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

مشاور املاک مسکونی و تجاری

فیروز همتیان

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

گشایش یافت، دفتر امور املاک همتیان

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



Firouz Hemmatiyan

Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



ادبیات: آئنه چهار محالیان

انجمنی برای نادیا؛ ویژه‌نامه‌ای برای ۸ مارس

سینما: عارف محمدی

آن سوی کوه‌های پر رمز و راز ...

نامزد جوایز اسکار ۲۰۲۲

شعر: گروه ادبیات هفته

شعری از فروغ فرخزاد و هدیه‌ای به مناسبت

روز زن



مهاجرت: معصومه علی محمدی

انتشار لیست مشاغل مورد نیاز کبک با امتیاز
ساده‌سازی LMIA

گفت‌وگو

سارا اکرمی، سازنده‌ی موزیک ویدئویی برای
کودکان در هوپیمای اوکراینی:

داریوش از این اثر برای قربانیان خردسال
آن فاجعه استقبال کرد

گزارش

نتیجه بررسی بیماری‌های قلبی بر مبنای قومیت
مهاجرها:

چینی‌های مهاجر در کانادا از ایرانی‌ها و
افغان‌ها سالم‌تر هستند



پگاه شریفی

این پژوهشگر نگاه به میکروبردایی را
دگرگون کرد

گفت‌وگو با دکتر سپیده پاکپور استاد دانشگاه
بریتیش کلمبیا:

پرده‌ها را بردارید و به نور آبی راه بدهید

تکنولوژی

گروه ترجمه هفته

دستگاهی که نگیان آشوری ساخته، بازار میلیاردی
دارد

دختر ایرانی ساکن مونترال به سلامت زنان
جهان می‌اندیشد

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۷۱

پنجشنبه ۱۲ اسفند ۱۴۰۰ / ۳ مارس ۲۰۲۲

یها: ۲/۵ دلار

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار / دانشجویی: ۶۰ دلار

تطبیقات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:

پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ

پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4

www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

news@hafteh.ca

ad@hafteh.ca

ISSN 1918-4379 HafteH

Head Office:

1980 Sherbrooke St. W.

Suite: 900

Montreal, Quebec, H3H 1E8

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.

■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (بر مبنای واژه شمار ورود) نگاه دارید.

■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.

■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.

■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گل‌ام

غافل است از حال مرغان مردخام



آریانا، گفت‌وگو؛ تهیه کننده: شاه محمود جعفری (ترخانی)
علی بابا اورنگ استاد خوش نویسی:
دوست دارم خطاط بمیرم

آریانا، گفت‌وگو؛ حبیب عثمان
عبدالرشاد رحیمی، عضو سابق تیم ملی پهلوانی
افغانستان:

قهرمان شجاعانه و در سخت ترین شرایط
فداکاری می کند

۵۶ جامعه

خوانندگان؛ مهین میلانی
شیعه کمونیست و سنگسار زن

سلامت تن و روان؛ الهام گرامی
با کنجکاوای های جنسی کودک -
نوجوانان چه کنیم؟

۳۰ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس پور
ساندویچ گریل پنیر
سرگرمی؛ خاطره تحویل داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی



اقتصاد؛ آرمین آریانپور
حمله روسیه به اوکراین چگونه اقتصاد کانادا
را تحت تأثیر قرار می دهد؟

گزارش؛ زهرا صالحی
بررسی شرایط تحصیل و کار در بازار
نانوتکنولوژی کانادا برای ایرانیان

خوانندگان؛ محسن فرهادلو
کاروان آزادی: تقدم اقتصاد سیاسی بر
آزادی در کانادا و نشانه‌ای از دنباله‌روی
دولت آن

خوانندگان؛ شاهین شهسواری
زبان شیرین پارسی و قتل دختر اهوازی!
نگاهی انتقادی به گفت‌وگوی هفته با فرزنان
سجودی

آریانا: نرگس هاشمی
مهاجرت: معصومه علی محمدی
ادبیات: فرنگیس شکبیا و یاسمن حسنی
سلامتی: دکتر فائزه ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریانپور
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده

مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری پور

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: مهدی توکلی تیریزی، جمیله هاشمی



فرنگیس شکبیا
گفت‌وگوی اختصاصی هفته با آتفه چهارمخالیان:
دیگر آثارم را در چنگال سانسورچیان قرار
نمی‌دهم

باور کنید پرورش کودکان و کار کردن با آن‌ها
می‌تواند یک راهکار اجتماعی برای نسل‌سازی
باشد؛ با پرورش ده کودک برآمده از عمیق‌ترین
لایه‌های زیرین اجتماعی که حامل تجربیات
زیسته‌ی بسیار عریان این جامعه هم هست،
می‌شود نسلی را ساخت.

سردبیر: خسرو شمیرانی

سرمدیر آنلاین: آرش محبی

طراح و صفحه‌آرا: آتفه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خیر هفته
اخبار با همستان: زهرا صالحی



زنان اوکراین و روشنفکران ایران



تلاش کند و برعکس اعتمادزدایی و گسترش نفوذ ناتو را به طور هماهنگ پیش برد.

(۵) روسیه، همانطور که طبیعت دولت‌های سلطه‌گر است، در سال ۲۰۱۴ نشان داده بود که حاضر است به جنگ و کشتار متوسل شود تا سیاست‌های خود را به کرسی بنشاند.

(۶) غرب در این زمینه با روسیه کاملاً همراه است و هرگز از خون‌ریزی برای رسیدن به مطامع خود ابایی نداشته است.

(۷) با توجه به واقعیت‌های بالا سوگیری به نفع ناتو و یا روسیه برای هر انسان دغدغه‌مندی، در بهترین حالت غیرمسلولانه است.

(۸) امروز مخالفت صریح با جنگ روسیه علیه اوکراین، دفاع از حق حیات کودکان و زنان و مردان اوکراینی و مخالفت همزمان با هژمونی‌طلبی پیمان نظامی ناتو به نظر مسولانه‌ترین موضع برای هر انسان مسئول و دغدغه‌مند است.

واقعیت این است که همانطور که غرب و ناتو طی دهه‌های گذشته در محاسبات خود تاثیر یک فاکتور «کوچک» را ندیده گرفته‌اند روسیه نیز همان را نادیده گرفت: زنان و مردانی که برای دفاع از خانه و کاشانه خود در برابر تانک و بمب می‌ایستند و همیشه پیروز این میدان هستند، پیروزی که دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.

هنوز چند روزی تا ۸ مارس باقی‌ست. امیدوارم زنان اوکراین بتوانند این روز را به جای ساختن کوکتل مولوتف در سوله‌ها و زیرزمین‌ها، به جشن و آرامش در خانه‌های خود سپری کنند. همچنین امیدوارم روشنفکر ایرانی بالاخره روزی به جای دنباله‌روی از تحلیل‌های رسانه‌های اصلی در شرق و غرب به تامل در وظایف و مسئولیت‌های تاریخی خود برسد؛ بی‌تردید دفاع بی‌قیدوشرط از صلح، بنیادی‌ترین این وظایف است.

روز جهانی زن بر زنان اوکراین و تمامی زنان جهان مبارک باد

نفس زنان اوکراین انرژی گرفت، از برخورد بخش بزرگی از نخبگان و روشنفکران ایرانی باید انگشت حیرت به دهان گزید. طبق روال ۱۵۰ سال گذشته این جماعت دو دسته شده، یکی به نفع روسیه و دیگری به نفع غرب موضع می‌گیرد و آن سومی هم که می‌خواهد «مستقل» باشد به دام گرفتن ماهی از آب گل آلود جنگ و خون در اوکراین می‌افتد و نسخه می‌پیچد که چگونه از این فرصت برای کسب این یا آن «منفعت ملی» استفاده شود.

اینکه سیاستمداران در روسیه و ناتو و کشورهای اقماری به جای یافتن راهی برای کاهش تنش، بی‌محابا در تنور جنگ می‌دمند و در هر دو سو بازو (یکی بازوی نظامی و بمب اتمی و دیگری بازوی اقتصادی) به رخ می‌کشند کم و بیش «طبیعی» است. از سیاستمداران خردمندی و آینده‌نگرای و نگاه انسانی انتظار داشتن در بهترین حالت ساده‌لوحی است.

اما وقتی که روشنفکران یک جامعه دنباله‌روی بوق‌های تبلیغاتی دیگران و تکرارکننده طوطی‌وار نظرات سیاست‌سازان روسیه و غرب می‌شوند چه باید کرد؟ آیا به جز گریستن به حال آن جامعه راهی دیگر باقی می‌ماند؟

درباره تقابل غرب و روسیه در اوکراین:

(۱) واقعیت این است که این روبرویی ریشه‌ای دوده‌ای دارد.

(۲) در این دوده روسیه به تاکید از غرب درخواست کرده است که گسترش پیمان نظامی ناتو به مرزهای روسیه برایش خط قرمز است. (کشورهای بالتیک زمانی به ناتو پیوستند که روسیه ضعیف‌ترین دوران خود را سپری می‌کرد.)

(۳) این تنش پیشتر هم در سال ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و بویژه در ۲۰۱۴ نیز به اوج رسیده بود که در آن سال به اشغال کریمه توسط روسیه رسید.

(۴) غرب هرگز نخواست به جای گسترش حوزه نفوذ نظامی خود، در جهت جلب اعتماد روسیه

بی‌نتیجه‌ماندن اولین مذاکرات دولت اوکراین و دولت متجاوز روسیه به معنی ادامه جنگ و کشتار است. در حالی که دولت پوتین عملیات گسترده و رعب‌آفرین خود را در زمین و هوا و دریا ادامه می‌دهد مردم اوکراین بیش از پیش متمرکز می‌شوند تا رویای پیروزی سریع ولادیمیر پوتین را به کابوس او تبدیل کنند. در این میان زنان و مادران اوکراینی کمر همت بسته و به جای رنده کردن پنیر در خانه‌های خود، در سوله‌ها و زیرزمین‌ها یونولیت رنده می‌کنند و به جای ریختن شیر در بطری، آن را با بنزین پر می‌کنند و به این ترتیب دشمن تا بن دندان مسلح را در تجاوز به خانه و کاشانه خود بازمی‌دارند.

امسال زنان اوکراین روز زن و ۸ مارس را در حالی جشن می‌گیرند که جنگ و خون در کوچه و خیابان‌های شهرشان جاری است، مثل زنان عراق و افغانستان و سوریه و لیبی و ... در دهه‌های اخیر.

زنان اوکراین می‌دانند که تسلط روسیه دنیایی بهتر از آنچه که دارند نصیب‌شان نخواهد کرد. خبر جنگی که می‌تواند به آسانی به جنگی بسیار گسترده‌تر و حتی یک فاجعه جهانی اتمی بیانجامد، امری نیست که به یک کشور و یک منطقه محدود بماند. پس نخبگان و روشنفکران ایرانی نیز همچون دیگر کشورهای جهان به شدت مشغول بحث و جدل در این باره هستند.

همانقدر که می‌توان از شهامت و اتکا به

اخبار گزارش‌ها



گروه خبر و ترجمه هفته

ترودو از تحریم‌های اقتصادی کانادا علیه روسیه خبر داد

می‌گیرد. این تحریم‌ها تا زمانی که تمامیت ارضی اوکراین دوباره احیا نشده است، به قوت خود باقی خواهند ماند. جاستین ترودو با تأکید بر این که اقدام نظامی احتمالی روسیه علیه اوکراین به هیچ وجه قابل قبول نیست، اعلام کرد مجوز استقرار ۴۶۰ نظامی کانادایی را در چارچوب عملیات REASSURANCE صادر کرده است. هدف از این عملیات بازداشتن روسیه از تهاجم نظامی به اوکراین است. ترودو تصریح کرد بر مبنای این تصمیم، کانادا نیروهای نظامی بیشتری در لتونی مستقر خواهد کرد و یک ناوچه و یک هواپیمای گشتی دریایی جدید نیز به عملیات REASSURANCE اضافه خواهد کرد.

روسیه را که به تصمیم غیرقانونی ولادیمیر پوتین مبنی بر به رسمیت شناختن استقلال این دو منطقه جدایی طلب رای داده اند، تحریم کرد. جاستین ترودو تأکید کرد علاوه بر این دولت فدرال در نظر دارد کانادایی‌ها را از مشارکت در خرید اوراق قرضه دولتی روسیه منع کند، آن دسته از بانک‌ها و موسسات مالی روسیه را که تحت حمایت کرملین هستند، تحریم کند و شهروندان و شرکت‌های کانادایی را از هر گونه تعامل مالی با آن‌ها منع کند. نخست وزیر کانادا خاطر نشان ساخت تحریم‌های اتاوا علیه روسیه مرحله‌ای مهم در مقابله با تهدیدهای کرملین است و مشخصاً عاملان نقض حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را نشانه



پس از آمریکا نوبت به کانادا رسید تا ضمن محکوم کردن اقدام کرملین در به رسمیت شناختن استقلال مناطق جدایی طلب دونتسک و لوگانسک در شرق اوکراین، تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال کند. جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا از اعمال اولین مجموعه از تحریم‌های اقتصادی کانادا علیه روسیه خبر داد و تصریح کرد بر اساس این تحریم‌ها، هیچ کانادایی حقیقی یا حقوقی اجازه ندارد با مناطق جدایی طلب لوگانسک و دونتسک تعامل داشته باشد. اتاوا در همین راستا اعضای پارلمان

بسیاری از کبکی‌ها از زدن دوز سوم خودداری می‌کنند

منتشر کرده است. نرخ مخالفت و تردید کبکی‌ها برای دریافت دوز سوم واکسن با استقبال قابل توجهی که کبکی‌ها در کمپین واکسیناسیون دوز اول و دوم از خود نشان دادند، آشکارا در تضاد است. بیشتر کبکی‌هایی که حاضر نیستند دوز یادآوری دریافت کنند، مرد هستند. طبق این نظرسنجی ۴۷ درصدی کبکی‌های مخالف دوز سوم را مردان و ۳۷ درصدشان را زنان تشکیل می‌دهند.

شهروندان خود با چالشی بزرگ روبرو است چرا که بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۴۲ درصد از کبکی‌هایی که دو دوز واکسن کووید ۱۹ را دریافت کرده اما به رغم توصیه‌های اکید مسئولان بهداشت عمومی دوز یادآوری را دریافت نکرده‌اند، حاضر نیستند یک بار دیگر برای واکسیناسیون آستین‌های خود را بالا بزنند. این آمار نتیجه نظرسنجی جدیدی است که موسسه ملی سلامت عمومی کبک به تازگی



درصد بالایی از کبکی‌هایی که دو دوز واکسن خود را دریافت کرده‌اند، حاضر نشده‌اند دوز یادآوری بزنند

به نظر می‌رسد دولت فرانسوآ لوگو برای کامل کردن پویش واکسیناسیون دوز سوم

واکسن کبکی کوویفنز، اولین واکسن کانادایی که به تایید وزارت بهداشت کانادا رسید

از طرف وزارت بهداشت مرحله مهمی در مبارزه با پاندمی در کشور است. واکسن کوویفنز Covifenz که با همکاری شرکت داروسازی GSK ساخته شده، برای افراد ۱۸ تا ۶۴ ساله تایید شده است. وزارت بهداشت کانادا تزریق دو دوز ۳.۷۵ میکروگرمی این واکسن را به فاصله ۲۱ روز برای افراد رده سنی یاد شده توصیه می‌کند.

اولین واکسن کووید ۱۹ که در کانادا ساخته شده است، امروز پنجشنبه ۲۴ فوریه مورد تایید وزارت بهداشت کشور قرار گرفت. شرکت داروسازی کبکی مدیکاگو با دریافت چراغ سبز بهداشت کانادا می‌تواند واکسن خود را که بر پایه پروتئین نباتی ساخته شده است، برای واکسیناسیون افراد ۱۸ تا ۶۴ ساله استفاده کند.

تا کاشی ناگانو، رئیس شرکت کبکی مدیکاگو، امروز در بیانیه‌ای اعلام کرد تایید واکسن مدیکاگو



خبر خوب بهداشت عمومی مونترال: موج پنجم کووید ۱۹ را پشت سر گذاشته‌ایم

کرده است، به هیچ وجه نگران کننده نیست. طبق اعلام مسئولان بهداشت عمومی، از هفتم مارس آینده دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه دیگر مجبور نخواهند بود در کلاس‌های درس از ماسک استفاده کنند.

وضعیت پاندمی در مونترال رو به بهبود است و این شهر موج پنجم کرونا را پشت سر گذاشته است. در این موج حدود ۱.۲ میلیون تن از شهروندان مونترالی به کووید ۱۹ مبتلا شدند. دکتر روئن افزود با توجه به این شرایط، تعدیل محدودیت‌های بهداشتی که دولت کبک اعلام



خبر خوبی که دکتر میلن دروئن، مدیر منطقه‌ای بهداشت عمومی مونترال، روز چهارشنبه ۲۳ فوریه برای شهروندان مونترال داشت، این بود که

الزام استفاده از ماسک در محل کار در کبک از ۲۸ فوریه برداشته می‌شود اما تحت برخی شرایط

این خبر را صبح روز چهارشنبه ۲۳ فوریه اعلام کرد. این نهاد همچنین با تاکید بر ضرورت رعایت بهداشت دست‌ها تصریح کرد ضد عفونی و تمیز کردن سطوح همچنان الزامی خواهد بود. علاوه بر این سطوحی که همواره لمس می‌شوند باید در هر نوبت کاری ضد عفونی و تمیز شوند.

بین افراد حاضر در این اماکن فراهم باشد یا این که حفاظ‌های فیزیکی افراد را از یکدیگر جدا کرده باشد تا به این ترتیب احتمال انتقال ویروس بین آن‌ها به حداقل برسد. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، کمیسیون معیارها، برابری، بهداشت و ایمنی در کار CNESTT



استفاده مستمر از ماسک در محل کار در استان کبک از ۲۸ فوریه دیگر الزامی نخواهد بود اما منوط به این که امکان رعایت فاصله دو متری

جریمه ۵۰ هزار دلاری مرد ایرانی در کبک به دلیل طلاق ندادن همسرش

می‌کنند، از کشور خارج شود. علاوه بر این زن در چنین شرایطی ممکن است به فحشا که در ایران مستوجب سنگسار است، متهم شود. قاضی دیوان عالی کبک تصریح کرد حقوق مدنی در کبک اعمال این گونه محدودیت‌ها و کنترل‌ها را غیرموجه و غیرقابل قبول می‌داند. به همین علت آقای ب باید بابت استرس، محدودیت‌ها و تحقیرهایی که به خانم ب تحمیل کرده است، به او غرامت بپردازد. قاضی پاکت ادامه داد: «رفتار این مرد نه تنها به همسر سابقش آسیب وارد کرده است بلکه بانقض ارزش‌هایی مثل حق برابری و انتخاب آزادانه برای ازدواج و طلاق، به منافع عمومی هم لطمه زده است.» خانم الف با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته، از سال ۲۰۱۵ نتوانسته است حتی برای دیدن پدر در حال احتضار خود به ایران سفر کند چرا که شوهرش بارها او را تهدید کرده که در پایان سفرش به ایران، اجازه ترک کشور را به او نخواهد داد. قاضی پاکت همچنین افزود خانم الف که در ۱۵ سالگی ازدواج کرده به دادگاه گفته است زندگی برای او از چهل سال پیش متوقف شده است اما اکنون برای به دست آوردن استقلال و آزادی‌اش مبارزه می‌کند.

صلاحیت صدور طلاق شرعی ندارد با این حال امتناع غیر قابل توجیه مرد از طلاق شرعی همسر سابقش موجب شده است این زن در موقعیتی غیر قابل تحمل گرفتار شود. قاضی کبکی افزود: «به موجب قوانین شرعی رایج در ایران، تا زمانی که این مرد زن خود را به لحاظ شرعی طلاق ندهد است، همچنان همسر او محسوب می‌شود و طبق قوانین شریعت باید مطیع اوامر و خواسته‌های او باشد. با این حساب باید گفت که این مرد با امتناع غیرموجه از طلاق شرعی همسر خود، حقوق و آزادی‌های او را مختل کرده است. علاوه بر همه این‌ها، درخواست نامعقول ۵۰ هزار دلار از زن در ازای موافقت با طلاق شرعی او، یک سوء استفاده آشکار، نامعقول و شرارت‌آمیز است.» قاضی پاکت در حکم خود خاطر نشان کرد: «محاکم قضایی در ایران احکام طلاق صادر شده در کانادا را به رسمیت نمی‌شناسند. بر اساس رژیم حقوقی ایران، تا زمانی که مرد زن خود را طلاق ندهد است، این حق را برای خود محفوظ می‌داند که درباره همه امور مربوط به او از جمله محل زندگی‌اش تصمیم‌گیری کند. بر همین اساس، خانم الف در شرایط فعلی نمی‌تواند برای دیدن برخی از اعضای خانواده خود که در ایران زندگی



خانم الف و آقای ب که در سال ۱۹۸۰ در ایران با هم ازدواج کرده بودند در سال ۲۰۱۹ در کبک از هم جدا شدند. اما جدایی آن‌ها پایان ماجرا نبود چرا که این زوج ایرانی دو سال بعد بار دیگر کارشان به دادگاه و قاضی کشیده شد زیرا زن برای این که بتواند دوباره ازدواج کند از شوهر سابقش خواسته است شرعا نیز او را طلاق دهد اما مرد از این کار خودداری کرده و برای عمل به خواسته زن سابقش یعنی طلاق شرعی، از او درخواست ۵۰ هزار دلار کرده است. اما ماری-آن پاکت، قاضی دیوان عالی کبک، پس از بررسی این پرونده حق را به زن داد و هفتم فوریه امسال با صدور حکمی، مرد لجوج و دندان‌گرد این ماجرا را به پرداخت ۴۵ هزار دلار غرامت جبرانی و ۲ هزار دلار خسارت تنبیهی محکوم کرد و علاوه بر این دستور داد بابت هر روز که مرد از طلاق شرعی زن سابقش خودداری کند، یکصد دلار جریمه بپردازد. قاضی پاکت تاکید کرد: «دادگاه عالی کبک



رئیس آی.سی.سی در گزارش خود به مجمع سالانه چه گفت؟

کارگاه‌هایی با موضوعات مختلف از قبیل؛ تأثیر تحریم‌ها بر ایران و جامعه ایرانیان خارج، کاریابی، حقوق بومیان و مهاجرت. نوری با اشاره به اینکه اطلاع‌رسانی فعالیت‌ها یکی دیگر از حوزه‌هایی بود که کنگره در سال گذشته به آن پرداخته است، به فعالیت‌هایی چون؛ مشارکت در سرشماری و انتخابات کانادا و اطلاع‌رسانی در خصوص کمک‌های دولتی سالمندان اشاره کرد.

در بخش بعدی توضیحاتی در خصوص ایجاد وبسایت داده جامع ایرانیان کانادا ارائه داده شد. نشانی وبسایت www.iccongress.net است و در اولین روزهای فعالیت خود قرار دارد.

در خاتمه مسلم نوری به برنامه‌های آینده کنگره اشاره کرد، از آن جمله می‌توان به بهبود وضعیت مالی سازمان و کنشگری هدفمند و توسعه اطلاعات وبسایت کنگره ایرانیان کانادا اشاره کرد.

لازم به ذکر است که مسلم نوری سال ۲۰۰۶ برای ادامه تحصیل به کانادا آمده و در مقطع فوق‌لیسانس و دکترای رشته مهندسی برق از دانشگاه آلبرتا فارغ‌التحصیل شده است. در دسامبر ۲۰۲۰ انتخابات کنگره ایرانیان کانادا برگزار شد و مسلم نوری از پویش همبستگی و صلح، پس از آرزو خدیر بیشترین میزان آرای اعضا را به خود اختصاص داد.

https://www.iccongress.ca/president_report_agm2022_farsi

در یک سال گذشته پرداخت. فعالیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه کنگره مانند؛ درخواست از دولت کانادا برای اهدای واکسن به سازوکار کوواکس و حمایت از درخواست دولت کانادا برای ارسال بیشتر واکسن‌های آسترازنکا به ایران. فعالیت‌های فرهنگی و هنری شامل؛ پروژه‌های هنری ۱۴۰۰ (سه نمایشگاه هنری New Beginnings ، Build up Community Resilience و Roots and Cultural Heritage) و پادکست‌های کنگره ایرانیان کانادا.

او فعالیت‌های کنگره را در زمینه‌های سلامت روان و سلامت عمومی بدین شکل شرح داد. در حوزه سلامت روان، اجرای برنامه هفته سلامت روان، مصاحبه با آقای مجید جوهری در این رابطه و برگزاری سه کارگاه با موضوع سلامت روان با حضور دکتر گرامی و دکتر دباغ. در موضوع سلامت عمومی؛ تلاش برای برپایی کلینیک واکسیناسیون در تورنتو از فعالیت‌های کنگره ایرانیان کانادا در این زمینه بوده است.

او در خصوص ارتباط با اعضا و جامعه ایرانیان کانادا به فعالیت‌های زیر اشاره کرد. برگزاری دو نظرسنجی در موضوع ارتباط با اعضا در خصوص تعیین اولویت‌ها و افزایش هزینه عضویت، انتشار پنج خبرنامه با کمک و تلاش کیهان رضوی، فعالیت‌های حساب کاربری یوتیوب کنگره و بازگشایی ICC Forum در فیس‌بوک. همچنین برگزاری جلسات و

مجمع سالانه کنگره ایرانیان کانادا در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۲ به ریاست دکتر مسلم نوری برگزار شد. او با شرح وضعیت کنگره در آخرین مجمع سالانه، به چگونگی انتقال مدیریت کنگره به تیم جدید پرداخت.

به گزارش هفته، به نقل از وبسایت کنگره ایرانیان کانادا، مسلم نوری موضوعات و چالش‌هایی از قبیل؛ وضعیت مالی سازمان، پرونده‌های حقوقی مفتوح، فرایندهای داخلی، قطبی‌سازی انتخاباتی و اعتماد و شفافیت را در آغاز این جلسه مطرح کرد. در ادامه هیئت‌مدیره راهکارهایی برای این چالش‌ها ارائه دادند که از آن جمله می‌توان به کاهش هزینه‌های عملیاتی و بستن پرونده‌های حقوقی اشاره کرد.

در ادامه مسلم نوری با شرح دستاوردهای کنگره در سال گذشته، آنها را در هفت گروه تقسیم‌بندی کرد. به گفته‌ی او مهم‌ترین اقدام کنگره کنشگری در مسائل مهم برای جامعه ایرانیان کانادا بوده است. پویش نامه‌نگاری برای ایجاد دفاتر ارائه خدمات کنسولی - درخواست از وزارت خارجه برای به‌کارگیری صحیح نام خلیج فارس - درخواست پاسخگویی، شفافیت و اجرای عدالت برای قربانیان پرواز PS752 و پیگیری مشکلات بانکی اعضا جامعه ایرانیان کانادا از جمله‌ی این فعالیت‌های کنگره بوده است.

او در ادامه به شرح دیگر فعالیت‌های کنگره



موزه هنرهای معاصر تورنتو بعد از ۲۰ سال برگزار می‌کند: اولین نمایشگاه بزرگ شیرین نشاط در کانادا

در موزه‌های بین‌المللی از جمله اخیراً در Pinakothek der Moderne، مونیخ برگزار کرده است. او همچنین سه فیلم بلند؛ زنان بدون مردان (۲۰۰۹)، به دنبال اوم کلثوم (۲۰۱۷) و سرزمین رؤیاها (۲۰۲۱) را در کارنامه خود دارد.

همچنین درباره زینه آکیول در این سایت می‌خوانیم: او در دانشگاه کبک، رشته ارتباطات با تخصص فیلم خواننده و سال ۲۰۱۶، با ساخت اولین مستند بلند خود به نام «سرزمین گل سرخ»، توسط هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم انتخاب و در پنجاه مورد نامزد شد. او توانست دوازده جایزه از جمله جایزه معتبر Doc Alliance جشنواره فیلم لوکارنو را از آن خود کند.

موزه هنرهای معاصر با عنوان این مطلب که گفتگوی شیرین نشاط و زینه آکیول خارج از موزه و در تئاتر پارادایس انجام می‌شود، تاکید کرده است افراد باید در طول برنامه ماسک داشته باشند.

منبع: سایت موزه هنرهای معاصر تورنتو

هم در برنامه‌های این روزهای موزه گنجانده شده است. ضمن اینکه برنامه گفت‌وگویی با شیرین نشاط به همراه زینه آکیول، فیلمساز کرد تبار کانادایی تدارک دیده شده است که در محل تئاتر پارادایس در ۱۰ مارس برگزار می‌شود که در واقع برنامه افتتاحیه این نمایشگاه مهم است. انتخاب زینه آکیول برای گفت‌وگو هم به این دلیل بوده که این دو هنرمند، دغدغه‌های یکسانی را در کارها و پروژه‌هایشان داشته‌اند؛ از جمله مواردی چون: «مسئله جهانی آوارگی، مهاجرت و حقوق زنان».

موزه هنرهای معاصر تورنتو در معرفی شیرین نشاط آورده است: «شیرین نشاط هنرمند و فیلمساز ایرانی‌الاصیل مقیم نیویورک است. نشاط با رسانه‌های عکاسی، ویدئو و فیلم کار می‌کند و به تجربیات خود ادامه می‌دهد. او تصاویرش را با روایت‌های بسیار شاعرانه و سیاسی آغشته می‌کند و مسائل مربوط به قدرت، مذهب، نژاد، جنسیت و رابطه بین گذشته و حال و غرب را زیر سؤال می‌برد. نشاط نمایشگاه‌های انفرادی متعددی را

نمایشگاه «سرزمین رؤیاها» شیرین نشاط، عکاس و فیلمساز بین‌المللی ایران از ۱۰ مارس تا ۳۱ ژوئیه در موزه هنرهای معاصر تورنتو و بعد از بیست سال که این هنرمند در کانادا حضور (هنری) نداشته است؛ برگزار می‌شود.

نمایشگاه «سرزمین رؤیاها» همگرایی عکاسی و فیلم را در هنر شیرین نشاط، عکاس و فیلمساز شناخته شده ایرانی که سال‌هاست در آمریکا زندگی می‌کند، نشان می‌دهد.

داستان «سرزمین رؤیاها» درباره یک زن ایرانی ساکن آمریکا است که در اداره سرشماری دولت آمریکا کار می‌کند و وظیفه دارد تا با مراجعه به خانه‌های شهروندان آمریکایی، پرسش‌های معمول را بپرسد و اطلاعات آن‌ها را جمع‌آوری کند. اما این بار دولت آمریکا یک سؤال غیرمعمول نیز به پرسش‌نامه اضافه کرده است و هر آمریکایی باید آخرین خواب یا رؤیای خود را برای دولت تعریف کند.

همچنین نمایش مجموعه عکس‌های زنان خدا (۱۹۹۳)، خلسه (۱۹۹۹) و روجا (۲۰۱۶)

معمای ربودن الناز حاج تعمیری همچنان باقیست دادگاه دوست پسر سابق الناز برگزار شد

نظری نکردند. حتی خانواده اعلام کرد «این خبر آن‌ها را به الناز نزدیک نمی‌کند.» و خواستار کمک مردم در شناسایی دو چهره‌ای شد که تصاویرشان را پلیس منتشر و گفته بود همان افرادی هستند که در پارکینگ به الناز حمله کرده‌اند.

بعد از این هم؛ خبر رسید که خانواده برای پیگیری این پرونده؛ کارآگاه خصوصی گرفته است. نام این فرد تام کلات اعلام شد. تام کلات که قبلاً با سرویس پلیس تورنتو کار می‌کرده است؛ زندگی خود را وقف بررسی پرونده‌های پیچیده کرده است. او در طول کار خود با پلیس تورنتو روی بیش از ۷۰ قتل تحقیق کرده است.

پیش از این هم نام دوین بینز، به‌عنوان وکیل الناز معرفی شده بود. دوین بینز، دادستان سابق ولیعهد بوده و همچنین یکی از موسسان شرکت Bains Partners است که از موفق‌ترین شرکت‌های حقوقی در زمینه‌های جنایی و شبه جنایی در کانادا است.

دادگاه خواستار شواهدی شد که بر مبنای آن موکل او را متهم کرده‌اند. گرنیر همچنین در گفت‌وگو با سی‌تی‌وی تأیید کرده که پلیس موکلش را به آزار و اذیت جنایی متهم می‌کند. تنها مورد تازه، تاریخ جلسه بعدی دادگاه است که ماه اپریل اعلام شده است.

محمد لیلو دوست پسر سابق الناز؛ نه روز بعد از ربودن او از خانه‌ای در ساحل واساگا دستگیر می‌شود اما چهار روز بعد با قرار وثیقه آزاد می‌شود. خبر با تأخیر زیاد منتشر می‌شود؛ آن هم در حالی که در نقد و بررسی‌های پرونده ربوده شدن الناز (باتوجه به شیوه‌ای که اعمال شده بود؛ حمله اول در پارکینگ و با ماهیتابه و بعد ربایش در لباس سه پلیس)؛ گمان اینکه کار یک «دوست پسر» باشد؛ کاملاً رد می‌شد. پلیس همان زمان اعلام کرد؛ لیلو متهم به آزار و اذیت جنایی است اما نگفت چه کسی را او مورد آزار و اذیت قرار داده است. بسیاری بعد از این خبر، فرد مورد نظر را الناز دانستند اما نه پلیس و نه خانواده در این مورد اظهار



دوست پسر سابق الناز حاج تعمیری، سه‌شنبه ۲۲ فوریه به‌صورت مجازی در دادگاهی که برای او به اتهام آزار و اذیت جنایی تشکیل شده بود؛ حاضر شد. دادگاهی که بسیاری در انتظار آن بودند تا شاید نوری به تاریکی‌های پرونده ربودن الناز حاج تعمیری بتابند که ۴۱ روز از آن می‌گذرد. اما اخباری که از این دادگاه منتشر شده؛ حاوی هیچ اطلاعات تازه‌ای نیست.

به گزارش هفته و به نقل از سی‌تی‌وی نیوز، در این دادگاه که به‌صورت مجازی برگزار می‌شد؛ فیلیپ گرنیر، وکیل مدافع محمد لیلو در حالی دفاعیات خودش را از محمد شروع کرد که از

بازگشت بازارچه نوروزی بعد از

دو سال کرونایی به اتاوا

است.

ورود برای عموم آزاد و رایگان است. همچنین فضای پارکینگ در نظر گرفته شده است که آن هم شامل هیچ‌گونه هزینه‌ای نیست علاقه‌مندان برای اطلاعات بیشتر و رزرو غرفه می‌توانند از طریق سایت www.bia2ottawa.com یا شماره تماس ۶۱۳ ۲۹۲ ۶۱۸۱ و یا ایمیل dig-italzoneottawa@gmail.com یا آدرس Ridge- 750 wood Ave. Ottawa, ON K1V 6N1 تماس برقرار کنند. لازم به ذکر است بازارچه نوروزی آریا در شهر تورنتو نیز پس از وقفه‌ای دوساله، امسال به مدت ۵ روز از ۱۵ تا ۱۹ مارچ در مارکهام تورنتو دایر خواهد بود تا ایرانیان در شهرهای مختلف کانادا پایان محدودیت‌های پاندمی را کنار هم جشن بگیرند و به انتظار بهاری سبزتر بنشینند.

امسال اتاوا، پس از دو سال تعطیلی بازارچه‌های نوروزی به دلیل پاندمی با برگزاری چهاردهمین بازارچه در تاریخ یکشنبه ۱۲ مارچ از ساعت ۱۲ تا ۲۱ در مرکز Saint Elias Banquet Hall به استقبال بهار می‌رود.

به گزارش هفته، ایرانیان اتاوا که شاهد سپری شدن دو سال پیاپی به‌دور از شور و هیجان بازارچه‌های نوروزی بودند. امسال فرصتی دوباره خواهند یافت تا با سفره هفت سینی رنگین‌تر به استقبال بهار پیش رو بروند و خاطره‌ی نوستالژیک خرید شب عید را تکرار کنند.

این بازارچه شامل غرفه‌های متنوع؛ هدایا، هنرهای ایرانی، لوازم سفره هفت‌سین، انواع شیرینی‌جات، چای و قهوه، غذاهای ایرانی و بین‌المللی، کافه تریا به سبک ایرانی و عکاسی همراه با برنامه سرگرمی و موسیقی دی‌جی



سحر صمدایی

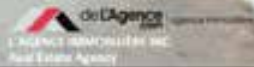
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدرا



Sahar Samadaei

Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743

مانیا نیازی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

- فارغ التحصیل از دانشگاه هنر لندن - انگلستان
- خرید، فروش، اجاره و سرمایه گذاری در املاک
- ارزیابی و مشاوره رایگان برای خرید و فروش
- دارای تیم طراحی و استیجینگ مجازی



Manya Niazi

Courtier immobilier résidentiel
Residential Real Estate Broker



ALTITUDE

(514) 222 - 2293

manya@royalpage.ca

1215 Rue Notre-Dame Ouest
Montréal, Québec H3C 0B1



این پژوهشگر نگاه به میکروبز دایی را دگرگون کرد

گفت‌وگو با دکتر سپیده پاکپور استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا:

پرده‌ها را بردارید و به نور آبی راه دهید

از طرف دیگر، من که کارم میکروبیولوژی است دیدم خانه‌های ما نور زرد دارند که فرکانس‌هایش بالا است اما میکروب‌ها نسبت به نور آبی حساس هستند. بنابراین ما طراحی انجام دادیم و سیستمی در آزمایشگاه‌مان درست کردیم که مثل یک خانه بود و دور تادورش پنجره داشت که نور آبی وارد خانه می‌کرد.



پرونده هفته



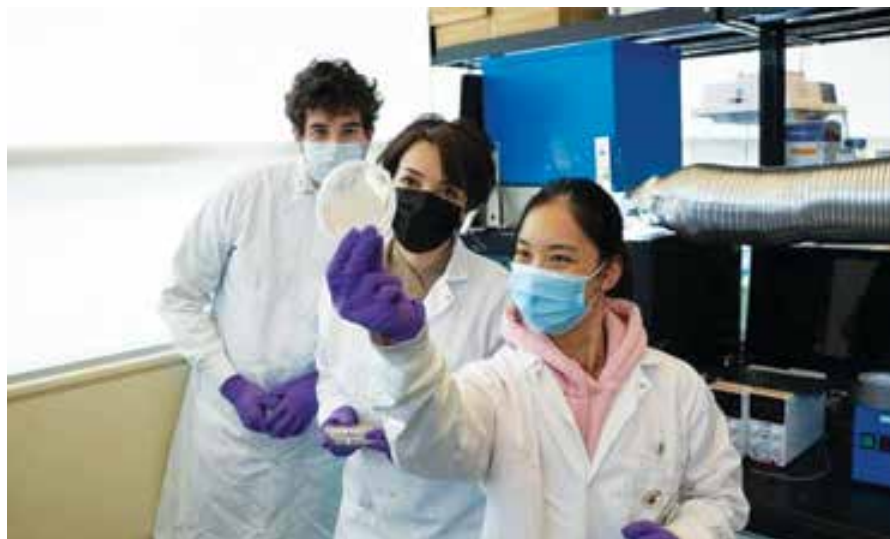


مؤسسه فناوری ماساچوست، دانشجوی فوق دکتری مهندسی بیولوژی از مؤسسه فناوری ماساچوست، و محقق پست دکترا دانشکده بهداشت عمومی چان هاروارد تنها گوشه‌ای از کارنامه آکادمیک او است که از سال ۲۰۱۸ به‌عنوان استادیار دانشکده مهندسی به دانشگاه بریتیش کلمبیا پیوسته است. یکی از فیلدهای اصلی تحقیقات و پژوهش دکتر پاکپور در این سال‌ها، نیروها و عوامل مؤثر بر میکروبیوم انسانی و نحوه تعامل میکروارگانیسم‌ها بوده که نتایج بسیار تازه و ارزشمندی را با خود به همراه داشته است. او علاوه بر تحقیقات مستقل، پروژه‌های مشترک بین‌المللی را همراهی و مدیریت کرده و

جامعه بتواند رشد کند.» این نگاه یک خانم جوان پژوهشگر ایرانی در کانادا است، دکتر سپیده پاکپور. سپیده پاکپور پژوهشگر ایرانی ساکن بریتیش کلمبیا است و سال‌های زیادی در زمینه سالم‌سازی محیط زیست بلاواسطه‌ی انسان‌ها پژوهش کرده است. کارنامه‌ی پر بار او سندی بر درستی این است که می‌گوید در این سال‌ها و بعد از ورود به دانشگاه هنوز فرصت نکرده، زمانی را به تفریح بگذراند: کارشناسی ارشد شیمی علوم غذایی و کشاورزی از دانشگاه مک‌گیل، دکترای زیست‌شناسی از دانشگاه بریتیش کلمبیا، محقق پست دکترا (PDFs) بیماری‌های عفونی و میکروبیوم در هاروارد و

«من در ایران بزرگ شدم و خودم را در قبال آن مسئول می‌دانم. این شخصیت را هم کانادا به من داده. برخلاف آمریکایی‌ها برای معرفی خودم نمی‌گویم «من AMERICAN-IRANIAN هستم» بلکه می‌گویم «من IRANIAN-CANADIAN هستم». این نوع معرفی روی ذهنم تأثیر دارد و من را متوجه مسئولیتی می‌کند که در قبال سرزمین مادری‌ام دارم. من در ایران مهدکودک رفته‌ام؛ درس خوانده‌ام؛ معلم داشته‌ام و ریشه‌های من آنجا است. رابطه‌ام را با جامعه ایرانی در همه این سال‌ها حفظ کرده‌ام و فکر می‌کنم ما بیشتر از اینکه آدم‌های باهوشی باشیم؛ آدم‌های سخت‌کوشی هستیم که هر کدام از ما به‌اندازه خودش تلاش می‌کند تا در

می‌گویم از زبان یک استاد است که دانشجوی ایرانی داشته و دارد. آن زمان تعداد به نسبت الان خیلی کمتر بود اما می‌دانستند که ایرانی‌ها از دانشگاه‌های خوب آمده‌اند و احترام به دانشجوی ایرانی همچنان وجود داشت. البته خوبی دانشگاه‌های کانادا این است که به اتفاق‌هایی که در دنیا می‌افتد آگاه هستند و دانشگاه‌های معتبر را هم خیلی خوب می‌شناسد. زمان ما هم دانشجویهای بسیار خوبی به کانادا می‌آمدند که هم قوی بودند؛ هم هدف‌هایشان بسیار مشخص بود و هم برای محیط علمی و دانشگاه خیلی زیاد ارزش قابل بودند. کسانی که من می‌شناختم به‌خاطر ترکیب فرهنگ و علم؛ توانستند اثر خودشان را در هر محیطی که قرار گرفتند؛ بگذارند و هرکدام بچه‌های فوق‌العاده موفق در دانشگاه و یا صنعت شدند. کسانی هم بودند که به ایران برگشتند و الان در آنجا استادان بسیار خوبی هستند.



وقتی مهاجر هستی باید خیلی زود خودت را نشان بدهی. این خیلی زود که می‌گویم؛ چیزی زیر یک سال است. مهاجرت بیرون آمدن از COMFORT ZONE (منطقه امن) است و تا زمانی که از کشورمان بیرون نیامده باشیم؛ این را متوجه نمی‌شویم که در ایران چقدر ریشه محبتی ما را پشتیبانی می‌کرده است.

با کسانی که به ایران برگشتند در ارتباط هستید؟

من کلاً خیلی زیاد با ایرانیان ارتباط دارم. از همان روزهای اولی که وارد آکادمی شدم و حتی تا وقتی که از کانادا به آمریکا رفتم، ارتباطم را با آن‌ها حفظ کردم. من در مونترال، ونکوور و کلونا دوستان ایرانی زیادی دارم؛ نه به‌واسطه اینکه الان به جایی رسیدیم و حالا این کانکشن‌ها را برقرار کردم؛ به‌خاطر اینکه خودم را عضوی از پیکر ایران می‌دانم. اگر الان توی آزمایشگاه من بیایید؛ بچه‌های ایرانی زیادی را -البته با توجه به استانداردی که تعریف می‌کنم- می‌بینید. کانکشن‌های من با ایران کاملاً برقرار است؛ با دانشمندی‌های ایرانی که در حوزه‌های پزشکی فعالیت می‌کنند؛ همکاری دارم. با جامعه ایرانی تورنتو و مونترال در ارتباط هستم و حتی یک کامیونیتی درست کردم و به بچه‌ها می‌گویم این نمونه‌ای از جامعه قشنگ ما ایرانی‌هاست که فرهنگ غنی داریم؛ توانمند و سخت‌کوش هستیم. خیلی هم همدیگر را پشتیبانی می‌کنیم و قبول ندارم که برخی می‌گویند؛ ایرانی‌ها همدیگر را حمایت نمی‌کنند.

خودتان را بیشتر ایرانی می‌دانید یا کانادایی؟

من در ایران بزرگ شدم و خودم را در قبال

بودم و کاملاً آگاهانه تصمیم داشتیم در زمینه تحقیق و پژوهش فعالیت داشته باشیم؛ چیزی که اگر در ایران می‌ماندم، نمی‌توانستم آن‌طور که می‌خواهم به آن بپردازم.

اما در مونترال و مک گیل زیاد نمائید؛ درست است؟

من یک سال در دانشگاه مک گیل به‌عنوان دستیار تحقیق (Research Assistant) کار کردم و بعد PHD را در دانشگاه بریتیش کلمبیا شروع کردم. بعد از اینکه مسترم را گرفتم و به این دلیل که دوست داشتم فضاهای دیگر را در کانادا و جاهای دیگر دنیا تجربه کنم از مونترال رفتم.

زمانی که شما وارد یک دانشگاه کانادایی شدید؛ تعداد ایرانی‌ها به نسبت الان حتماً خیلی کمتر بوده؛ نگاهی که به دانشجوی ایرانی وجود داشت، چگونه بود؟

من سال ۲۰۰۸ وارد مک گیل شدم و در آن زمان تعداد نسبتاً کمی دانشجوی ایرانی در دانشگاه ما بود. چیزی که من الان برای شما

همچنین برنده جوایز معتبر و متعددی از جمله The Fonds de recherche du Québec بنیاد فناوری‌های طبیعت (FRQNT) و شورای تحقیقات علوم طبیعی و مهندسی کانادا (NSERC) شده است.

گفت‌وگوی ما را با این استاد و پژوهشگر درباره جامعه ایرانی، زندگی، مهاجرت و البته دستاوردهای علمی تازه و مهم او که از دریچه یک دیدار مجازی صورت گرفت؛ می‌خوانید.

خانم دکتر سپیده پاکپور از این‌جا شروع کنیم که چه شد به کانادا مهاجرت کردید؟ در چه سنی و به چه دلیل؟

بیست و دو ساله بودم که به کانادا آمدم؛ لیسانسم را از دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در ایران گرفته بودم و دلیل اصلی مهاجرتم، خانواده بود. آن‌ها همگی به کانادا مهاجرت کردند. خودم هم همیشه این کشور را دوست داشتم و پدرم و مادرم (که قبلاً هم به کانادا مهاجرت داشتند) آگاهانه شهر مونترال را برای زندگی انتخاب کردند. من هم بین دانشگاه‌های کانادا، به مک گیل علاقه‌مند



وقتی پرده جلوی پنجره‌هایمان داریم، میکروب‌ها (در خانه) خیلی سریع رشد می‌کنند؛ ولی زمانی که نور را زیاد می‌کنیم؛ آن‌ها از بین می‌روند. حالا اگر مقدار نور کم باشد اما از شیشه‌های روکش‌دار استفاده کرده باشیم به طوریکه نور زرد را کمتر و نور آبی را بیشتر عبور دهند؛ رشد میکروب‌ها کاهش پیدا می‌کند.

محبتی ما را پشتیبانی می‌کرده است. در مورد من هم همین‌طور بود. حتی در مونترال هم این فضای امن را برای خودم ایجاد کرده بودم اما دوباره تصمیم گرفتم بیام دانشگاه بی.سی و پی.اچ.دی را اینجا بگذرانم؛ دوره چهارساله را سه‌ساله تمام کردم و سال آخر را رفته‌ام هاروارد. مدام از دایره امنی که داشتم و ساخته بودم؛ خارج می‌شدم. چون باید به دیگران اثبات کنی؛ نه تنها من می‌توانم آدم مناسبی (در کار و درس) باشم که بهترین کسی هستم که شما می‌توانید روی من سرمایه‌گذاری داشته باشید. من تمام مراحل را با اسکارلشیپ بالا می‌آدم؛ از مستر تا فوق دکترا اسکارلشیپ داشتم.

رشته‌هایی که شما خواندید؛ مدارک دانشگاهی که گرفتید و تحقیق‌های مهمی که انجام دادید، برای یک فرد ۳۸ ساله، خیلی زیاد به نظر می‌رسد. چطور برنامه‌ریزی داشتید؟ آیا دور زندگی شخصی را خط کشیدید؟ ببینید من ساعت پنج صبح بیدار می‌شوم و کارم را شروع می‌کنم چون دغدغه‌اش را دارم. اما در کنارش موسیقی ایرانی‌ام را گوش می‌دهم

را نسبت به موسیقی ایرانی، اشعار ایرانی و نویسندگانی ایرانی و... آگاه نکند. من بستر را برایش فراهم می‌کنم تا خودش انتخاب کند در آینده چه می‌خواهد. در خانه ما خیلی چیزهای نوستالژیک پیدا می‌شود؛ حتی عروسک‌هایی که نشان می‌دهد مادر بزرگ من این شکلی بوده اما من این شکل نیستم و راستین (پسر) حق دارد این‌ها را ببیند؛ با آن‌ها آشنا شود و بعداً خودش انتخاب کند که این چیزها را حفظ و یا حذف کند.

شما از ایران به کانادا می‌آیید و بعد به ایالات متحده می‌روید و دوباره به کانادا بر می‌گردید. به نظر می‌رسد مهاجرت برایتان موضوع خیلی سختی نیست؟

اتفاقاً مهاجرت خیلی بار سنگینی دارد. وقتی مهاجر هستی باید خیلی زود خودت را نشان بدهی. این خیلی زود که می‌گویم؛ چیزی زیر یک سال است. مهاجرت بیرون آمدن از COMFORT ZONE (منطقه امن) است و تا زمانی که از کشورمان بیرون نیامده باشیم؛ این را متوجه نمی‌شویم که در ایران چقدر ریشه

آن مسئول می‌دانم. این شخصیت را هم کانادا به من داده. برخلاف آمریکایی‌ها برای معرفی خودم نمی‌گویم «من AMERICAN-IRANIAN هستم» بلکه می‌گویم «من IRANIAN-CANADIAN هستم». این نوع معرفی روی ذهنم تأثیر دارد و من را متوجه مسئولیتی می‌کند که در قبال سرزمین مادری‌ام دارم. من در ایران مهدکودک رفته‌ام؛ درس‌خوانده‌ام؛ معلم داشته‌ام و ریشه‌های من آنجا است. رابطه‌ام را با جامعه ایرانی در همه این سال‌ها حفظ کرده‌ام و فکر می‌کنم ما بیشتر از اینکه آدم‌های باهوشی باشیم؛ آدم‌های سخت‌کوشی هستیم که هر کدام از ما به اندازه خودش تلاش می‌کند تا در جامعه بتواند رشد کند.

فرزندى هم دارید؟

بله یک پسر دوساله دارم.

برایتان مهم است که او درباره این ریشه‌ها چیزی بداند؟

مهم هست اما من همان روشی را برای او پیاده می‌کنم که برای دانشجویانم هم دارم. دلیل نمی‌شود که چون در کانادا هستیم؛ بچه‌ام



کار من مهندسی کردن و تغییر دادن ترکیب میکروب‌های یک محیط زیست است. حالا آن محیط زیست می‌خواهد هوا باشد و یا روده انسان. گاهی هدف این است که طوری آن ترکیب میکروبی را مهندسی کنیم که بیماری ایجاد نشود و گاهی دیگر که بیماری ایجاد شده هدف این می‌شود که به درمان برسیم. در این پروژه مشخص محیط زیست مورد بررسی خانه‌های ماست، چیزی که به آن indoor environment (محیط داخلی) می‌گوییم.

کارشان بود و اینکه چطور بالاترین بهره‌وری را داشته باشند و دغدغه من ویروس‌ها و بیماری‌زها بودند. این تحقیق را با هم پیش بردیم تا ببینم چقدر ما به محیط زیستمان میکروب وارد می‌کنیم و چقدر از محیط زیست، میکروب به بدن ما وارد می‌شود. الان ایشان مدیر سلامت health director یکی از بزرگترین کمپانی‌های دنیا است و کارش ساختن پنجره است. من هم که به UBC (دانشگاه بریتیش کلمبیا) آمدم و استاد دانشگاه شدم. اما دغدغه و کار مشترک ما همچنان وجود داشت.

در واقع ساخت پنجره‌های هوشمند از این پیشینه طولانی شروع شد؟
بله. در زندگی امروز، همه ما در خانه‌ها و محیط داخلی بسته گیر افتادیم. طوری که می‌شود گفت؛ ۹۰ درصد زندگی‌مان را در محیط داخلی می‌گذرانیم. به همین دلیل بهره‌وری آدم‌ها کم شده است. در لید تحقیقات دوست من آمده بود که وقتی شما دید به بیرون ایجاد می‌کنید و از پنجره‌ای که پرده ندارد؛ می‌توانید بیرون را ببینید؛ نه تنها بهره‌وری‌تان بالا می‌رود که به نوعی نور هم می‌تواند میکروب‌ها را از بین ببرد. یافته‌ای که خصوصاً برای بیمارستان‌ها

وجود دارد که سال‌های سال می‌خواستیم آن‌ها را حذف کنیم. اما به این نتیجه رسیدیم که حذف آن‌ها نه تنها مشکلات را کم نمی‌کند که زیاده‌اش هم می‌کند. مثلاً بچه‌های ما مستعد بیماری‌های بیشتری می‌شوند؛ آلرژی می‌گیرند و... پس باید محیط را به نحوی مهندسی می‌کردیم که خوب‌ها را نگه می‌داشتیم و بد‌ها را از بین می‌بردیم.

اگر درست متوجه شده باشم؛ آن هم به روش طبیعی نه با مواد شیمیایی؟
دقیقاً این نکته خیلی برای ما مهم بود. من در تحقیقات PHD هم نشان دادم که هرگونه ترکیب شیمیایی و یا فیزیکی که استفاده کنید؛ محیط این توانایی را دارد که پاتوژن‌ها (بیماری‌زها) را جذب کند؛ برای همین، مسیرمان باید یک روند طبیعی داشته باشد و با شرایط علمی پیش برود. آخرین اخباری که از ما منتشر شد درباره این بود که چطور توانستیم بر بیماری‌زهای موجود در خانه‌ها با تغییر نوع نور تأثیر بگذاریم. من با کسی روی این پروژه کار می‌کنم که همکار و دوست دانشگاهی‌ام در هاروارد بود. او PHD می‌گرفت و من در حال گذراندن پست‌دکترای بودم. دغدغه او پرفورمنس آدم‌ها در محیط

تا فرهنگم را حفظ کنم؛ با جامعه علمی ارتباط دارم و این را هم بگویم (زمانی که وارد کانادا و محیط آموزشی شدم) خیلی از چیزها را در مقابل جامعه علمی بلد نبودم و غبطه می‌خوردم که چرا این‌ها را (در ایران) به ما یاد ندادند. اما بسیار تلاش کردم تا آن‌ها را یاد بگیرم؛ چیزهایی که با گذشت زمان نه تنها راحت نمی‌شد که اتفاقاً (با تغییر محیط آموزشی) مدام سخت‌تر می‌شد. سختی‌هایی که من در زمان پی‌اچ‌دی گذرانم؛ در زمان رفتن به هاروارد بیشتر شد و خیلی هم فرق کرد. چون اصولاً وقتی یک پوزیشن می‌گیری همه چیز سخت‌تر می‌شود. من الان که با شما صحبت می‌کنم؛ روزی ۱۸ ساعت کار می‌کنم. بچه هم دارم و می‌خواهم مادر خوبی باشم. حلقه دوستان خودم را هم دارم. فامیل خودم را دارم و... فقط هم من نیستم که این بالانس کردن‌ها را انجام می‌دهم، خیلی از ما واقعاً هنرمند هستیم که درعین حال که در خانه یک دختر ایرانی هستیم؛ وقتی وارد جامعه علمی می‌شویم؛ این توانایی را داریم که با یک مسئول و سرپرست رده بالا؛ چشم توی چشم بشویم و حرفمان را بزنیم. رسیدن به این جایگاه بدون سختی کشیدن امکان‌پذیر نیست و البته به معنای miserable بودن (عاجز بودن) هم نیست، بلکه نشان‌دهنده توانایی resilient (انعطاف‌پذیر بودن) است و اینکه من می‌دانم کجا ضعف دارم و باید آن را برطرف کنم تا قوی‌تر بشوم.

بررسی به نقطه‌ای که در واقع نشان‌دهنده تلاش همه این سال‌ها و شیوه زندگی است که شما انتخاب کردید؛ تحقیقات اخیرتان و نتایجی که گرفتید و حسابی هم سروصدا به پا کرد.

برای توضیح باید بگویم؛ کار من مهندسی کردن و تغییر دادن ترکیب میکروب‌های یک محیط زیست است. حالا آن محیط زیست می‌خواهد هوا باشد و یا روده انسان. گاهی هدف این است که طوری آن ترکیب میکروبی را مهندسی کنیم که بیماری ایجاد نشود و گاهی دیگر که بیماری ایجاد شده هدف این می‌شود که به درمان برسیم. در این پروژه مشخص محیط زیست مورد بررسی خانه‌های ماست، چیزی که به آن indoor environment (محیط داخلی) می‌گوییم. در این محیط داخلی، میکروب‌های زیادی

هستند باید چه کنیم که خودش، شاخه دیگری از پروژه من است و National Defence کانادا آن را فاند می‌کند.

در نهایت از پنجره‌های هوشمند به خانه‌های هوشمند در آینده می‌رسیم؟

بله و به این نقطه که بدانیم چه عوامل بیماری‌زایی در خانه‌هایمان است و چه باید بکنیم.

مثلاً اخطار می‌دهد که ویروس کرونا در خانه است...

بله. خانه‌های ما فوق‌العاده آلوده هستند و اصلاً عوامل بیماری‌زا را جذب می‌کنند.

پس در comfort zone خطرناکی فعلاً هستیم...

دلیلش هم این است که خیلی زمان نیست ما انسان‌ها در این محیط، زیست می‌کنیم. ما خاک را می‌شناسیم؛ هوا را می‌شناسیم اما نسبت به خانه‌هایمان شناخت کمی داریم. خانه‌هایی که در و دیوارش می‌تواند ما را بیمار کند.

می‌توانم پنجره‌های خانه شما را ببینم؟

(خانم پاکپور دوربین را می‌چرخاند به سمت پنجره‌های بزرگ، بدون پرده و رو به چشم‌اندازی باز و پاسخ می‌دهد): در خانه ما پرده وجود ندارد!

سؤال آخر. به نظر می‌آید شما به خیلی از هدف‌هایی که در زمینه علم و پژوهش داشتید رسیدید و کارهای ارزشمند زیادی را انجام دادید که خصوصاً برای ما ایرانی‌ها قابل افتخار است. چیزی در ذهنتان هست که دغدغه‌تان باشد، برایش برنامه‌ریزی داشته باشید ولی هنوز انجام نگرفته باشد؟

آخرین باری که به ایران رفتم؛ دوازده سال پیش بود. الان هم که با شرایط دانشگاهی که دارم؛ سخت‌تر شده اما همیشه دوست داشتم که بتوانم برای مردم ایران و خصوصاً دخترهای ایرانی کاری بکنم!

خانم دکتر سپیده پاکپور گرامی از اینکه وقت خود را در اختیار هفته گذاشتید از شما سپاسگزاریم.

در کانادا چطور؟

خود UBC هم ساختمان‌هایش را با این سیستم جلو می‌برد. اما در کانادا به دلیل اینکه ساختمان جدید ساخته نمی‌شود؛ (فعلاً) اجرا نشده است. من این تحقیق را از سال ۲۰۱۱ و با Child Study شروع کردم که اصلاً ببینیم

و محل‌های کار بسیار مهم بود. در نهایت پنجره‌هایی ساخته شد که نه تنها جای پرده‌ها را می‌گرفت و اجازه نمی‌داد میزان نور اذیت‌کننده باشد که به شما امکان دید منظره‌های عالی اطراف را می‌داد. از طرف دیگر، من که کارم میکروبیولوژی است دیدم خانه‌های ما نور زرد دارند که فرکانس‌هایش بالا است اما میکروب‌ها نسبت به نور آبی حساس هستند. بنابراین ما طراحی انجام دادیم و سیستمی در آزمایشگاه‌مان درست کردیم که مثل یک خانه بود و دورتادورش پنجره داشت که نور آبی وارد خانه می‌کرد. پنجره‌هایی که پرده نداشتند. چون خود پرده عامل بیماری‌زایی دارد و می‌تواند مشکل ایجاد کند. ما وقتی درباره خانه‌ها حرف می‌زنیم درباره خانه‌های سالم حرف می‌زنیم که ۹ عملکرد اصلی (گرد و غبار، ایمنی و امنیت، کیفیت آب، صدا، نور و دید، تهویه، کیفیت هوا، سلامت حرارتی و رطوبت) را دارند که هر کدام تاثیر خودشان را روی بهره‌وری انسان و کیفیت خواب می‌گذارند. هدف ما این بود که تاثیر نور بر میکروب‌های بیماری‌زا را نشان بدهیم. امروز در بیمارستان‌ها میکروبهایی هست که از بین بردن آنها جز با بلیچ کردن ممکن نیست.

همان مدل کوچکی که در آزمایشگاه ساختید؟

بله همان مدلی که ویژگی‌های خانه‌های ما را از نظر دما و رطوبت و... داشت. در یک توضیح خیلی ساده: ما نشان دادیم که وقتی پرده جلوی پنجره‌هایمان داریم، میکروب‌ها (در خانه) خیلی سریع رشد می‌کنند؛ ولی زمانی که نور را زیاد می‌کنیم؛ آن‌ها از بین می‌روند. حالا اگر مقدار نور کم باشد اما از شیشه‌های روکش‌دار استفاده کرده باشیم به طوری که نور زرد را کمتر و نور آبی را بیشتر عبور دهند؛ رشد میکروب‌ها کاهش پیدا می‌کند.

در ساختمان مسکونی و یا بیمارستان هم این پنجره‌ها و سیستم عملیاتی شده است؟

با دو بیمارستان در آمریکا کار کردیم که این سیستم را در ساختمان‌شان استفاده کردند.

ولی الان به صورت محدود در حال اجراست؟

بیشتر از محدود است و به اپلیکیشن رسیده.

ما واقعا هنرمند

هستیم که در عین حال که در خانه یک دختر ایرانی هستیم؛ وقتی وارد جامعه علمی می‌شویم؛ این توانایی را داریم که با یک مسئول و سرپرست رده بالا؛ چشم توی چشم بشویم و حرف‌مان را بزنیم. رسیدن به این جایگاه بدون سختی کشیدن امکان‌پذیر نیست و البته به معنای miserable بودن (عاجز بودن) هم نیست، بلکه نشان دهنده توانایی resilient (انعطاف‌پذیر بودن) است و اینکه من می‌دانم کجا ضعف دارم و باید آن را برطرف کنم تا قوی‌تر بشوم.

میکروبی در داخل خانه‌های ما وجود دارد یا ندارد. نتیجه این بود که در خانه‌های ما هم میکروب، هم ویروس و هم قارچ وجود دارد. زمانی که Postdoc را شروع کردم؛ تحقیق‌هایم متمرکز شد بر اینکه؛ آیا این میکروب‌ها، ویروس و قارچ‌ها قابل انتقال به ما هستند؟ اگر

دستگاهی که نگین آشوری ساخته، بازار میلیاردی دارد دختر ایرانی ساکن مونترال به سلامت زنان جهان می‌اندیشد



وارد و برداشته شوند. همچنین برای جلوگیری از عفونت باید به صورت ماهیانه تمیز و دوباره قرار داده شوند. آن‌ها همچنین با آزمون و خطا تطبیق داده می‌شوند، فرایندی که اغلب شامل مشاوره‌های متعدد است. در صورتی که پساری جدید برای هر شخص به طور خاص طراحی می‌شود؛ استفاده از آن آسان و جنس آن‌ها هم به صورتی است که در عین یکبار مصرف بودن؛ زیست تخریب‌پذیر هم هستند.

آشوری می‌گوید: «اکثر خانم‌هایی که دچار این عارضه می‌شوند؛ بالای ۴۰ سال سن دارند و بسیاری از آن‌ها با درآوردن، شستن و قراردادن این وسایل احساس ناراحتی می‌کنند و گاهی ممکن است منجر به عفونت یا تحریک در آن‌ها شود اما در طراحی که ما انجام داده‌ایم، پس از برداشتن پساری، می‌توان آن را دور انداخت و یک دستگاه جدید و تمیز جایگزین آن کرد.»

گفتنی است، میتاکس یک سازمان تحقیقاتی ملی غیرانتفاعی است که با مشارکت دانشگاه، صنعت خصوصی و دولت کانادا، برنامه‌های تحقیقاتی و آموزشی را در زمینه‌های مرتبط با نوآوری‌های صنعتی و اجتماعی اجرا می‌کند.

منبع: وبسایت رسمی دانشگاه کنکور دیا

نگین آشوری، در ۵۰ سال اخیر هیچ تغییری نداشته و استفاده از آن برای بیماران راحت نیست. او می‌گوید: «در حال حاضر، زمانی که پزشکان پساری را برای زنان تجویز می‌کنند، در ۴۰ درصد مواقع با شکست مواجه می‌شوند و زنان هیچ گزینه‌ای جز دنبال کردن روش‌های جراحی ترمیمی تهاجمی برایشان باقی نمی‌ماند.»

او پس از تأسیس استارت‌آپ FemTherapeutics در سال ۲۰۱۹ به همراه سه نفر از هم‌کلاسی‌هایش؛ برای تحول این دستگاه پزشکی تلاش کرده است. در حال حاضر «پساری» جدید در انتظار تأییدیه بهداشت کانادا و سازمان غذا و داروی ایالات متحده است تا در سال ۲۰۲۲ به بازار عرضه شود. افتادگی اندام لگن، وضعیتی است که در آن یک یا چند بافت لگن از موقعیت طبیعی خود خارج و به پایین می‌لغزند و فرد احساس برآمدگی یا حس خارج شدن چیزی از واژن را دارد. شیوع این مشکل به حدی است که اعلام می‌شود از هر ۱۰ زن در سراسر جهان یک نفر با آن درگیر است و به عبارتی دستگاهی که نگین آشوری ساخته است؛ می‌تواند یک بازار ۱.۲ میلیارد دلاری را داشته باشد.

استفاده از پساری‌های موجود در حال حاضر، بسیار ناراحت‌کننده هستند؛ چراکه باید با دست

نگین آشوری با ساخت یک نوع پروتز داخل واژن که زیست تخریب‌پذیر و یکبار مصرف است و عرضه آن به بازار محصولات پزشکی، مشکل زنان بسیاری را که از افتادگی بافت‌های لگن رنج می‌برند؛ تا حد بسیار زیادی کاهش می‌دهد. او به واسطه این نوآوری؛ آن هم در زمان همه‌گیری کرونا توانست؛ جایزه معتبر MITACS را از آن خود کند.

به گزارش هفته و به نقل از سایت دانشگاه کنکور دیا، نگین آشوری، دختر مبتکر ایرانی ساکن مونترال است که سال گذشته یکی از پنج جایزه Mitacs Global Impact Entrepreneur Award را به پاس تلاش‌هایش برای تبدیل تحقیقات خود به یک تجارت نوآورانه که بر زندگی کانادایی‌ها تأثیر می‌گذارد، از آن خود کرد. نگین یکی از بنیان‌گذاران و مدیرعامل موقت استارت‌آپ FemTherapeutics است که تمرکز اصلی‌شان بر روی استفاده از هوش مصنوعی در زمینه پزشکی است.

نگین آشوری، به‌عنوان بخشی از کار گروهی خود در برنامه نوآورانه جراحی در دانشگاه مک‌گیل، ایده دستگاه شخصی‌سازی شده، پساری را مطرح کرد. پساری یک وسیله انعطاف‌پذیر برای نگه داشتن اندام‌های داخلی لگن است که به گفته

Sutton

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker



کازم تهرانی

مشاور رسمی املاک در کبک

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

هزینه محضر، ۱۵۰۰ دلار هدیه ما، برای خریدارن ملک

■ پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال

■ مشاوره برای املاک در آمدزا

■ ارزیابی رایگان منزل شما

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک
به همراه یک تیم حرفه ای

514 - 971-7407

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه گذاری

مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491



بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری های خاص و...

پس انداز تحصیلی

برنامه ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

◆ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی

◆ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری

◆ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق

◆ مختلف مونترال جهت خرید

◆ هزینه محضر هدیه من به خریداران



514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com

مصاحبه

مقاله

مهاجرت



Montreal:

Office: 514-289-9011 / 514-289-9044

WhatsApp: 514-778-9011

Address: 1117 Ste. Catherine West,
511 #, Montreal, Qc. H3B 1H9

Tehran:

Office: 021-2288-1684

Mobile: 0937-489-6676

معصومه علیمحمدی - مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق: سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خویشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

WWW.ICPIMMIGRATION.COM

info@icpimmigration.com

[icpimmigrationtocanada](https://www.facebook.com/icpimmigrationtocanada)

[icpimmigrationtocanada](https://www.facebook.com/icpimmigrationtocanada)

[@ICPimmigrationTOCANADA](https://www.facebook.com/ICPimmigrationTOCANADA)



عضو رسمی
شورای مشاوران
مهاجرت به کانادا

جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفتر
ما در مونترال تماس حاصل فرمایید.



انتشار لیست مشاغل مورد نیاز کبک با امتیاز ساده سازی LMIA

اداره مهاجرت کبک لیست مشاغل مورد نیاز استان را که کارفرمایان مجبور به اثبات تلاش برای استخدام مهاجرین و شهروندان کانادایی قبل از استخدام کارگران خارجی نخواهند بود را اعلام کرد.

هر سال در روز ۲۴ فوریه کبک نسبت به روزرسانی لیست مشاغل مورد نیاز که واجد شرایط ساده سازی پروسه دریافت LMIA هستند را اعلام می کند. این لیست هر ساله برای تسریع در تأمین نیروی کار مورد نیاز کارفرمایان کبک اعلام می شود. دلیل اصلی ایجاد پروسه ساده سازی صرفاً ایجاد تسریع در ورود کارگران خارجی مورد نیاز با مجوز کار موقت است. علاوه بر این دولت کبک سعی می کند تا بتواند نیاز کارفرمایان کبکی که تلاش بر استخدام نیروی کار خارجی، به علت کمبود متخصص در داخلی مواجه هستند را الویت سازی کند.

رشد نزولی تولد در کبک و میانگین سن بالای جمعیت در این استان موجب شده است که این استان در مقایسه با استان های دیگر کانادا با کمبود نیروی کار بیشتری مواجه باشد. بر اساس گزارش فدراسیون کسب و کارهای مستقل در کانادا (CFIB) ۶۴٪ از کسب و کارهای کوچک در این استان با کمبود نیروی کار روبرو هستند. دولت کبک معتقد است که به طور تقریبی تنها ۲۲٪ از کمبود نیروی کار در این استان را کارگران خارجی با مجوز کار موقت تأمین می کنند. بدین دلیل درصد گزینش متقاضیان خارجی که علاقه مند به اسکان در کبک هستند از اهمیت زیادی برخوردار است. از آغاز به قدرت رسیدن دولت حاکم (حزب CAQ) با وجود این کمبودها روند گزینش مهاجرین نسبت به قبل به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. قبل از این دولت کبک یکی از محبوب ترین استان ها در میان متقاضیان برای مهاجرت محسوب می شد و این محبوبیت پس از اقدام به کنسل کردن ۱۸۰۰۰ فایل درخواست متخصصین

خارجی که در انتظار بررسی پرونده بودند، به میزان قابل توجهی کاهش یافت. دولت حاکم فعلی در کبک در شرف به قدرت رسیدن این حزب در اولین اقدامات خود سهمیه سالانه گزینش مهاجرین را به میزان قابل توجهی کاهش یافت با وجود اینکه با کمبود نیروی کار به صورت جدی روبروست.

دولت کبک دلیل روند کند کنونی گزینش متقاضیان مهاجرت به کبک را بازسازی فرمول گزینش منطبق بر نیازهای استان و تلاش بر مدرنیزه کردن سیستم مهاجرتی خود مطرح می کند. به روزرسانی مقررات و قوانین و دستورالعمل های افسران مهاجرتی موجب خواهد شد تا در آینده ای نزدیک مهاجران بسیاری به کبک وارد شوند. کندی دولت فدرال در بررسی درخواست مهاجرین به کبک موجب شده است بسیاری پس از دریافت CSQ مدت طولانی را در انتظار تکمیل پروسه بررسی فدرال سپری کنند.

برخی از برنامه های مهاجرتی کبک مورد بازبینی دقیق و برخی مواجه با گستردگی بیشتری شدند تا ورود کارگران متخصص و نیمه ماهر را سریع تر کند. یکی از اقدامات مؤثر در این زمینه قراردادی است که اخیراً دولت کبک با دولت فدرال به امضا رسانید. بر اساس این توافقنامه ماکزیمم تعداد کارگران خارجی که یک کارفرما در کبک می تواند استخدام کند از ۱۰ درصد کل پرسنل به ۲۰ درصد افزایش یافت. این در حالی است این توافقنامه با هیچ یک از استان دیگر به امضا نرسیده است. اگر دارای یکی از مشاغل اعلام شده هستید و در خارج و یا داخل کانادا حضور دارید می توانید موفق به دریافت اجازه کار بسته شوید که دریافت LMIA را ساده تر می کند. برای مشاهده لیست این مشاغل به سایت اداره مهاجرت کبک مراجعه فرمایید.

پروسه تسریع اخذ LMIA چگونه انجام می شود؟

قبلاً هر کارفرمایی که تمایل به استخدام یک کارگر خارجی داشت علاوه بر درج آگهی استخدام حداقل برای ۲۸ روز به روش های مختلف و هم چنین انجام مصاحبه با کارگران داخلی، باید به دولت کانادا می توانست ثابت کند که تلاش خود را برای استخدام از داخل انجام ولی موفق به پیدا کردن شخص مناسب برای موقعیت شغلی خالی از داخل کانادا نشده است.

برای برخی از مشاغل که در لیست مشاغل مورد نیاز کبک نیستند هنوز همین پروسه باید انجام شود ولی برای لیست مشاغل مورد نیاز استان، کارفرمایان از مسیر ساده تر و سریع تری با حذف تبلیغات و اثبات تلاش برای استخدام کارگران داخلی اقدام خواهند نمود. این لیست توسط وزارت کار کبک با همکاری وزارت مهاجرت این استان بر اساس سیستم رتبه بندی مشاغل NOC ۲۰۱۶ تنظیم شده است.

روش تسریع در صدور این گواهی می بایست مورد تأیید دولت استان و دولت فدرال قرار گیرد. کارفرمایان می بایست درخواست خود را به هر دو دولت استانی و فدرالی ارسال کنند. سالانه تعداد زیادی کارگر خارجی به کبک از همین طریق وارد و مشغول به کار می شوند. به نظر می رسد امکان استخدام و ورود کارگران خارجی حداقل برای چند سال آینده از دید قابل توجهی داشته باشد.

تماس با نویسنده: مقصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی ICP Immigration حمایت شده است.

سارا اکرمی، سازنده‌ی موزیک‌ویدئویی برای کودکان در هوایمای اوکراینی: داریوش از این اثر برای قربانیان خردسال آن فاجعه استقبال کرد



این موزیک‌ویدئو بر کودکان قربانی هوایمای اوکراینی تمرکز کردید؟ من همکاران هنرمند بسیاری دارم و خب شاید به همین دلیل به سمت ساخت این ویدئو گرایش پیدا کردم. زمانی که این پروژه شروع شد، همه دوستان و همکارانم برای این پروژه داوطلبانه کار کردند. در مورد اینکه ساخت این موزیک‌ویدئو از اول تا آخر چطور بوده باید بگویم که من این ویدئو را از تصورات خودم و در همین‌طور مواجهه با خانواده‌های قربانیان هوایمای اوکراینی برنامه‌ریزی کردم و روی کاغذ نوشتم. فیلم‌برداری و تدوین آن را نیز همکارانم انجام دادند و باتوجه‌به اینکه ویدئو درباره کودکان پرواز اوکراینی بود، با همکارانم تصمیم گرفتیم حتماً از تعدادی کودک در این کار دعوت به همکاری کنیم که برای حدود ۱۵ خانواده ایرانی درخواست فرستادم که همه آن‌ها جواب رد دادند و گفتند که با وجودی که به داریوش علاقه زیادی دارند ولی «سیاسی» نیستند. خلاصه با سختی زیاد توانستیم دو دختر خردسال را برای بازی در ویدئو انتخاب کنیم. نام دخترچه‌ای که در ابتدای این ویدئو می‌بینید مانا است که موزیک ویدئو با او آغاز می‌شود و دومین کودک هم کریستینا نام دارد که برحسب اتفاق هم‌بازی راستین مقدم بود که در هوایمای اوکراینی با مادرش خانم شکیبا فقاہتی کشته شد. چه چیزی باعث شد که در این پروژه، مخاطب هدف شما کودکان کشته‌شده پرواز اوکراینی باشد؟

با سارا اکرمی در مورد چرایی و چگونگی ساخت این ویدئو موزیک به گفت‌وگو نشستیم.

خانم سارا اکرمی عزیز کمی درباره خودتان برای مخاطبان هفته بگویید و اینکه چطور شد ویدئو موزیکی درباره قربانیان کودک هوایمای اوکراینی را ساختید؟

من در سال ۲۰۰۶ به کانادا آمدم و حدود ۱۷ سال است که در کانادا اقامت دارم. دبیرستان و دانشگاه را در کانادا گذراندم. نویسنده و مترجم هم هستم. از سال ۲۰۱۹ که با آقای اردلان سرفراز آشنا شدم، تصمیم گرفتم مجموعه‌ای از اشعار ایشان را ترجمه کنم و کتابی را به نام «آینه‌ها» منتشر کردم که مجموعه ترجمه اشعار ایشان به زبان انگلیسی است. بعد از سرنگونی هوایمای اوکراینی در ۸ ژانویه ۲۰۲۰، آقای سرفراز بعد از مشورت با آقای داریوش اقبالی به من پیشنهاد دادند یک موزیک ویدئویی را تهیه کرده و به کودکان پرواز هوایمای اوکراینی تقدیم کنیم و باتوجه‌به اینکه برای ترانه «چشم من» آقای داریوش تا به حال هیچ‌گونه موزیک ویدئویی تهیه نشده بود، تصمیم گرفتیم از این ترانه برای این ویدئو استفاده کنیم و البته موسیقی متن هم اثر آقای حسن شماعی‌زاده است.

شما مترجم هستید چطور شد به سمت تولید ویدئو رفتید و چرا در

سارا اکرمی نویسنده و مترجم ایرانی و فعال حقوق بشر ساکن تورنتو است. او در سن ۱۷ سالگی به کانادا مهاجرت کرد. در دانشگاه یورک رشته علوم سیاسی و زبان فرانسوی خواند. در دوران دانشجویی در مجلات کانادا و آمریکا به نوشتن مقالات متعدد پرداخت. از جمله آثار او، کتاب «انقلاب کهنه» با همکاری پرویز صیاد و مری آپیک و کتاب «آینه‌ها»، ترجمه مجموعه اشعار اردلان سرفراز است. او به‌تازگی ویدئو موزیکی با صدای داریوش اقبالی، خواننده، بازیگر و فعال اجتماعی ایرانی است به یاد کودکان کشته شده پرواز اوکراینی منتشر کرده که مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است. سارا اکرمی می‌گوید آقای داریوش یک خواننده سیاسی - اجتماعی است و همانند دیگران اعتقاد دارد که فاجعه هوایمای اوکراینی به طور طبیعی اتفاق نیفتاده است و همه عزیزانی که در هوایمای اوکراینی کشته شدند به‌صورت عمدی کشته شدند و این اتفاق در واقع یک جنایت بوده است. برای همین از انتشار صدایشان در این ویدئو استقبال کردند.

نویسنده: مریم ایرانی
ترجمه: گروه ترجمه هفته



روزنامه‌نگار ایرانی از رویاروی‌اش با تنهایی در روزگار کرونایی می‌گوید امروز دیگر می‌توانم راه مبارزه با تنهایی را بیابم

برای سالیان سال، ترس از انزوا نیرومندترین عامل استرس‌زا در زندگی‌ام بوده است.

به گزارش هفته، مریم عظیم‌زاده ایرانی، در ادامه در «سی‌بی‌سی» نوشته است، زاده‌ی دهه‌ی ۱۹۸۰ در ایرانم. در آن زمان کشورم با عراق در جنگ بود. بخشی از نخستین خاطراتم به پناهگاه‌های زیرزمینی در تهران برمی‌گردد که به همراه خانواده، برای در امان ماندن از بمباران، به آن تونل‌های تاریک پناه می‌بردیم.

در طول روز با مادر بزرگم در پناهگاه می‌ماندم، در حالی که پدر و مادرم سر کار می‌رفتند. درباره‌ی کودکانی می‌شنیدم که در جنگ خانواده‌شان را از دست داده‌اند. در پارسی، زبان مادری‌ام، مثلی هست که می‌گوید: «از هر چه بترسی، سرت می‌آید.»

تجربه‌هایی که در سال ۲۰۱۷ مرا به کانادا کشاند، به من فهماند که این مثل درست است.

بر آن بودم که برای فرصت‌ها، شغل‌ها و ماجراجویی‌های تازه از ایران بروم، اما علت اصلی رفتنم مستقل شدن در این جهان بود. در زادگاهم آزادی‌هایی داشتم، ولی گزینش‌هایم در جامعه‌ی مردسالار محدود بود.

مرا به عنوان پژوهشگری خوب می‌شناختند که سخت کار می‌کند و یاری‌هایش ارزشمند است. به رغم این، مسئول دانشگاه مردان را بر زنان مستقل و مصمم ترجیح می‌داد. مردی که می‌خواستم با او ازدواج کنم، می‌خواست که مهاجرت را فراموش کنم و از آرزوهایم دست بکشم و به او وابسته بمانم.

کوشیدم که این محدودیت‌ها را با تمرکز بر تأثیرگذاری در جامعه، بدون تعصبات جنسیتی، حل‌وفصل کنم. کوشیدم در کنار حرفه‌ی دانشگاهی‌ام روزنامه‌نگار آزاد شوم تا صدای دیگران باشم.

ولی روزنامه‌نگاری در ایران، به رغم رسانه‌هایی با نام‌هایی بزرگ، چندان افتخاری نداشت. آزادی بیان محدود و به عنوان روزنامه‌نگار زن دچار تبعیض و آزار شدن امری عادی است. پس زادگاهم را بدرود گفتم تا آن چه را که در پی‌اش بودم بیابم.

می‌خواستم مستقل باشم، ولی ترس از تنهایی با من بود. در مسیر مونترال، حس کردم مانند کرم ابریشم‌ام که بهای تبدیل شدنش به پروانه فرار از پپله‌ی تنگ و تاریکش است.

امیدوار بودم که بر بدترین ترس‌هایم چیره شوم،

زمانی که این جنایت اتفاق افتاد من چند کار داوطلبانه با تعدادی از خانواده‌های کشته‌شدگان پرواز اوکراینی انجام می‌دادم چون کار من ترجمه هست اگر این دوستان کارهایی چون ترجمه مدارک و جلساتی را با نمایندگان پارلمان داشتند و قصد داشتند سخنانشان به زبان انگلیسی ترجمه شود، من در کنارشان حضور داشتم و همراهشان بودم. برای همین از آنجا با درد و رنج تعدادی از خانواده‌هایی که کودکانشان را از دست داده بودند، از نزدیک آشنا شدم و وقتی هم این پروژه توسط آقای اردلان سرفراز و داریوش اقبالی به من پیشنهاد داده شد، موضوع تولید این ویدئو موزیک را با خانواده‌های قربانیانی که در ارتباط بودم مطرح کردم و آن‌ها هم استقبال کردند.

باز خورد خانواده‌های قربانیان هواپیمای اوکراینی نسبت به این ویدئو چگونه بود؟

خانواده‌های پرواز اوکراینی خیلی از این ویدئو استقبال کردند نمی‌توان گفت خوشحال شدند اما به دلیل اینکه تصاویر عزیزانشان در ویدئو بود، استقبال بسیار خوبی داشتند. تمام زیبایی‌های این ویدئو با وجود تصاویر چند تن از کودکان قربانی هواپیمای اوکراینی چون السا جدیدی، مایا زیبایی، ری‌اسماعیلیون، راستین مقدم و آراد زارعی است و خانواده‌های آن‌ها لطف کردند و اجازه استفاده از تصاویر عزیزان خود را دادند، چرا که آن‌ها به این موضوع معتقد بودند که یک اثر هنری می‌تواند خاطره عزیزان از دست رفته‌شان را جاودانه و مانا نگه دارد.

و سخن آخر...

در پایان دوست دارم به این موضوع اشاره کنم که هنرمندان ایرانی در تبعید از جمله آقای سرفراز و داریوش همیشه دغدغه‌شان در طول ۴۳ سال گذشته ایران بوده و همیشه نقش بزرگی را در انعکاس صدای مردم ایران و همچنین سختی‌هایی که همیشه مردم ایران با آن‌ها مواجه بودند، داشتند. به دلیل همین من فکر می‌کنم این‌گونه آثار زمانی که ارائه می‌شود، باعث تسلی خاطر کسانی است که قربانی یک جنایتی هستند. به عقیده من هنر همیشه زبانی است که می‌تواند سختی‌ها و زیبایی‌های دنیا را به درستی ارائه کند و به خصوص در رابطه با مسئله هواپیمای اوکراینی باید کارهای بیشتری از طرف هنرمندان از جمله خواننده‌ها، آهنگ‌سازان، نقاشان یا مستندسازان و... انجام بگیرد. چرا که به اندازه کافی هنوز در این زمینه کاری ارائه نشده است و من امیدوارم هنرمندان بیشتری و به خصوص کسانی که دغدغه ایران و ایرانی را دارند پا پیش بگذارند و آثار بیشتری را در این زمینه ارائه دهند.

ترس‌هایی که همان‌گونه که آن مثل پارسی پیش‌بینی کرده بود، تکرار می‌شدند.

در یک سال پس از مهاجرت به کانادا، شریک زندگی‌ام ترکم کرد، از کار دانشگاهی‌ام در ایران تعلیق شدم و مادرم را به علت سرطان از دست دادم.

با چالش‌های رایج مهاجران رویارو شدم: موانع زبانی، شوک فرهنگی و ... تا بهار ۲۰۲۰ برای فراگیری زبان‌های فرانسه و انگلیسی کوشیدم، دوستانی خوب پیدا کردم و با حضور در فعالیت‌های جامعه‌ی ایرانی - کانادایی از انزوا به در آمدم.

کرونا که کانادا را درنوردید، ترس‌هایم دوباره به سراغم آمدند. انزوا و زیستن بی دوستان به کابوس می‌ماند.

در این گیرودار فهمیدم که با پناه بردن به روابط اجتماعی و کاری از ترس‌هایم گریخته‌ام.

دو ماه پیش از قرنطینه‌ی زمستانی ۲۰۲۰، در دانشگاه کنکور دیا برای روزنامه‌نگاری درخواست دادم، پذیرفته شدم ولی به علت نگرانی از مهارت‌های زبانی ثبت‌نام نکردم. اما بالاخره یک روز دریافتم که دیگر زمانش رسیده که به آرزوهایم در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری جامعه‌ی عمل پوشانم.

همه چیز دیگرگون شد. پادکست‌های خبری، گزارش‌های تلویزیونی و مقاله برای کلاس تولید کردم و نوشتنم. با بسیاری از روزنامه‌نگاران شگفت‌انگیز دیدار کردم. ما گزارش‌هایی کوتاه و مستند درباره افرادی نوشتیم که سعی می‌کنند با ترس‌هایشان روبرو شوند. اولین مقاله جدی انگلیسی خود را در مورد آنچه که مرا در روزنامه‌نگاری در ایران آزار می‌دهد چاپ کردم و سخن‌گفتم از محدودیت‌هایی که برای روزنامه‌نگاران زن ایجاد می‌شود.

تمرین روزنامه‌نگاری در کانادا نامیدی‌ها، امیدها و چالش‌های بسیاری دیگر را به من نشان داد که به من کمک کرد تا درباره شخصیت خود بیشتر بدانم. همانطور که شاعر بزرگ پارسی گوین، مولانا، می‌گوید: «حساس تنهایی مکن، هستی، همه اندر توست.»

امروز می‌دانم هر جا باشم، می‌توانم راهی برای مبارزه با تنهایی بیابم.

منبع: سی‌بی‌سی نیوز

نتیجه بررسی بیماری‌های قلبی بر مبنای قومیت مهاجرها: چینی‌های مهاجر در کانادا از ایرانی‌ها و افغان‌ها سالم‌تر هستند

بیماری‌های قلبی و عروقی در میان مهاجرهایی که انگلیسی صحبت نمی‌کنند یا انگلیسی را به‌عنوان زبان دوم صحبت می‌کنند؛ به دلیل عدم آموزش کافی بهداشت و دسترسی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی هم بیشتر دیده می‌شود.

مسائل مربوط به سلامت روان در میان جنوب آسیایی‌ها به دلیل نگاه بدی که در مراجعه به روانپزشک دارند و مانع از کمک گرفتن می‌شود؛ بیماری‌های بیشتری را در میان آن‌ها زمینه‌سازی می‌کند.

تغییرات شدیدی که در سبک زندگی مهاجران با ورود به کشورهای توسعه‌یافته مانند ایالات متحده و کانادا، پیش می‌آید و ریتم زندگی و عادات غذایی را تغییر می‌دهد؛ در کنار تغییرات شرایط زندگی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی و دسترسی به خدمات مراقبت‌های بهداشتی هم مزید بر مشکلات جدید سلامت (جسم و روان) در آن‌ها می‌شود.

مهاجران چینی به دلیل BMI (شاخص توده بدنی) پایین‌تر، در بین مهاجران از سلامت بیشتری برخوردار هستند.

مهاجران عراقی و افغانستانی نسبت به کسانی که در کشورهای همسایه یعنی لبنان، ایران و مصر متولد شده بودند، نرخ حوادث قلبی/عروقی بالاتری دارند. همچنین در بین آن‌ها چهار عامل خطر اصلی، سیگار کشیدن، دیابت نوع دوم، فشارخون بالا و چربی بالا بیشتر است.

ساکنان جنوب آسیا بیشترین خطر حوادث قلبی/عروقی را در میان مهاجران کانادایی دارند و مردان سریلانکایی و زنان بنگلادشی در بالای این گروه هستند.

مردم آسیای شرقی کم‌ترین خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی را دارند، به‌ویژه افرادی که در تایوان متولد شده و بعداً به کانادا مهاجرت کرده‌اند.

منبع: سایت cureus.com

طبق پیش‌بینی‌های جمعیتی از سوی اداره آمار کانادا، نسبت کانادایی‌هایی که متولد کشورهای دیگری هستند؛ تا سال ۲۰۳۶ به ۲۴.۵٪ تا ۳۰.۰٪ می‌رسد.

مهاجران جنوب آسیا (افغانستان، هند، پاکستان، بنگلادش، مالدیو، سریلانکا، بوتان و نپال) که ۲۹.۶ درصد از اقلیت‌های مهاجر کانادا را شامل می‌شوند؛ به دلیل عواملی مانند وضعیت اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات و رفتارهای مراقبت‌های بهداشتی و نگرش‌های موجود بینشان، به طور قابل توجهی در معرض بیماری قلبی/عروقی هستند. این مهاجران عموماً از کشورهای با درآمد پایین و متوسط به کانادا آمده‌اند که به‌طور کلی بیشترین میزان مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های قلبی عروقی را در کشور مبدأ دارند.

دیگر یافته‌های این مقاله به‌اختصار شامل این اطلاعات است:

بروز حوادث قلبی/عروقی در بین مهاجران تازه، ۳۰ درصد کمتر از مهاجران قدیمی بوده است.

مهاجران مرد نسبت به زنان مهاجر مشکلات قلبی عروقی بیشتری داشته‌اند.

مهاجران آسیای جنوبی در مقایسه با سفیدپوستان، در معرض سکنه‌های قلبی بیشتر بوده‌اند.

در میان ساکنان جنوب آسیا که در کانادا زندگی می‌کنند، فشارخون، دیابت نوع دوم و مقاومت به انسولین شیوع بیشتری دارد. رژیم غذایی پر کربوهیدرات، کم میوه و سبزی و مصرف زیاد نمک منجر به افزایش سطح چربی و در نتیجه افزایش دور شکم آن‌ها می‌شود.

یک پدیده مهم در میان آسیایی‌ها این باور اشتباه است که بدن بزرگ‌تر به طور مستقیم به سلامت بهتر، کودکان قوی‌تر و تغذیه بهتر ربط داده می‌شوند. علاوه بر این، آن‌ها به طور منظم در فعالیت بدنی شرکت نمی‌کنند و در برابر هرگونه تغییر در سبک زندگی و رژیم غذایی مقاومت نشان می‌دهند.

در میان کشورهای خاورمیانه؛ مردان مهاجر ایرانی از نظر بیماری‌های قلبی و عروقی سالم‌تر از مهاجران عراق، افغانستان، مصر و لبنان هستند. اما زنان مهاجر ایرانی بعد از زنان لبنانی، بالاترین ریسک بیماری‌های قلبی و عروقی را دارند.

به گزارش هفته و به نقل از سایت کورئوس (یک مجله پزشکی آمریکایی) که در مقاله‌ای به بررسی بیماری‌های قلبی و عروقی در میان گروه‌های مهاجر به کانادا پرداخته؛ مردان ایرانی در مقایسه با زنان ایرانی در خطر کمتری از نظر بیماری‌های قلبی و عروقی هستند.

در جدولی که تهیه شده بروز حوادث قلبی عروقی در بین مردان خاورمیانه و غرب آسیا بر اساس کشور محل تولد به ترتیب سلامت عبارتند از: ایران، لبنان، مصر، افغانستان و در آخر عراق. اما این ترتیب در بین زنان خاورمیانه و غرب آسیا به‌این ترتیب آمده است: لبنان، ایران، مصر، عراق، افغانستان.

بیماری قلبی/عروقی علت اصلی مرگ‌ومیر در سراسر جهان است. در این میان، افزایش جهانی مهاجرت به کشورهای با درآمد بالا، به‌ویژه کانادا، اهمیت مطالعات ارزیابی عوامل خطر و تفاوت در میزان بروز این دسته بیماری‌ها را مهم‌تر کرده است. کانادا محل زندگی گروه‌های متنوعی از مهاجران است که هر کدام بر مبنای قومیت و کشور محل تولدشان با مشکلات خاصی از نظر سلامت، روبرو هستند. همچنین عادات غذایی، فعالیت بدنی، سیگار کشیدن، سنت‌های فرهنگی و... هم بر خطر بروز بیماری‌های قلبی و عروقی آن‌ها اضافه می‌کند. بررسی‌های مجله پزشکی آمریکایی کورئوس، نشان می‌دهد میزان بیماری قلبی عروقی در میان مهاجران و پناهندگان ساکن در کشورهای توسعه‌یافته نگران‌کننده است. این موضوع در کانادا که بالاترین نرخ‌های مهاجرت سرانه در بین کشورهای پردرآمد را با نزدیک به ۷.۵ میلیون نفر مهاجر دارد؛ جدی‌تر است. مهاجران تقریباً یک‌پنجم (۲۱.۹٪) کل جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند و



فربا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویان، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRRP, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

438-345-5066

<http://www.sunlife.ca/beribaalozadeh>

beribaalozadeh@sunlife.com



استودیو عکاسی روز

STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات عکاسی حرفه ای

PASSPORT
PORTRAIT
NEWBORN
BUSINESS





ما را در اینستاگرام و فیسبوک دنبال کنید:

studiophotorose

(514) 488 7121

5301 Queen Mary
(Corner of Décarie),
H3X1T9, Montréal, QC.



هایک هارتونیان

RE/MAX Hayk Hartounian MBA

Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در استان کبک



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره

پروسه رایگان برای خریداران

(514) 574 6162

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5



روشک \$9.99/kg

تخمه \$9.99/kg

گردو \$9.99/kg

آلو \$9.99/kg

پسته \$12.99/kg

اجیل مخلوط \$12.99/kg

بادام \$12.99/kg

بادام هندی \$12.99/kg

نارنج ۵ کیلوگرم \$25

خرما ۶۰۰ گرمی \$1.99

انواع سس، بستنی، کیک، فرنی و... \$0.99

A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی

تلفن: 514-691-0002

اینستاگرام: @aplusqualitynuts

شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰ و چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6

دلاری پارکینگ

VISA

سینما

ہند

فرہنگ

ادبیات



انجمنی برای نادیا

روز جهانی زن: هدیه‌ی زنان شعر پارسی به نادیا انجمن

نادیا انجمن، متولد ۱۳۵۹ خورشیدی، شاعر و دانشجوی سال آخر دانشکدهٔ زبان و ادبیات دری دانشگاه هرات افغانستان بود. او در پانزدهم آذرماه ۱۳۸۴ در سن بیست و پنج سالگی از شدت جراحات وارده و ضرب و شتمی که همسر بر او روا داشته بود، درگذشت. «گل دودی» عنوان اولین مجموعه شعری است که از او در سال ۱۳۸۴ در هرات منتشر شد. دومین مجموعه‌ی او نیز با عنوان «یک سبد دلهره» در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. این هفته به رای تمامی عزیزانی که در یاد و گرمای داشت نادیا به این مجال آمده‌اند به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، ویژه‌نامه‌ی شعر زن در این شماره را به او اهدا می‌کنیم. باشد که چراغ‌های راه شعر و شعور بتواند تر و نورافشان، از نهاد زبان و ادبیات‌مان به بام‌های تمامی بانوانِ دیارِ فارسی برآید.

درست آمدی لحظه‌ای که افتاده بود قاصدک
از باد... آمدی
دو کاغذ از آن سمت
سفیدش را مثلاً به من
سیاهی‌اش به خواهرم دادی
گفتی بنویس
عجیب بود
تو گفتی بنویس
لابد می‌خواستی بگویی کار دیگری برای این
سرزمین بر نمی‌آید از شما
شاید باید می‌گفتم
جز خون
دل به دهلیزه‌هایش چه داد راه؟
دیگر چیزی برای «برای» نداشتم
این کفتر
این کفتر چاهی دیدم رفته رو به سیاهی
خواهرانم تا کتف خسته‌اند
دیدم که صبر را با مشت بسته‌اند
هوا پر از علامت‌های کوچک صاف‌شده بود
افقی شکسته پیوسته
در تکاملی گسسته سیر می‌کردم
رو به قاصدک‌هایی که بازوهایشان یک‌درمیان
بودونبود

به دختران سریال

من از «جسی» سگ بی جفت که قاعدگی‌اش

مَخر، مَدَر، حریر وهمی مرا که خوش‌ترم
به شب که شعر می‌زند شرر به لحظه‌های من



نادیا انجمن

نادیا انجمن

شب است و شعر می‌زند، شرر به لحظه‌های من
ز شوق شانه می‌کشد، به رشته صدای من
چه آتشی است و اعجب که آب می‌دهد مرا
و عطر روح می‌دمد، به پیکر هوای من
ندانم از کدام کوه، کدام کوه آرزو
نسیم تازه می‌وزد، به فصل انتهای من
ز ابر نور می‌رسد، چنان زلال روشنی
که نیست حاجتی دگر، به اشک‌های من
جرقه‌های آه من، ستاره ریز می‌شود
به عرش لانه می‌کند، کیوتر دعای من
سرشک بی‌خودانه‌ام، به خط‌خط کتاب او
نگاه کن چه بی‌بهانه می‌چکد خدای من
ز حرف حرف دفتری، ز واژه واژه محشری
قیامتی رسیده از سکوت دیرپای من

قاصدک

برای نادیا انجمن؛ دخت افغان
و دیگر نادیا‌های آشکار و نهان

رویا تفتی، متولد سال ۱۳۴۵ شهرستان تفت یزد، فارغ‌التحصیل الکترونیک است. او برگزیدهٔ جایزهٔ شعر «پروین اعتصامی» و سومین دورهٔ جایزهٔ شعر «نیما»، عضو هیئت‌داوران اولین، دومین و چهارمین دورهٔ جشنوارهٔ شعر زنان ایران «خورشید» و عضو هیئت‌داوران دومین دورهٔ جایزهٔ شعر «نیما» است. مجموعهٔ اشعار او عبارت‌اند از: «سایه لای پوست»، «رگ‌هایم از روی بلوز» می‌گذرند» و «سفر به انتهای پر».

را می‌خورد و می‌رفت که هار شود ترم
 اقل کم به تماشای قصه‌ها بروم
 اقل کم یک روز فاصله را میان قابلمه‌های سیاه
 بگذارم و سرم
 زمانه‌ی بی‌حسی بود
 زن‌های دودگرفته که صورتک‌هایشان جز
 اشک نمی‌دید خواهرم بودند
 مثال باد به هر چه که می‌آمدند بختند ریسه
 می‌رفتند
 مثال باد

پانوش: از مجموعه «رگ‌هایم از روی بلوزم می‌گذرند»



آرزو رضایی مجاز، کارشناس روانشناس بالینی و روزنامه‌نگار است و از وی مجموعه شعر «گرگم‌به‌هوای خودم» تاکنون منتشر شده است.

کاغذ را بگذارم روی سکه‌ی ۵ تومانی
 پهنه‌ی مداد را بکشم حلقه‌حلقه بیرون بزند
 گлот، یواش
 سکه را بیندازم توی شکاف
 بوووو، پرنده‌ی آزاد بکشد تا مشترک موردنظر
 نوک رنگ‌ها را تیز ناخن کنم
 خنج بکشند به نامرئی
 نقاشی درمانی کردم
 تمرین مدارا هم
 حلقه‌ها را بیندازم در انگشت باد
 در بادی، امر اما با کلمه بود هست
 باز بادی با بازوش پنجره را باز
 قیژ قیژ میز را بیدار می‌کند
 موریانه‌ها با دندان‌های اره
 خرت خرتشان بلند می‌شود
 ارواح درخت‌ها از هول حلیم سر برمی‌کنند
 دارکوب‌ها با چشم‌های حلقه‌گشا
 پرنده‌های سیاه نشست می‌کنند
 از سقف
 نیم‌کاسه باید بگذارم زیر درزودورزها
 اضطراب با صدای مایع «چه چکه‌ای می‌کند!»
 می‌شود.
 کلاغ‌های خبردان با چشم‌های گرد طناب
 به زیر نیم‌کاسه قارقار:
 این صفحه در چوب‌باران ابابیل‌های الف
 این صفحه در اضطراب ابراهیمی درخت‌ها
 این مدرسه‌ی دبستانش باز خواهد ماند انگار
 یارا!

آگاهی

زن‌های در باد را ندارم
 زن‌های در باد
 که شلاقشان آشفته
 و موها
 ناخودآگاه جلادها؛
 شلاق‌های بر تنی که رفته است
 -موهای بر باد-
 جلادهای برعکس زیبایی هستند.
 مو پریش‌هایی که از درون حد می‌خورند
 موی ناخودآگاهشان پریشان است
 بادها
 -جلادهایی که از درون می‌وزند- را ندارم.
 توفان‌هایی که می‌زنند می‌دانند:
 دورچین شانه‌ها مو ریخته

هول حلیم

شرح شرحه‌ها نقاشی «بدون شرح» بنویسم
 زیر سمت چپش
 با سیاه‌قلم
 خون‌شده‌ی لب را مخفی
 حرکت جوهری کنم
 با طرح دوداندود
 کبودی گردنت رندی
 بوی گل‌گاوزبان نشانه را آرام
 با HB، نرم بگذرم از خاطره‌ی عینکت بر بینی
 ت
 (عینک تنهات در حاشیه‌ی شهر
 که کتاب‌ها را داشت از بر می‌خواند)
 خط به خط طوری بگیرم مداد «که مشترک
 موردنظر در دسترس نمی‌باشد» وصل شود

شرابی‌ای بر داربست
 و دست‌وپا
 نهال‌های کناره‌اند بر نهر شیر.
 توفان‌ها
 کمندبندهای توند
 و بهشت
 در دشداشه‌ها گم می‌شود.
 تندرو بادهایی که می‌زنند، می‌دانند
 توفان‌های استمراری بر حالت‌های سرم
 جلادهای آگاهی هستند.
 زن‌های در باد
 عکس‌های ریخته‌اند
 زن‌های در باد
 قاب‌های شکسته‌ای دارند
 توفان‌هایی که می‌زنند
 جلادان آگاهی هستند.



فریبا حیدری متولد ۱۳۵۹، هرات افغانستان. فارغ‌التحصیل رشته پرستاری، سه مجموعه شعر بانام‌های «بهتر از هیچ» به صورت مشترک، «آوازهای بی‌بنفش بی‌قانون» و «شهرزاده‌های بی‌گیسو منتشر کرده» و هم‌اکنون ساکن سوئد است.

یک

جنگ، جنینی است که رشد می‌کند
 در رحم زخمی زمین
 با خونی که از خانه‌های ما
 به بند نافش کشانده می‌شود
 به دنیا می‌آید
 در جیغ هزاران جغرافیای کوچک و بزرگ
 و بزرگ می‌شود بین من و تو
 آن قدر که نمی‌بینیم سال‌هاست
 اسلحه‌هایمان را
 رو بروی هم گرفته‌ایم.

در این که یکی تان از خشم زندانبان / آن یکی را
کشت هم برابرید
با خود و بی خود چه می‌کنید؟
رمز و راز آن پایین به یگانگی مان ارتباطی
نداشت، نه
اسباب سنجشی مگر برای همسویی در انوار فزاینده

سفینه‌ای از جنس هنوز

بارادهای قوی منزوی...
همپایانیِ اخروی...
از آن غصروف‌ها ببار که فصل‌ها گوشواره،
دماغواره، هرآواره می‌کارند تویشان...
تا فصل‌ها فصل کدر بکارند و طی شود...
تاوانِ تاریخی...
به خط میخی...
نستعلیق...

بدخطی من و پتوی پرزهای ناشیِ عشق...
بر حلقوم‌های چند جنسیتیم ببار ای تفاوتِ
فره فنون!

پنجره‌ها را بر کول که چال کرده‌ای که
این‌همه تاریخ راه می‌روند؟
پنجره‌ها... این مبارزانِ کت‌بسته
که تحلیل لالشان زبان نور را بسته...

و ما تسلیمیم...
در انگشت‌هایی که می‌بارد و می‌زاید و می‌زند
تو مقیمیم...

اقامت در چندش چه میزان سود دارد به
حالمان
تا کشته نشویم در شگونمان؟!
اقامت در کسالتِ جنبش چند کیلو لبخند
دارد


تا پیمان بریده نشود در آرامشِ استبداد؟!
از آن متکاها ببار ای فرار!
ما هنوز در راهیم!

سقف‌ها را منبسط کن تا ابدالآباد!
ما هنوز زیرمجموعه‌ی هم و چمیم!
آخ اگر می‌شد لحظه‌ای کلاغ می‌شدم
که می‌پرسیدم از خودم کدام رنگ‌ها واقعی هستند؟
کدام صداها مال انسان‌اند؟

کدام‌شان مال مار و سنجاب و سنجاقک؟!
دیروز به خیابان‌ها مهاجرت کردم
کلی میوه و سینه‌ی مرغ مرا خرید
وزن‌ها مرا به خندِ خانه می‌بردند
دستهام از دوشِ گریه افتاده بودند تا نزدیک
زانوهایم...

می‌آری
مجنون، مرد غمگینی است
در کوچه قدم می‌زند
برای نسخه‌ای که کسی نمی‌پسندد، از چند
خیابان گذشته است
قرضش به‌جا
من کاغذم را به این صندوق امانت‌داده‌ام
آتش را روشن می‌کنی
زمستان را از کیف کوچکم نمی‌توانی برداری
تذکره‌ام* جعلی نیست
نامم را به بادی که نامی نداشت داده‌اند
تخلصم از صد قبیله می‌گذرد
چرا دخترم را به یاد نمی‌آوری؟
کیفش را که هم‌زمان در چند نقطه شهر دود
می‌شود
کاغذهایم، ناخن‌های گربه‌ای را گرم می‌کند
گرگی به دنیا می‌آورد
روی این جَوکی* رأی ات را به کدام جهنم
سبز می‌کنی؟
پانویشت: زنجیرک: زیپ، تذکره: شناسنامه،
جوکی: صدلی



 مریم هوله متولد ۱۳۵۶ تهران، برنده‌ی بورسیه‌ی ادبی پن (Pen) انجمن قلم سوئد در سال ۲۰۰۳. شاعر مجموعه‌های «بادبادک هرگز از دست‌های من پرواز نخواهد کرد»، «در کوچه‌های آتن»، «باجه نفرین»، «شیشه گورانی کانی باران»، «کمپانی دوزخ»، «جذام معاصر»، «خواب چسبناک پروانه در تبعید» و «تبیانی در این راز».

فمننیمس

چرا می‌گویی فقط از دخترانِ زنده‌به‌گور؟
دخترانِ زنده‌به‌گور!
تکلیف این‌همه پسر زنده‌به‌گور پس چه
می‌شود؟

کیفم را می‌گذارم
دوست را برمی‌دارم
سالی است سفید و سیاه
کفش‌هایم را دخترکی آورده بود
اگر تمام راه پیشانی‌ات عقب برود،
دست‌هایت دراز،
سینه‌ات را این باد بشکافد،
من کجای دشت از زیبایی تو نشئه می‌شوم؟
ابر، کلاه کودکانه است
این باران، رشوه دردی است که به ریشه‌هایم
داده‌ای
گل می‌کنم، اما زیر سایه این بید، کدام مجنون
می‌تواند لیلایش را به یاد بیاورد؟
تنها نمانده‌ام که بویت کنم
تنها نمی‌رقصم که خودشیفتگیِ حوایی دیگر
را به یادت بیاورم
بند این کیف از شانه‌ات می‌لغزد
بیخود نیست که ماهی همیشه از خواب‌هایم
می‌پرد

بیرون دروازه، کالسکه‌ای است
مرا هر شام به مسلخ می‌برد
صبح می‌توانم از شیری پس بیایم
دخترکی هرروز
به گاوهای زرد و لاغری که می‌شناسی
علوفه تازه می‌ریزد
دستت را سبک‌تر بگیر
چیزی درونش نیست
چرمش را در چندسالگی مادرم عوض کردم
زنجیرک‌هایم* دندان‌های مردی است که
بیرون مانده است
کاغذی را به یاد می‌آورم
گفتم بخوانی بهتر است
شاید باشد
نمی‌دانم

هوای این دقیقه بی‌چون‌وچرا بارم را
سنگین‌تر می‌کند
راهم را بر شانه کوهی گذاشته‌ای
غلط نکنم، این کوله، سنگی از کودکی‌هایم
برداشته است
چرا جنایت می‌کنی؟
روی ریلی که ساخته‌ای
که قطار پرنده جابجا می‌کند از این سمت
خوابم
تا آن طرف کلمه‌ای که دیوانه‌وار بر زبان



شوکا حسینینی، دانش‌آموخته‌ی ادبیات فارسی، زبان‌شناسی و روانشناسی بالینی است. اولین مجموعه شعر او «زمین‌کراهی سیاسی بود» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

کمی مخدوش

ای زیباییان
برم گردانید به جرات چشم‌هایم
به شبیه جایی مثل یک آغوش و پراکندگی در
اجسام و کمی هم توالی
به شادمانی لحظات نه‌چندان دور و سایه‌ی
یک پری روی دیوار
سرنوشت ناگزیر بودید
ای زیباییان
خطوط گونه‌ام رفت لای چند چین و معشوق
بی‌اندام در حافظه
می‌زند نهیب خط مماس با روان:
زندگی، زندگی بود
بازم کنید در ابتدای چیز تازه‌ایی
در لذت زن بودن
در پستوی نهان در همان شعر معروف
ای زیباییان
مرگ یک زیبا
مرگ یک زیبا نبود
مرگ یک زیبا
مرگ یک زیبا بود



میترا سرانی اصل متولد ۱۳۴۰ است و مجموعه شعرهای «اصلاً بیایید باهم بمیریم»، «می‌خواهم گیس‌های دنیا را ببافم» و نقدهایی در باب شعر و داستان از او منتشر شده است.

یک

حرف‌هایم روی صندلی سنگینی می‌کند
آقا اجازه بدهید صندلی‌هایمان را عوض کنیم
شما که از دستمال‌گردن خود آویزان مانده‌اید
انگار شکل مطلق این شراب
در گلویتان جامانده است
تا عقربه‌های ساعت
به دکمه‌هایم گیر می‌دهد
گلوبیم پر از جهان‌سومی است
که اتاق‌خوابم را از بر می‌داند
اکنون با جمع زنانه‌ام
انگشت‌هایم کفایت نمی‌کنند
تا زنانگی‌ام را جمع کنم
و تکیه‌گاهی برای صندلی مهیا گردد

دو

آه خاورمیانه
دیشب که در آغوشم گرفتی
لبانت پسته‌ای بسته بود
و لباسم را به دیده می‌کشیدی
طنابی که زندگی را
در قفس تو معنا می‌کند
مدام
تم را لمس می‌کند.

اما هوا بود...
همیشه باوفا در هر جا...
هوا را برای لحظه‌ای بیا...
من به صحبت‌هایی که تنفسم می‌کند خوب
گوش می‌دهم
صادقانه‌ترین حرف‌ها را نفس می‌زند
وقتی حتی رویت به آینه نیست
آینه‌ی غریبه‌ی غم باد...
یا طمأنینه‌ی خوشحالتش در باد...
حالا بار کمی از آن خدات
که آبی نگاهت داشته حتی با عبور مورمور
شب...
کمی بار از آن متکاهات که موهام... دانه‌های
موم...

هر تکه از مغزم را برده‌اند
به حمام... دیسکو...
خیابانِ خرناسِ خبثِ برابری...
که موهام دارند مرا می‌ریزند در جغرافیای
مجنون
که آدرس هیچ جایی از این تبعید را نمی‌دانم
تا جمع‌آوری کنم گیسوانم را
و بگویم زن هستم
زنی که زیبا آمده بود با زبانی مزمن به طعم
شیرینی و ترشیِ بروز...
حالا به زبانِ داروهای یا ئسه می‌خواهید از
خودم فارغم کنید؟!
اما من حرفی نمی‌زنم
من خدایی در شکم دارم
که اگر غذای زبانم را پیدا کنم
جنینش را در خلال دهانم بزرگ می‌کنم
خدایم جهان را نوادگان مبرهن من خواهد
کرد
خدایی که در شکم دارم
آرزویی که عصایش را به زمین انداخته
دیگر نیایش نیست
به راه افتاده و خود خدایی‌ست
که دیگر حرف‌های مرا بی‌سمعک رسالت و
میکروفونِ قدس می‌شنود...

سلام
هنوز دوستت دارم
هنوز را دست کم نگیر!
قلبم هنوز دارد می‌زند
قلب‌هایی که در من زنده‌اند جامع بی‌جامه‌ی
من‌اند
در مهِ محبوبِ اعتیاد به اعتمادِ زبان‌هامان...

وقتی دهانش شکل آن کلمه‌ی محزون بود.
در خونت آفریدم
با اندامی مهربان
و اندام تو
باعجله
خودش را به جوانی رسانده است.
جوانیات را ببر از اندامت
به خون‌هایی فکر کن که جوان بودند ...

دو

تو می‌روی و هر تکه از رفتنت به سمتی می‌رود
از همه طرف صدای تو می‌آید اما
صدای خون تو
که در خاک است و می‌گرید
می‌گرید و نمی‌جوشد.
و دیدم شهر
روی زانوانش افتاده
گیج
به خون تو خیره!
و البته مرگ
مرده‌هایش را زمین نمی‌گذارد
از اندام تو که برگردد
برای خود مرد کاملی شده.
تو می‌توانستی خطر کنی
آماده‌ی پریدن باشی از مردن
اصلن نچرخ با چرخ ماشین
پیاده شوی در من.

با دست‌های تازه
خودت را بردار
بلند شو
زمان را
در ساعت افتاده از دستت
برگردان
به کنار خودت روی صندلی عقب
و بخند
به دسته‌گلی که مقابلت ایستاده با روبان سیاه!



📖 نگین فرهود، متولد ۱۳۶۰ خوزستان،
دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی و مدیر کانال
بیداد موربانه‌ها (شعر زنان ایران) است. اشعار کلاسیک
وی در مجموعه شعر «غزل معاصر خوزستان» چاپ شده
و دیگر آثار وی در فضای مجازی موجود است.

یک

خون در کاسه‌ی سرم بریز و بنوش
راه بیفتم زیر پوست
رگ باشم نزدیک‌تر
تن خالی‌ام پر نمی‌شود از من. بنوش
در خون بالغ شدم. بنوش!
پستان‌هایم پرشیر
و این خون
چه زبان سرخی دارد بنوش
چه گفته‌ام مگر
که درد می‌کند
جای حرف در گلو
صدای عجیبی گیرکرده زیر تیغ
سطر به سطر
که دفترهای چهل برگ
تنها چهل روز زنده‌اند
بعد آن صدای عجیب را
خفه می‌کنند و می‌میرند
زنده‌باد خون
زنده‌باد آن بلوغ نه‌ساله
که تحریکم می‌کرد به شرح پاها
به دست بردن در خود

خیره چشم

خیابان، ناله‌ی وحوش چشم‌های توست بر تن
ما
فرقی نمی‌کند
مانکنی باشی پشت ویتترین
برای سنگ پراندن به کسالت دیشب
یا زنی با کالسکه از روبه‌رو
فرقی نمی‌کند
موشی شوی در کانال‌ها یا سگ دو زنی
یا درختی پر از سوءتفاهم
فرقی نمی‌کند
زل بزنی به تیترو روزنامه
مرگ جمعی ذهنت، مملو شود از بوسه و
خواب‌های مجازی مجاز
یا لباس بازیگر روز را، بر اندام خود تسلی
بدهی
فرقی نمی‌کند
با صلح و جنگ بدون تولستوی
روی زمین، به دنبال جایی در زیر آنیم
دنبال استعاره‌های بنفش روی میزهای ملتهب
مشکوک به روایت
به دوگانگی خداوندان در متون نه‌چندان
مقدس و
من جسدی رایت فی الاشیا
ما مردگانیم، از پرسش آخر:
تعالد زمین در کهکشان شیری ربطی به ما
داشت؟
وحوش چشم‌هایت را بریز و زوزه بکش
فرقی نمی‌کند برای ما.

عارف محمدی،
نویسنده سینمایی



نام فیلم: لونا: گاومیشی در کلاس
درس، Lunana: A Yak in the Classroom
کارگردان: پاوو چوپینینگ دورجی
فیلمنامه: پاوو چوپینینگ دورجی
بازیگران: شراب دورجی، اوجن نوروبو
لندوپ، کلدن لامو گورنگ...
محصول: بوتان ۲۰۱۹



آن سوی کوه‌های پر رمز و راز... نامزد جوایز اسکار ۲۰۲۲

در اسکار ۲۰۲۲ ارسال کنند و فیلم نهایتاً در لیست نهایی نامزدهای بهترین فیلم بین‌الملل قرار می‌گیرد. لونا... اثری است که در عین سادگی و بی‌پیرایگی مراحل سخت و دشواری را در تولید پشت سر گذاشته و گروه تولید شش ماه در این روستای دورافتاده کوهستانی با سختی‌های زیادی روبرو بوده‌اند. فیلم ابتدا از شهر تیمفو پایتخت بوتان شروع می‌شود و بیننده را با شوق و علاقه اوجن معلم جوان به موسیقی و آواز آشنا می‌کند. جوانی که رؤیای سفر به استرالیا و خوانندگی در این کشور را دارد. حکم مأموریت تدریس در یکی از دورافتاده‌ترین روستاهای جهان، بدون هیچ اثری از دنیای مدرن برای جوانی که بیشتر وقتش صرف گوش کردن به موسیقی و وقت‌گذرانی با دوست دختر و دیگر دوستانش و گیتار زدن و خواندن در کافه بارها و انتظار برای دریافت ویزای استرالیاست بسیار غیرمنتظره است. اما تنها نقطه امید معلم جوان موقت بودن این مأموریت است

نماینده‌ای از این کشور برای اولین بار در تاریخ این کشور و تاریخ سینمای جهان نامزد بهترین فیلم بین‌المللی (غیرانگلیسی زبان) در جوایز آکادمی اسکار ۲۰۲۲ می‌شود. کشوری با حدود هشتصد هزار نفر جمعیت که در ارتفاعات هیمالیا و بین کشورهای چین و هند قرار دارد و انزوای این کشور از جهان باعث شده فرهنگ پربار و محیط زیست آن بکر و دست‌نخورده باقی بماند. آن‌قدر نام این کشور در میان انبوه تولیدات سینمای جهان و حضورشان در فستیوال‌های بین‌المللی مهجور و فراموش شده بوده که حتی وقتی کارگردان فیلم قصد داشته در سایت آکادمی درخواست فیلم را ارسال کند برای نام و زبان کشور بوتان گزینه‌ای پیدا نمی‌کند و در سال ۲۰۲۰ نیز واجد شرایط برای شرکت در رقابت‌های اسکار نمی‌شود. اما گویا پس از چند نمایش و نقدهای مثبت روی فیلم به تهیه‌کننده پیشنهاد می‌شود که درخواست مجددی برای شرکت

معلم جوانی به نام اوجن در تیمفو پایتخت بوتان در سودای این است که به استرالیا رفته و حرفه موسیقی را در آنجا دنبال کند. در ایامی که منتظر پاسخ دریافت ویزا از سفارت استرالیاست مأموریت پیدا می‌کند تا به مدرسه‌ای در یک روستای بسیار دورافتاده به نام لونا در شمال غربی کشور بوتان برود. روستایی که نه برق دارد و نه امکانات. حتی برای گرم کردن اتاق معلم در سرمای شدید این روستای کوهستانی. معلم جوان زندگی در این شرایط را بسیار دشوار می‌بیند و کدخدای روستا نیز به او پیشنهاد می‌کند اگر تصمیم به رفتن دارد قبل از فرارسیدن سرما روستا را ترک کند چون که پس از بارش برف همه راه‌ها مسدود خواهد شد و او امکان خروج از روستا را نخواهد داشت. پیشنهادی که معلم جوان را بر سر یک دوراهی قرار می‌دهد...
 نام کشور بوتان برای بسیاری از مردم جهان ناآشناست و این در حالی است که فیلمی به



بین موضوع و مناظر و چشم‌اندازهای خیره‌کننده در فیلم را به‌خوبی ایجاد کند.

در باره کارگردان

پاو چوینینگ دورجی اصالتاً هندی‌تبار و متولد شهر دارجلینگ در سال ۱۹۸۳ است. پدرش یک دیپلمات هندی بود. او دوره ابتدایی را در یک مدرسه بین‌المللی در هند و دوره متوسطه را در مدرسه‌ای در بوتان سپری کرد. در سال ۲۰۰۷ در رشته روابط بین‌الملل و دولت از دانشگاه لورنس در آمریکا با مدرک لیسانس فارغ‌التحصیل شد. در سال ۲۰۰۹ تحصیلات تکمیلی خود را در رشته فلسفه بودیسم از کالج سارا بودیست به پایان برد. دورجی به‌عنوان یک عکاس حرفه‌ای با نشریاتی چون Vic, Esquire, life همکاری حرفه‌ای داشت و کتاب مقاله‌های متعددی را نیز به چاپ رساند. سومین کتاب او با نام نور و ماه عکس‌هایی بود که او طی پنج سال گرفته بود.

او در سال ۲۰۰۶ با کارگردان بوتانی به نام کینسته نوروبو که یک راهب بودایی نیز هست آشنا شد و به‌واسطه دستگیری او در یک فیلم او دنیای فیلمسازی را کشف کرد و پس از آن خودش تهیه‌کننده فیلم دیگری از او به نام Hema, Hema شد. دورجی به‌واسطه تجربیات عکاسی و تولید فیلم موفق شد اولین فیلم بلند داستانی خودش با نام لوانا: یک گاومیش در کلاس درس را طی دو ماه فیلم‌برداری در روستای دورافتاده لوانا در سال ۲۰۱۹ به پایان برساند. فیلم برای اولین بار در شصت و سومین فستیوال لندن به نمایش درآمد و پس از آن با نمایش در فستیوال پالم اسپرینگز موفق به کسب جایزه تماشاگران و بهترین فیلم فستیوال شد و این آغاز راهی برای موفقیت‌های بعدی این فیلم تا امروز شد.

روی آن‌ها بنویسند تمام می‌شود، مقواهای پنجره اتاقش را بدون آنکه کسی متوجه شود پاره می‌کند و به‌عنوان دفترچه یادداشت در اختیار بچه‌های کلاس قرار می‌دهد. او جن با شنیدن صدای سحرانگیز دختری که چوپانی یک گاومیش را به عهده دارد و در ارتفاعات کوهستان سرود ملی بوتان را زمزمه می‌کند به سراغ او می‌رود و با او رابطه‌ای دوستانه برقرار می‌کند و از او می‌خواهد تا آن سرود را به او نیز بیاموزد. دختر جوان پس از مدتی گاومیش خود را به او جن جوان می‌سپارد تا در اتاق خودش نگه دارد و از فضولات او، هم بتواند در گرم کردن اتاقش استفاده کند و هم به‌عنوان ذغال در کلاس درس استفاده کند و از همین‌جا این گاومیش (Yak) به یکی از شخصیت‌های فیلم تبدیل می‌شود که همراه با معلم جوان در کلاس درس حاضر می‌شود!

معلم جوان رفته‌رفته با تحولاتی روبرو می‌شود که نگاه او را به زندگی و مفهوم شادی تغییر می‌دهد. فیلم با سکانس‌های نهایی فیلم فارغ از کلیشه‌های رایجی که بسیاری از بینندگان انتظار خواهند داشت پایان متفاوتی را برای فیلم رقم می‌زند.

لوانا: گاومیشی در کلاس درس، اثری است که با چشم‌اندازهای مسحورکننده و حضور نابازیگرانی که برای اولین بار جلوی دوربین ظاهر شده‌اند بسیار یادآور آثاری مثل خانه دوست کجاست (عباس کیارستمی) است اما با تفاوت‌هایی از لحاظ موضوع و ساختار. فیلمی چشم‌نواز و دلنواز با مضمونی انسانی و پر از شور و شوق زندگی و امید به یافتن مفهوم واقعی شادی در جهان معاصر. کارگردان که قبل از فیلمسازی یک عکاس حرفه‌ای بوده به‌واسطه تجربه سرشارش موفق به خلق نماهایی با قاب‌بندی‌های مسحورکننده‌ای شده که رابطه

و اینکه به‌زودی پس از اتمام این وظیفه کشور را ترک خواهد کرد. فیلم با این مضمون آغاز می‌شود. در ادامه معلم جوان با جوانی از اهالی روستا که از سوی کدخدا برای همراهی او به شهر آمده سفر خود را آغاز می‌کند. سفری که باید روزها با پای پیاده مسیرهای صعب‌العبوری را که امکانات رفت‌وآمد هیچ وسیله نقلیه‌ای ندارد را همراه با سه قاطر که اسباب و اثاثیه سفر را بار آن‌ها کرده‌اند طی کنند.

با ورود این دو و قاطران به روستا معلم با جمع روستاییان مواجه می‌شود که ساعت‌هاست در انتظار ایستاده‌اند تا از او استقبال کنند و همین صحنه شروعی برای تجربه فضایی متفاوت‌تر از شهر برای او می‌شود. معلم با دیدن مدرسه متروکه و اتاق سکونت محقری که با پنجره‌هایی از جنس مقوا پوشانده شده بنای نق زدن می‌کند و از این وضعیت خشنود نیست اما چاره‌ای ندارد و این مأموریت اجباری که یک سال از دوره پنج‌ساله آموزشی او در شهر است را باید به هر شکلی شده به پایان برساند.

پس او جن جوان تلاش می‌کند تا خود را با شرایط موجود وقف دهد و برای حل مشکلات راه‌حل‌هایی بیابد. وقتی که روز اول مدرسه خواب می‌ماند مبصر مدرسه که دختر مؤدب و شیرین‌زبانی است به او گوشزد می‌کند که کلاس هر روز سر ساعت شروع می‌شود و بچه‌ها در کلاس منتظر او هستند. وقتی معلم وارد کلاس می‌شود متوجه می‌شود که تخته سیاهی وجود ندارد و بچه‌ها هیچ لوازم‌التحریری در اختیار ندارند. معصومیت و سادگی کودکان و شوق آن‌ها از حضور معلم رفته‌رفته به او جن انگیزه می‌دهد تا برای شادی آن‌ها و تعلیم‌وتربیت آنان تا جایی که می‌تواند تلاش کند. او در این راه حتی وقتی کاغذهایی که از شهر فرستاده شده بود تا بچه‌ها

شعری از فروغ فرخزاد و هدیه‌ای به مناسبت روز زن

به لب‌هایم مزین قفل خموشی
که در دل قصه‌ای ناگفته دارم
ز پایم باز کن بند گران را
کزین سودا دلی آشفته دارم

بیا ای مرد، ای موجود خودخواه
بیا بگشای درهای قفس را
اگر عمری به زندانم کشیدی
رها کن دیگرم این یک نفس را

منم آن مرغ، آن مرغی که دیرپست
به سر اندیشه‌ی پرواز دارم
سرودم ناله شد در سینه‌ی تنگ
به حسرت‌ها سر آمد روزگارم

به لب‌هایم مزین قفل خموشی
که من باید بگویم راز خود را
به گوش مردم عالم رسانم
طنین آتشین آواز خود را

بیا بگشای در تا پر گشایم
بسوی آسمان روشن شعر
اگر بگذاریم پرواز کردن
گلی خواهم شدن در گلشن شعر

لبم بوسه‌ی شیرینش از تو
تنم با بوی عطرآگینش از تو
نگاهم با شررهای نهانش
دل‌م با ناله خونینش از تو

ولی ای مرد، ای موجود خودخواه
مگو ننگ است این شعر تو ننگ است
بر آن شوریده حالان هیچ دانی
فضای این قفس تنگ است، تنگ است

مگو شعر تو سر تا پا گنه است
از این ننگ و گنه پیمان‌های ده
بهشت و حور و آب کوثر از تو
مرا در قعر دوزخ خانه‌ای ده

کتابی، خلوتی، شعری، سکوتی
مرا مستی و سکر زندگانی است
چه غم گر در بهشتی ره ندارم
که در قلبم بهشتی جاودانی است

شبانگهان که مه می‌رقصد آرام
میان آسمان گنگ و خاموش
تو در خوابی و من مست هوس‌ها
تن مهتاب را گیرم در آغوش

نسیم از من هزاران بوسه بگرفت
هزاران بوسه بخشیدم به خورشید
در آن زندان که زندانبان تو بودی
شی بنیادم از یک بوسه لرزید

به دور افکن حدیث نام، ای مرد
که ننگم لذتی مستانه داده
مرا می‌بخشد آن پروردگاری
که شاعر را، دلی دیوانه داده

بیا بگشای در تا پر گشایم
بسوی آسمان روشن شعر
اگر بگذاریم پرواز کردن
گلی خواهم شدن در گلشن شعر

فروغ فرخزاد



انجمن خوشنویسان ایران در مونترال
با همکاری مجله هفته بر ازار می کند

کلاسهای آموزش خوشنویسی | حضوری و آنلاین

نستعلیق ، شکسته نستعلیق ، تحریری

همراه با برگزاری آزمون و اعطای گواهینامه رسمی انجمن خوشنویسان ایران
ایزار کتابت به رایگان در اختیار هنرجو قرار میگیرد

514-476-7259



RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم

Cell: 438-397-3212

مشاور املاک مسکونی

با آشنایی کامل به مونترال و حومه
خدمات کاملا رایگان برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش

Roxanne Sameem

Residential Real Estate Broker

Remax Platine

1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C8

Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com



مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه

طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

پوشش تکمیلی هزینه های درمان:

- دندانپزشکی
- چشم پزشکی
- روانشناسی
- فیزیوتراپی



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

bimeh.ca

bimeh.ca

7306-296-514

bimeh.ca@gmail.com

انسان سالم آینده ای مطمئن خواهد داشت، لذت
از زندگی با بالابردن کیفیت آن میسر می شود.

وکیل رسمی دادگستری کبک
Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



نیوشا ریاحی
WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونترال

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

امیر ندیمی

Amir Nadimi
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های
متعددی برای مشتریان خود برگزیند



Commercial Insurance
Dwelling Insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc



514 - 600 - 2338

www.AmirNadimi.com

@AssurancesNadimi

1955 Ch. de la Côte-de-Liesse,
suite 201

Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارت های شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6

info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

Ottawa
Persian
Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما دعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum

Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است

www.PersianRadio.net

https://t.me/ottawaradio
@namaashoum_radio

تفتوتوی

ادبیات





گفت‌وگوی اختصاصی هفته با آتفه چهارمحالیان: دیگر آثارم را در چنگال سانسورچیان قرار نمی‌دهم

کمک می‌کنند اما برای بسیاری از مضامین، جلد و پیراهن‌های تنگی دارند.

یعنی از نظر شما با توجه به تحولاتی که جامعه و شرایط اجتماعی ایجاد می‌کند قاعدتاً ادبیات و به طور مشخص شعر هم از آن تبعیت می‌کند. درست است؟

بله. در طول تاریخ هم ادبیات، هم فرم‌ها و سبک‌های هنری از تغییر ساختارهای اجتماعی متأثر شده‌اند، چون زبان یکی از بنیادی‌ترین محمل‌های بروز انسانی است. شما نمی‌توانید هم زمان فرزند زمانه‌ی خود یا آوانگاردتر از آن باشی اما کماکان در همان بستر و قالبی جاری شوی که ده قرن پیش اتفاق افتاده و متناسب با صورت‌بندی‌های ادبی و بوطیقای آن زمان بوده است، مگر این که یک صورت‌بندی جدیدی برایش خلق کنی.

آیا شعرای هستند که به طور خاص روی سبک شما تأثیرگذار باشند؟

پُر واضح است. یعنی قاعدتاً شعر من هم یک برون‌داد یا برآیندی از همه‌ی اثرها و تأثیرات محیطی، ادبی

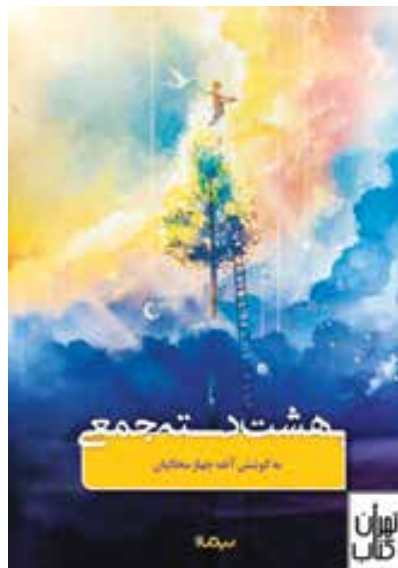
کودکی با ادبیات غنایی، شعر نو و اشعار کلاسیک آشنایی داشتم اما خودم از سن ۱۱؛۱۲ سالگی شروع به سرودن کردم و این روند تا ۱۵؛۱۶ سالگی ادامه داشت. من به‌عنوان یک نوجوان در انجمن شعر شهرستان (شوشتر) شرکت می‌کردم. با ادبیات کلاسیک و شعر موزون شروع کردم و اولین کتابم که شامل تعدادی شعر سپید بود، در ۱۸ سالگی منتشر شد.

شما که با ادبیات کلاسیک و شعر موزون شروع کرده بودید، چطور به شعر سپید رسیدید؟

ببینید جایی هست که ظرف‌های عروضی و مقفی شعر کلاسیک دیگر جوابگوی محتوایی نیست که می‌خواهد رهاتر از چهارچوب‌های از پیش تعیین‌شده حرکت کند. من فکر می‌کنم هر شاعر تجربه‌گرایی طی فرآیند و سیر دگردیسی و تجربیات زبانی خودش به جایی می‌رسد که دیگر این تنگنای زمانی را برنمی‌تابد. البته این قالب‌ها، حاوی تجربه‌های بسیار غنی و آموزنده‌ای برای هر شاعر هستند، اما از منظر من، علی‌رغم این که به تأثیرگذاری بیشتر شعرها

آتفه چهارمحالیان، متولد ۱۳۶۰ خوزستان، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته‌های مطالعات اجتماعی (گرایش تحلیل اجتماعی)، مدیریت شهری و کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی است. از او چهار مجموعه شعر و یک مجموعه داستان منتشر شده است. همچنین از او مقالات، مصاحبه‌ها، اشعار و نقدهایی در نشریات و رسانه‌های گوناگون ادبی، فرهنگی - اجتماعی داخل و خارج از کشور منتشر شده است. به بهانه‌ی انتشار اولین مجموعه شعر او در خارج از ایران با او به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه از نظراتان می‌گذرد. در این مجال، او از زندگی‌اش با زنده‌یاد کورش اسدی نیز سخن گفته است که شما را به مطالعه‌ی آن دعوت می‌کنیم.

سلام خانم آتفه چهارمحالیان بزرگوار و سپاس بابت وقتی که در اختیار هفته قرار دادید. از اینجا شروع کنیم که خانم آتفه چهارمحالیان چه زمانی شعر را کشف کرد یا شعر چه زمانی شما را پیدا کرد؟
به دلیل علاقه‌ی خانواده‌ام به شعر و ادبیات، از دوران



دست انتشار)

• انتشار یادداشت‌ها در شرق، شهروند، آرمان، فرهیختگان، ایران، نوروز، کتاب هفته، دنیای سخن، کارنامه، معیار، عصر پنجشنبه، کلک، دوات، آزاد، واژنا، دانش، شهرگان، هنگام، دوات، رودکی، دستور، قلم‌یاران، وزن دنیا، اخبار روز، قلمرو، آسو، کانون نویسندگان، آوای تبعید، بانگ، ایران ویر و...

۱۳۹۵.

• مجموعه «کتابی که نمی‌خواستم»، نشر چشمه، ۱۳۹۲.
• بهشت دسته‌جمعی (مجموعه داستان گروه داستان‌نویسی کودکان کار؛ گردآوری، تدوین و ویرایش)، چاپ اول، ۱۳۹۷، چاپ دوم و سوم، نشر نیماژ ۱۳۹۸.
• شهردوستدار کودک (ترجمه و تحقیق) (در

آثار آتفه چهارمحالیان

• مجموعه «معشوق کاغذی»، نشر سه‌شنبه ۱۳۷۸.
• مجموعه «دارم با رشد شانه‌های میت راه می‌روم»، انتشارات نگاه سبز، ۱۳۸۰.
• مجموعه «بغلم کن شبلی»، نشر آفتاب، چاپ اول ۱۳۸۴، نشر نیماژ، چاپ دوم

حجم و تماماً آن چه بستر ادبیات مدرن و کلاسیک و به‌طور کلی تاریخ ادبیات ما را شکل داده، هم به من آموزش داده و هم شعر مرا شکل داده است. فکر می‌کنم همه‌ی این‌ها اجرهای شعری من است ولی در نهایت ساختمان شعری هر شاعر را قاعدتاً باید فردیت و ماهیت خودش شکل بدهد.

آتفه چهارمحالیان شعر را قالبی در بستر تحولات اجتماعی می‌داند یا این که برآمده از درون شاعر که الزاماً هم ربطی به تحولات اجتماعی و سیاسی ندارد؟

من شعر را فی‌نفسه از درون و برآمده از ذهنیت شاعر می‌دانم؛ یعنی به‌نوعی یک جوششی از درون خود شاعر، اما این که بعداً این شاعر خودش را متأثر و متصل به جریان‌ات اجتماعی، محیطی و پیرامون خودش بداند و بخواهد تصمیم بگیرد که تعهدی به

پذیرفتم. طی یک دوره طولانی شعرهای حافظ، سعدی، مولانا، جامی، نظامی، فردوسی و رودکی در سبک‌های بیدل دهلوی و صائب تبریزی و در ادبیات عرفانی شیخ روزبهان بقلی، خواجه عبدالله انصاری، عطار را خواندم و گاه نوشیدم و حتی نثر این‌ها، هنوز روی من تأثیرگذار است. از شعرای نزدیک‌تر به این دوران، واقعاً خودم را فرزند نیما می‌دانم. همچنین در دوره‌ای متصل به آموزه‌های ادبیات کلاسیک، از نحوه‌ی مضمون‌پردازی و رویکردهای شعری و ذهن و زبان فروغ فرخزاد و احمد شاملو بسیار آموختم. از اشعار نادرپور، سهراب سپهری و باز نزدیک‌تر به نسلم از شعرهای شاعران موسوم به شعر دیگر و جریان ناب، مثل هوشنگ چالنگی و پرویز اسلام‌پور بهره‌ها برده‌ام. این‌ها شاعرانی بودند که در برهه‌هایی از زمان، آثارشان کتاب‌های بالینی من بوده است؛ یدالله رویایی، شعر

و هرآن چیز تأثیرگذاری است که خواندم، شنیدم و دانستم. به هر حال سعی کردم، این ادراک‌ها و نقش‌ها درون شعر، اتفاق درون‌زاد خودش را رقم بزند و در بستر روحی و روانی من ترکیب‌ها و دگردیسی‌های خاص خودش را پیدا کند. نهایتاً چون قرار بود تبدیل شود به آن چه ماحصل تجربه زیستی من است، در فرم شخصی‌تری هم بروز پیدا می‌کرد. فکر می‌کنم برای هر شاعری که باور دارد باید به محل یکی‌خودش در دیدن جهان برسد، این زاویه‌ی دید، قاعدتاً در زبان و در مضامین و محتوای شعری‌اش هم تجلی خواهد کرد.

یعنی شما نمی‌توانید در این راستا از اشخاص خاصی نام ببرید یا ترجیح می‌دهید نام نبرید؟

البته که نام می‌برم. من از ادبیات کلاسیک تأثیر زیادی



آوازت می‌خواند: آیا دوردستِ شادمانی روزی
بر مناظر پیراهن چاپ می‌شود؟
که تو
رفیق بخندی! کشتن من به پایتخت نرسد،
با یک گواهینامه جدید توی امنیه پیر شود.
تو را برده‌اند!
و مرگ بالای آن بستنی قیفی فروشی آخر
خط
شلیک می‌شود به لالایی غمگینی دیگر.

شعری از آتفه چهارمحالیان

میان پلاستیکِ مرگ
تو را از ساعتِ عصرهایت شناختم
اعلامت می‌کردند در فرکانس‌های خبر
و صورتت را خاک می‌پوشاند با هر خط تسلیت
باید چه می‌کردم؟
با پلاستیکی که از کوچه می‌بردت
و شرحی که لحظه آخر ندارد.
حروف، مثل زهر واقعی‌اند
سرنوشت مرا با قدم‌های مردم، به خیابانی
عظیم می‌برند
از آن کهکشانی موقتی می‌سازند روی پیاده‌رو
تا جابه‌جایی پادشاه توی شیشه‌ها بدرقه شود
توی شیشه‌ها، پیاده‌رو
گام‌ها را مثل مورفین فرو می‌برد در رگ‌هاش
و آب‌ها بلند می‌شوند در نمای یک جنگل
بپاشند روی تأسیسات
روی آن سوتر از گوسفندی که مگر می‌شکند
استخوان بی‌جان
از فشاری که ساطور بر رانش می‌کشد
به طوفان و هوای شهر غرق
و بعدازظهر می‌شوم لابه‌لای علم‌ها
غروب می‌زنم به تهران و هوای ابر
نام کوچه‌های بعد را بشمرم و اشک
هیولا شود لای پلک‌ها و سهم بارانم

آن نشان دهد یا نه به عقیده‌ی من یک انتخاب فردی است. شما می‌توانید بدون هیچ‌گونه ارتباطی با اتفاقات اجتماعی و سیاسی اطراف خودت شاعر بمانی. از نظر من، زمانی که شاعر تبدیل به یک نقش در جامعه‌اش شده و تبدیل به یک عنصر تأثیرگذار می‌شود، قاعدتاً یک نیروی اجتماعی است. یعنی نیرویی می‌شود که هویت خودش را به‌عنوان یک شاعر از پیرامون، محیط و اجتماع هم می‌گیرد. دقیقاً در همین زمان است که به‌نظرم باید دست به انتخاب بزند که از این پتانسیل اجتماعی و نقشی که جامعه برایش تولید کرده است چه استفاده‌ای بکند. درواقع این که نقش و جایگاه را در خدمت انتزاع‌های شخصی خودش به کار ببندد یا به‌عنوان یک نیروی اجتماعی با امکانی که هم خود او ایجادش کرده است و هم جامعه به آن را رسمیت و مشروعیت داده، یک تأثیرگذاری فراتر از وجه فردی ایجاد کند. من فکر می‌کنم پاسخ به این انتخاب معمولاً ظهور و بروزهای متفاوتی در شعرهای شاعران دارد. گاهی اوقات خیلی مستقیم با اشاره به جریانات روز به‌صورت شعر سیاسی اتفاق می‌افتد؛ مثل آن چه که ما در کارهای فرخی یزدی، بهار، خسرو گل‌سرخ، سیاوش کسرایی و شاعرانی از این قبیل می‌بینیم، یا می‌تواند مثل بسیاری از آثار ادبی ما که در پوشش استعاره یا در استعاره‌های زبانی و سمبولیستی و به‌طور غیرمستقیم سعی کردند آینده‌ی جامعه خود باشند، این تأثیرگذاری را نشان دهد. مصداق‌های آن هم از کلیلهدومنه است تا بسیاری از آثاری که در ادبیات داستانی و تحلیلی ما و حتی انتخاب‌هایی که برای ترجمه داشته‌ایم و در شعرهای شعری متأخرتر مثل برهنی و بهبهانی وجود دارند.

به زندگی شخصی شما بپردازیم. شما چه موقع با کورش اسدی آشنا شدید؟ چه زمانی ازدواج کردید و ازدواج‌تان چند سال به‌طول انجامید؟

آشنایی ابتدایی ما به حدود سال ۱۳۸۰ برمی‌گردد. من ۲۰ ساله بودم که برای اولین بار ایشان را دیدم که البته بعدها این دیدار به یک دوستی و سپس رابطه‌ای عاطفی در ۲۳ سالگی منجر شد و تا سال ۱۳۸۷ ادامه پیدا کرد. در همان سال ما ازدواج کردیم و تا زمانی که کورش رفت، در این ازدواج بودیم.

به‌خاطر دارم سال ۱۳۹۶ که خبر درگذشت ایشان اعلام شد شما بر روی شبکه‌های مختلف آمدید و اعلام کردید این یک مرگ خودخواسته بوده است. این سؤال در ذهن خوانندگان آثار او

چون به‌هرحال او اکنون دیگر دهانی ندارد تا در مورد خودش صحبت کند. من هم ترجیح می‌دهم به‌جای او و از جانب او سخن نگویم.

زندگی با ایشان چه اثری بر زندگی کاری شما و سبک نگارش اشعارتان داشت؟

من و کورش عهده‌ی با هم داشتیم که در همه‌ی زندگی متعهد به این عهد باقی ماندیم؛ این که هر کدام از ما کاملاً زندگی و هویت شخصی و حرفه‌ای خودش را داشته باشد. در نتیجه همواره سعی می‌کردیم از این نوع تأثیرپذیری به‌واسطه‌ی زندگی با هم احتراز کنیم و همیشه سعی می‌کردیم با آثار همدیگر از دید انتقادی برخورد کنیم. اما من اصولاً خودم را شاعری می‌دانم که شعرهایم از زندگی‌ام تغذیه می‌کنند و درواقع بیان من، برآمده از دل زندگی شخصی من است. در نتیجه می‌توانم بگویم دو کتاب شعر آخرم به‌طور کامل

وجود دارد که چرا چنین اتفاقی افتاد؟ دوست دارم از زبان شما بشنوم که ایشان چه آدمی بود و در روزهای آخر زندگی‌شان چه حس و حالی داشت؟ اگر فکر می‌کنید پاسخ‌خشی خیلی شخصی است من از سؤال می‌گذرم.

ابتدا یک مورد را تصحیح کنم، من در آن زمان فقط با یک شبکه مصاحبه کردم و در واقع رسانه‌های دیگر همان یک مصاحبه را بازتاب دادند. در رابطه‌ها جواب سؤال‌تان من پاسخ می‌دهم، شما می‌توانید آن را عنوان یا حذف کنید. چون درحقیقت پاسخ واضحی برایش ندارم. رفتن کورش بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای و خیلی غیرقابل پیش‌بینی اتفاق افتاد و مدت‌ها برای بسیاری از اطرافیان کورش، از جمله خود من، این سؤال بود که چرا چنین تصمیمی گرفت. اکنون پاسخ‌هایی برای آن دارم اما هیچ‌کدامشان دلایل خود کورش نخواهند بود.

متأثر از تجربه‌ی زیسته و ناشی از احساس من و آن لحظه‌ها و پیوندها و اتفاقاتی است که با هم گذرانیدیم و دریافت‌ها، زخم‌ها و شکوفه‌های من در آن دوران حاصل آن است. به هر حال چون من بسیار جوان بودم و آن دوران هم، دوران عمیق تأثیرپذیری از همه چیز بود، کورش یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی من بود هرگز نمی‌توانم خودم را از تأثیراتی که از شخصیت بسیار ویژه و منحصر به فرد کورش گرفتم، جدا بدانم.

منظورتان از دو مجموعه شعر آخرتان «بغلم کن شبلی» و «کتابی که نمی‌خواستیم» است؟

بله تقریباً می‌توانم بگویم غالب شعرهای «بغلم کن شبلی» در مورد کورش یا در ارتباط با زندگی و عشق من به اوست و همچنین مجموعه‌ی «کتابی که نمی‌خواستیم» شعرهای اجتماعی من هستند ولی کماکان در وجه فردی در مورد کورش هستند.

بعد از آن، دیگر کاری از شما چاپ نشده است؟

چاپ اول کتاب بغلم کن شبلی سال ۱۳۸۴ بود و چاپ اول مجموعه‌ی «کتابی که نمی‌خواستیم» فکر می‌کنم سال ۱۳۹۳ بود. کتاب بعدی «بهشت دسته‌جمعی» بود که مجموعه داستان‌هایی است که حاصل تجربه‌ی پنج سال کار با کودکان کار محله‌ی دروازه غار تهران بود. کتاب جدیدترم هم فکر می‌کنم ظرف چند هفته‌ی آینده منتشر شود.

اسم کتاب آخرتان چیست و کدام ناشر آن را چاپ می‌کند؟

مجموعه شعر خدای‌نامه، تصمیم گرفته‌ام که دیگر هیچ کدام از آثار ادبی‌ام را در چنگال سانسورچیان قرار ندهم، چون به‌واقع همه‌ی کارهایی که تا به حال منتشر کرده‌ام زخم‌دار سانسور هستند؛ بنابراین با یکی، دو انتشارات در خارج از کشور صحبت کرده‌ام، اجازه دهید نهایی شود و بعد برایتان بگویم.

از تن ندادن به تیغ سانسور صحبت کردید. فکر نمی‌کنید این تصمیمتان باعث شود خواننده‌ها در داخل ایران به راحتی به آثار شما دسترسی نداشته باشند؟

حتماً این اتفاق می‌افتد؛ چرا که وقتی شما کتابی را خارج از کشور منتشر می‌کنید ناخودآگاه بازار نشر داخل و بخش مهمی از مخاطبان را از دست می‌دهید و قاعدتاً مخاطبان داخل کشور هم به لحاظ آماری

با خارج از مرز، قابل‌مقایسه نیستند. اما خوشبختانه در حال حاضر به‌واسطه‌ی شبکه‌های اجتماعی و این ارتباطات حداقلی که صفحات مجازی در دسترس قرار داده، می‌توانیم امیدوار باشیم که دست به دست، چشم به چشم و سینه به سینه شعرهای بدون سانسور به‌دست مخاطبان برسد. امیدوارم مخاطبان نیز بتوانند از این امکان و دهلیزهای انتقال مضامین و معنا و آثار استفاده کنند و برای یک‌بار هم که شده و حداقل در همین چند دهه اخیر با ادبیات عریان‌تر و بی‌واسطه‌تری مواجه و آشنا شود. هرچند ما هم به‌عنوان مؤلفان این آثار به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانیم بگوییم از اثری که سانسور در طول این سال‌ها بر ما گذاشته مبرا هستیم، اما فکر می‌کنم دست‌کم با تن ندادن به سانسور و متکی شدن به راه‌های موجود، این رویه کم‌کم تبدیل به جریان بشود و آثار راه‌ها و روش‌های رسیدن به‌دست مخاطب را پیدا کنند.

یعنی شما معتقدید در نهایت کسی نمی‌تواند جلوی انتشار این شعرها را بگیرد و حتی اگر ناچار باشید خارج از ایران آن‌ها را انتشار دهید به دست مخاطب می‌رسد؟

بله، به دست مخاطب می‌رسد و تأثیر خودش را هم می‌گذارد، همان‌طور که ادبیات زیرزمینی این کار را کرد. همان‌طور که الان کارهای رضا براهنی و بسیاری از کارهای سیاسی ممنوعه از طریق زیراکس و ریسوگراف دست به دست می‌چرخد و در قفسه‌ها، حافظه‌ها، خوانش‌ها و تفهم‌ها جای خودشان را پیدا می‌کند. هرچند نمی‌تواند آثار پرورش‌ی شوند که به‌شکل آماری تأثیرگذار شوند اما امیدوارم حداقل این چرخه با خواننده شدن توسط مخاطبان هنر و ادبیات به‌طور غیرمستقیم روی آثار دیگر تأثیرگذار شوند و از طریق این تأثیرگذاری‌ها، به رشد زنجیره‌ی ادبیات فارسی کمک کند.

در بخشی از صحبت‌هایتان به کتابی اشاره کردید که در زمینه فعالیتتان با کودکان کار نوشته‌اید. می‌شود کمی در مورد موضوع این کتاب برایمان توضیح دهید؟

حدود ۸ سال است که به انجای مختلف با کودکان مناطق محروم یا کم‌برخوردار در ارتباط هستم. این کتاب حاصل استعدادیابی از تقریباً دویست کودک بنیاد مهرتاک در منطقه‌ی هرندی دروازه غار تهران است. بعد از استعدادسنجی و کنکاش در علاقه‌مندی و گرایش‌های این کودکان به این نتیجه رسیدم که

بچه‌ها به قصه‌گویی، روایت‌گری و قصه‌علاقه‌ی زیادی دارند. بنابراین علی‌رغم این که رشته‌ی اصلی من قصه‌پردازی نبود، به‌نوعی از آن رابطه‌ی شخصی بین‌مان و آن انرژی که از هم می‌گرفتیم استفاده کردم و حول‌وحوش ۲۰ تا ۲۵ کودکی که در آن‌ها استعداد قصه‌گویی را دریافته بودم، انتخاب کردم این کودکان بین ۱ تا پانزده‌ساله بودند. حدود پنج سال با این کودکان به‌طور شبانه‌روزی درباره‌ی ادبیات جهان و ایران، شعر، داستان، سینما، موسیقی و تئاتر و... کار کردم. آن‌ها به محافل ادبی راه پیدا کردند و جوایز کشوری کسب کردند. ماحصل این فعالیت‌ها تبدیل به یک مجموعه داستان تحت عنوان «بهشت دسته‌جمعی» شد که به سه و چهار چاپ هم رسید. البته نمی‌شود گفت این‌ها داستان‌های کودکان کار هستند، بلکه باید بگوییم این‌ها داستان‌های کودکان داستان‌نویس هستند. فکر می‌کنم تقریباً جزو اولین تجربه‌هایی بود که به‌جای تولید داستان کودک توسط بزرگسالان، ادبیات کودک توسط خود کودکان تولید می‌شد. خوشبختانه این اقدام تأثیر خوبی هم روی بچه‌های آن منطقه داشت و توانست تولید نقش اجتماعی (کودکان نویسنده) کند و باعث تغییر الگوهای ارزشی در آن مناطق بشود. خلاصه بازخوردهای خیلی خوبی گرفتیم و این ارتباط کماکان هم با گروه‌های دیگری از کودکان ادامه دارد.

وسخن‌پایانی؟

صحبت خاصی ندارم ولی متصل به گفت‌وگوی آخرمان، از جامعه‌ی ادبی، هنری و فرهیخته تقاضا دارم که باور کنند پرورش کودکان و کار کردن با آن‌ها می‌تواند یک راهکار اجتماعی برای نسل‌سازی باشد؛ شما مثلاً با پرورش ده کودک برآمده از عمیق‌ترین لایه‌های زیرین اجتماعی که حامل تجربیات زیسته‌ی بسیار عریان این جامعه هم هست، -تجربیهایی که همواره از طریق گفتمان‌های رسمی پنهان و پوشیده شده‌اند- می‌شود نسلی را ساخت. در واقع می‌شود بازتاب‌های اجتماعی را از دل سانسور، ایدئولوژی‌های پوشاننده حاکم و باز روایت‌هایی که هیچ تعهدی به انتقال واقعیت ندارند، عبور داد و به آن‌ها صدا داد. فکر می‌کنم اگر همین دوستان خودمان که در این حیطه‌ها قلم می‌زنند و در بسیاری از موارد شاکی هستند که دست و پایشان بسته است، بیایند و در این وادی‌ها گام بردارند، اتفاق‌های مهمی رقم می‌خورد.

بابت همکاری شما با هفته بسیار سپاسگزاریم و به امید موفقیت‌های روزافزون برای شما هستیم.

BMO Bank of Montreal

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9
http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

دفتر ترجمه فیروزه ماسیحا

عضو رسمی انجمن مترجمان کنتا (OTTIAQ)
عضو رسمی انجمن مترجمان اویناریو (ATIO)

ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری

10% promotion for new Year

+1 438-920-9305
Firoozehmasiha@yahoo.com



دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTRÉAL
QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3

001 514 691 4383
N.DAVOUDI@FARHANG.CA

تصویر: تکثیر شماری، تعالیم
بلوار کشاورز نبش کوچه گلری
پلاک 273، طبقه 2، واحد 7

+98 21 6642 1511
6694 8154
N.DAVOUDI@FARHANG.CA

جامعه

اقتصاد

سیاست





سومین رشته تحریم‌های کانادا علیه روسیه، تحریم مشروبات الکلی روسی

به گفته آنیتا آناند، وزیر دفاع کانادا، ائتلاف ترانس آتلانتیک هنوز از کانادا درخواست استقرار نیرو نکرده اما اتاوا همواره آماده حمایت از ناتو است. شرکت‌های الکلی چند استان از جمله کبک، انتاریو، بریتیش کلمبیا، منیتوبا، نواسکوشیا، نیوبرانزویک، نیوفاندلند و لابرادور و جزیره پرنس ادوارد اعلام کرده‌اند که محصولات روسی را از قفسه‌های خود حذف خواهند کرد.

روز گذشته همچنین پرچم آبی و زرد رنگ اوکراین بر فراز چندین ساختمان دولتی از جمله پارلمان‌های کبک و اتاوا به اهتزاز درآمد.

جمعیت اوکراینی‌های مقیم کانادا که بیش از ۱.۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شود و پس از اوکراین و روسیه، سومین جامعه بزرگ اوکراینی‌ها را در جهان تشکیل می‌دهند، با برپایی تظاهرات در شهرهای بزرگ کانادا حمایت بیشتر اتاوا و دیگر کشورهای جهان را از کشورشان خواستار شده‌اند.

کنگره اوکراینی‌های کانادا روز گذشته از اتاوا خواست روسیه را از سیستم سوئیفت حذف کند و سامانه‌های دفاع ضدهوایی، ضدراکتی و تجهیزات دریایی در اختیار اوکراین قرار دهد. تهاجم روسیه به اوکراین در حالی سومین روز خود را پشت سر می‌گذارد که نظامیان اوکراینی و غیرنظامیان داوطلب، با تمام قوا در برابر یورش ارتش روسیه مقاومت می‌کنند.

در حال حاضر ظاهراً ۸۰۰ تبعه کانادایی در اوکراین حضور دارند اما ممکن است برخی از آن‌ها بدون اطلاع قبلی خاک اوکراین را ترک کرده باشند چرا که کانادا در هفته‌های اخیر از آن‌ها خواسته بود هر چه زودتر اوکراین را ترک کنند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

ملانی ژولی، وزیر امور خارجه کانادا، نیز تاکید کرد: «می‌خواهیم نفس کشیدن را برای رژیم پوتین دشوار کنیم.»

خانم ژولی افزود اتاوا علاوه بر تحریم رهبران روسیه، سران بلاروس را نیز که کار پوتین را در حمله به اوکراین تسهیل کرده‌اند، تحریم خواهد کرد. به گفته خانم ژولی ۵۷ نفر مشمول این تحریم‌ها خواهند شد ضمن این که ده‌ها تحریم دیگر نیز در سال‌های اخیر علیه رژیم مستبد الکساندر لوکاشنکو به علت نقض حقوق بشر به اجرا گذاشته شده است. طی چند روز اخیر این سومین بار است که اتاوا تحریم‌هایی علیه روسیه وضع می‌کند. کانادا روز پنجشنبه ۵۸ شرکت و شخصیت روسی را تحریم کرده و مجوز صادرات به روسیه را به حال تعلیق درآورده بود. هزینه اجرای این تدابیر برای کانادا حدود ۷۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود.

نخست‌وزیر کانادا همچنین روز جمعه اعلام کرد تا کنون تقاضای مهاجرت دو هزار شهروند کانادایی را تایید کرده است و دولت در نظر دارد روند مهاجرت جنگ‌زدگان اوکراینی را تسهیل کند.

حزب نیودموکراتیک کانادا در بیانیه‌ای از دولت لیبرال خواسته است تمهیداتی اتخاذ کند که مجوزهای سفر، کار و تحصیل اوکراینی‌هایی که در حال حاضر در کانادا حضور دارند، به طور خودکار تمدید شود.

در عرصه نظامی نیز دولت فدرال آمادگی خود را برای استقرار ۴۶۰ نظامی دیگر در خاک اروپا اعلام کرده است. ۱۲۰ تن از این نظامیان که در پایگاه والکاتیبه در شمال غربی کبک سیتی مستقر هستند، تا یک ماه دیگر به لتونی اعزام خواهند شد.

علاوه بر این اتاوا ۳۴۰۰ نظامی دیگر را نیز در حالت آماده باش بالا حفظ خواهد کرد تا در صورت نیاز به سرعت در اروپا مستقر شوند.

کانادا به تبعیت از متحدان غربی خود (آمریکا، اتحادیه اروپا و انگلیس) مجموعه تحریم‌های اقتصادی و تجاری جدیدی علیه روسیه، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور و سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه این کشور وضع کرد.

جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا، عصر جمعه پس از گفتگوی تلفنی با رهبران برخی از کشورهای غربی از جمله انگلیس، با حضور در کنفرانسی مطبوعاتی تاکید کرد: «با این که دارایی‌های روسیه در کانادا چندان زیاد نیست، تصمیم گرفته‌ایم سرمایه‌های ولادیمیر پوتین را هدف قرار دهیم تا دیگر نتواند انتقالات مالی انجام دهد.»

ترودو تصریح کرد علاوه بر پوتین و لاوروف، رئیس دفتر ریاست‌جمهوری روسیه نیز تحت تحریم‌های کانادا قرار خواهد گرفت. به گفته ترودو، این سه نفر معماران مناقشه مسلحانه روسیه و اوکراین هستند که این روزها ابعادی فاجعه بار پیدا کرده است. علاوه بر این سه نفر، وزرای دادگستری، دارایی و دفاع روسیه نیز با تحریم‌های کانادا و دیگر اعضای جامعه جهانی روبرو شده‌اند.

ترودو با تاکید بر این که پوتین به علت بی‌اعتنایی به اصول آزادی، دموکراسی، حقوق بین‌الملل و جان انسان‌ها، باید با پیامدهای رفتار خود مواجه شود، به ویژه از این جهت فرد شماره یک روسیه را مورد ملامت قرار داد که با حمله بی‌دلیل به همسایه صلح جوی خود اوکراین، به ۷۵ سال صلح و آرامش در اروپا پایان داد.

نخست‌وزیر کانادا افزود اتاوا قاطعانه از اخراج روسیه از سیستم بانکی بین‌المللی سوئیفت حمایت می‌کند چرا که با اتخاذ این تدبیر، پوتین برای تامین مالی اقدامات خشونت بار خود به شدت دچار مشکل خواهد شد. ترودو همچنین از آمادگی اتاوا برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به اوکراین خبر داد.



حمله روسیه به اوکراین چگونه اقتصاد کانادا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

آرمین آریان‌پور

می‌یابد ولی در صورت طولانی شدن جنگ به‌مرور از قیمت نفت کاسته خواهد شد. یکی از دلایل این امر کند شدن اقتصاد جهانی بر اثر جنگ است. اما از طرف دیگر، معمولاً وقتی یک تولیدکننده نفت میزان تولید را کاهش دهد با کم شدن عرضه قیمت نفت افزایش خواهد یافت. از طرف دیگر سایر کشورها مانند کانادا خواهند توانست با فروش بیشتر نفت جای آن تولیدکننده را بگیرند. اتفاقی که در مورد تحریم ایران و تولید نفتش اتفاق افتاد. اما در حالت کنونی بعید به نظر می‌رسد کانادا بتواند جای میزان تولید نفت روسیه یا حداقل بخش مهمی از آن را بگیرد چرا که کانادا تا پیش از حمله روسیه به اوکراین نیز تا حد اکثر ظرفیت نفت تولید می‌کرد و دیگر گنجایشی برای افزایش سریع ظرفیت ندارد.

با وجود اینکه منابع نفت قابل حصول - به‌ویژه در تولید نفت از ماسه سنگ - در آمریکا و کانادا وجود دارند اما این دو کشور سال‌هاست تصمیم گرفته‌اند که گسترش خطوط لوله را محدود کنند و همین عامل باعث شده حتی برای نفت موردنیاز خودشان دست به واردات نفت سایر تولیدکنندگان بزنند. بر اساس گزارش انجمن تولیدکنندگان نفت کانادا، سالانه تنها محموله‌ای به ارزش حدود پانصد و پنجاه میلیون دلار نفت از روسیه وارد کشور می‌شود که عمده آن نیز در استان‌های شرقی به مصرف می‌رسد. ایالات متحده به مراتب بیشتر از این میزان از روسیه نفت وارد می‌کند. به عقیده برخی کارشناسان لغو دائم پروژه نفتی میان کانادا و آمریکا که با نام پروژه خط لوله Keystone XL مشهور است باعث شد که این دو کشور هر چه بیشتر به واردات نفت از روسیه وابسته شوند و روزانه میلیون‌ها دلار به خزانه کرم‌لین واریز کنند. پولی که در حال حاضر در جنگ با اوکراین خرج می‌شود.

زنجیره عرضه

در خلال این جنگ، زنجیره عرضه محصولات به‌ویژه برای اوکراین قطع خواهد شد چرا که با گسترش نفوذ روسیه بر مرزهای خاکی و آبی، بندرها بلااستفاده شده و عملیات صادرات کالا غیرممکن می‌شود. روسیه نیز ممکن است بر اثر تحریم‌های اقتصادی نتواند محصولاتش را به دنیا عرضه کند. به‌علاوه، ریسک درگیری نظامی در دریای سیاه و مرزهای هوایی اوکراین موجب می‌شود سیستم بین‌المللی حمل‌ونقل دچار اختلال شود. در

گرانی و تورم

اگر جنگ اوکراین برای مدت نامعلومی ادامه یابد اثری مستقیم بر اقتصاد اروپا، جهان و حتی کانادا خواهد داشت. یکی از تأثیرات جنگ اوکراین افزایش قیمت ذرت و گندم خواهد بود چرا که اوکراین و روسیه هر دو از تولیدکنندگان بزرگ این محصولات هستند و حدود یک‌چهارم مصرف جهانی از این دو کشور تأمین می‌شود. این موضوع ممکن است به نفع کانادا باشد چرا که به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان عمده این محصولات خواهد توانست جایگاه بهتری در بازارهای جهانی کسب کند. ولی در این میان، با ایجاد شوک و کمبود در بازار به‌احتمال قوی در سطح جهانی شاهد افزایش قیمت در این دو کالای اساسی خواهیم بود.

تولیدکنندگان چیپ‌های الکترونیکی نیز به دلیل کاهش واردات شبه‌های هابی مانند گاز نئون و پالادیوم با مشکل تأمین مواد اولیه مواجه خواهند بود چرا که اوکراین و روسیه از جمله بزرگ‌ترین صادرکنندگان این مواد هستند. تأثیر مستقیم این کاهش عرضه نه‌تنها در صنعت الکترونیک، بلکه در صنعت خودرو مشاهده خواهد شد که در نهایت به افزایش قیمت آن در ماه‌های آینده خواهد انجامید.

بهای نفت و بنزین

یکی از واضح‌ترین آثار اقتصادی جنگ اوکراین افزایش قیمت سوخت در کانادا و در سطح جهان است. از آنجا که روسیه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز طبیعی و از جمله بازیگران اصلی عرضه نفت است، بهای این کالای حساس ممکن است در سطح جهان بر اثر جنگ افزایش یابد به‌ویژه اینکه روسیه تأمین‌کننده بیش از ده درصد نفت خام دنیاست؛ بنابراین احتمال می‌رود روسیه از همین اهرم برای فشار آوردن به کشورهای غربی و به‌ویژه اتحادیه اروپا که مشتری اصلی گاز طبیعی روسیه است استفاده خواهد کرد. این آثار بر سایر کشورها از جمله کانادا نیز تحمیل خواهد شد. روز پنج‌شنبه گذشته قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال - که معیار اصلی قیمت نفت در اروپا به شمار می‌رود - به حدود ۱۰۵ دلار رسید. همچنین قیمت نفت خام معیار ایالات متحده یعنی نفت غرب تگزاس نیز با حدود ۱۰۴ دلار در مقام دوم ایستاد. به‌طور کلی در ابتدای هر جنگ بهای نفت یکباره افزایش

هفته گذشته روسیه در اقدامی غافلگیرانه و پس از اتمام مسابقات المپیک زمستانی پکن از زمین و هوا به اوکراین حمله نظامی کرد. حمله‌ای که به گفته مقامات روسیه باهدف جلوگیری گسترش ناتو در شرق اروپا انجام شده و به‌زعم خود و هم‌پیمانانش «عملیات ویژه» خوانده شده است. اما واقعیت این است که با این یورش هزاران خانواده اوکراینی در کمتر از چند روز آواره شده و عده زیادی غیرنظامی نیز کشته و زخمی شده‌اند. رهبران جهان تاکنون به‌غیر از چند پیام و کمی «براز نگرانی» واکنش جدی به این حملات نظامی نشان نداده‌اند اما زمزمه تحریم‌های اقتصادی از گوشه و کنار به گوش می‌رسد. به‌طور قطع، حمله‌ای با این وسعت و دامنه بر اقتصاد تمام جهان اثر خواهد گذاشت. بر برخی کشورها بیشتر و بر برخی دیگر کمتر. همه چیز به این بستگی دارد که میزان معاملات اقتصادی کشور موردنظر با روسیه چقدر بوده است. کانادا نیز به‌عنوان یکی از کشورهایی که با روسیه تعاملات اقتصادی گسترده داشته متحمل خسارات ناشی از جنگ خواهد شد. به‌ویژه اینکه با اختلاف نظر رؤسای دو کشور در مورد این حملات، ممکن است کانادا به‌اتفاق برخی دیگر از کشورها تحریم‌های اقتصادی شدیدی بر روسیه اعمال کنند. اما در این میان اثر مخرب این جنگ به‌طور مستقیم بر اقتصاد کانادا ضربه خواهد زد. ممکن است جنگ واقعی کیلومترها دورتر از مرزهای کانادا در حال وقوع باشد اما دیربازود مصرف‌کننده کانادایی اثر آن را در صورت حساب‌های پیش رو خواهد دید.

همچنین با کشتن و آواره کردن انسان‌های بی‌گناه در اوکراین این احتمال وجود دارد که وزارت مهاجرت کانادا درهایش را به روی پناهندگان اوکراینی بگشاید. امری که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد کشور تأثیر خواهد گذاشت. نخست‌وزیر جاستین ترودو در اظهار نظری اخیراً بر این نکته تأکید کرد که کانادا روند مهاجرت را برای مهاجران اوکراینی به‌صورت اضطراری برگزار خواهد کرد و حتی خط تلفنی ویژه برای این منظور در نظر گرفته شده است. همچنین آنیتا آندوزیر دفاع کانادا اعلام کرد حدود ۱۵۰ نفر از نیروهای مسلح کانادا در مرزهای لهستان مستقر شده‌اند تا به انتقال فوری مهاجران اوکراینی به خاک کانادا کمک کنند.

همچنین متحدان غربی اوکراین قصد دارند با انزوای روسیه از شبکه بانکی سوئیفت بانکداری این کشور را به زانو در آورند. اقدامی که هنوز عملی نشده و در میان کشورهای غربی هستند کشورهای که منافعیان ممکن است با این تصمیم هم‌راستا نباشد. با قطع این شبکه دسترسی روسیه به حدود ۶۳۰ میلیارد دلار قطع خواهد شد و متحدان غربی امیدوارند با قطع دسترسی به منابع مالی بتوانند عاملی بازدارنده در مقابل پیشروی نیروهای روس ایجاد کنند.

در سطح کانادا نیز گروهی با تحریم مشروبات الکلی روسی سعی در نشان دادن اعتراض خود به این حملات نظامی دارند. اقدامی سمبلیک که بعید به نظر می‌رسد رهبران روسیه را پس از مدت‌ها برنامه‌ریزی برای حمله به اوکراین، به دلیل تحریم و دکاهای روسی از ادامه حمله بازدارد.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری، سی.تی. وی نیوز، سی.بی.سی نیوز، گلوبال نیوز، تورنتو سیتی نیوز و فایننشال پست

خواهد شد و باید دید جنگ اوکراین تا چه میزان بر تصمیم بانک مرکزی اثر خواهد گذاشت.

تحریم‌های اقتصادی

کاهش یا تحریم کامل معاملات مربوط به سوخت و صنعت نفت یکی از اهرم‌های ناتو برای تحت فشار قراردادن روسیه بدون درگیری نظامی است. اما به گفته کارشناسان از آنجا که اتحادیه اروپا به شدت به صنعت نفت و گاز روسیه متکی است بعید به نظر می‌رسد اروپا به این تصمیم به شکل جدی بنگرد. اتحادیه اروپا، آمریکا و کانادا مصمم هستند تا با تحریم بانک‌ها، صنایع نفتی و پالایشگاهی و همچنین صنایع نظامی روسیه این کشور را در اجرای نقشه‌هایش ناکام بگذارند. نخست‌وزیر جاستین ترودو در پیامی اعلام کرد که کانادا در کنار ملت اوکراین ایستاده است و قصد دارد ۵۸ شخص حقیقی و حقوقی از دایره نزدیکان ولادیمیر پوتین از جمله وزیر دفاع، وزیر اقتصاد و وزیر دادگستری و همچنین گروه واگنر و بانک‌های روسی را تحریم کند. همچنین از این تاریخ مجوز تمام اقلام صادراتی به مقصد روسیه به ارزش حدودی ۷۰۰ میلیون دلار توسط کانادا ملغی اعلام شد.

این میان، زنجیره عرضه کانادا به‌ویژه در بخش مواد غذایی که بر اثر بحران کرونا و پس از آن بر اثر تظاهرات «کاروان آزادی» که توسط رانندگان کامیون ترتیب داده شد بیش از پیش شکننده و آسیب‌پذیر است اکنون با جنگ اوکراین با خطر اختلال جدی مواجه است. بر اساس گزارش دولت فدرال، برخی اقلام مانند شکر، روغن آفتاب‌گردان، و دکا، شکلات آشپزی و همین‌طور آهن و فولاد و مواد معدنی که مستقیم از اوکراین وارد کشور می‌شد با کمبود مواجه خواهند شد.

نرخ بهره بانکی

نرخ تورم در کانادا قبل از جنگ اوکراین نیز در حال رشد بود. اقتصاد کانادا از سال ۱۹۹۱ تا کنون هرگز شاهد چنین افزایشی در شاخص قیمت مصرف‌کننده نبوده است. با وجود این که قرار بود برای مهار تورم بر نرخ بهره بانکی افزوده شود اما وجود «عدم قطعیت» به دلیل جنگ فعلی ممکن است تغییراتی اندک در این تصمیم ایجاد کند. اما باین حال به نظر می‌رسد بانک مرکزی هنوز بر سیاست افزایش نرخ بهره پابند است. گزارش مربوط به نرخ بهره بانکی هفته آینده منتشر



در کل علم مواد را شامل می‌شود. او در ادامه به تعریف نانو تکنولوژی پرداخت؛ نانو تکنولوژی مبحث جدیدی است که وارد علم شده است، البته پایه‌های تئوری‌اش قدیمی‌تر وجود داشته ولی اینکه وارد صنعت و تکنولوژی شود، چیز جدیدی است. نانو تکنولوژی به ما می‌گوید چطور در مقیاس خیلی کوچک بتوانیم این مواد (که در اینجا می‌تواند مولکول‌ها و اتم‌ها باشد) را تغییر بدهیم تا به هدف دیگری برسیم برای کاربرد آن ماده. به‌عنوان مثال فرض کنید طلا خصوصیات ویژه‌ای دارد که ما همیشه می‌دانستیم،



بررسی شرایط تحصیل و کار در بازار نانو تکنولوژی کانادا برای ایرانیان

مهیار مظلومی، در پاسخ به سؤال کامیار درباره ارتباط رشته‌های مختلف تحصیلی او با هم صحبت خود را با شرح ارتباط مهندسی مواد و نانو تکنولوژی آغاز کرد. به‌گفته‌ی او؛ مهندسی مواد یک شاخه‌ی گسترده است، یعنی علمی که مربوط به ساختار مواد می‌شود. هر ماده‌ای که ما با آن در زندگی روزمره سروکار داریم، از جمله فلزات، مواد پلیمری، سرامیک و یا کامپوزیت‌ها. همه‌ی اینها علم مربوط به خودش را دارد و اینکه ما چطور بتوانیم تغییراتی که می‌خواهیم را روی آن‌ها انجام دهیم تا برای کاربرد مورد نظر ما آماده شوند، این

سازمان پند در برنامه «پند و گپ با کاوه و کامیار» نشست را برای آشنایی با شرایط و الزامات تحصیل و ورود به بازار کار در زمینه نانو تکنولوژی با حضور مهمان برنامه، دکتر مهیار مظلومی در تاریخ ۱۹ فوریه ۲۰۲۲ برگزار کرد. مهیار مظلومی مهندس مواد از دانشگاه شریف، فوق‌لیسانس مهندسی پزشکی از دانشگاه علم و صنعت و دکترای نانو تکنولوژی از دانشگاه واترلو در سال ۲۰۱۴ است و از آن تاریخ تاکنون در زمینه نانو تکنولوژی در کانادا مشغول به فعالیت است.

حالا در نانوتکنولوژی می‌توانیم با تغییر سایز ذرات طلا، کاربرد دیگری از آن بگیریم که در حالت عادی برای ما قابل دستیابی نبوده است. ما می‌توانیم با تغییراتی که در حالت مولکولی مواد ایجاد می‌کنیم، روی ساختار فیزیکی آن‌ها تأثیر بگذاریم، این تعریف اجمالی از نانوتکنولوژی است. حالا این در هر زمینه‌ای می‌تواند استفاده شود، بسته به موادی که مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ در زمینه علم محض، در زمینه تکنولوژی، در زمینه بهداشت و درمان و در زمینه‌های مختلفی کاربرد دارد، این باعث شده که یک پدیده‌ای به وجود بیاید به نام «چند شاخه‌ای» که در واقع شما در هر رشته‌ای که هستید می‌توانید به چند شاخه دیگر هم مرتبط باشید و در آن زمینه کار کنید. کاوه با اشاره به اینکه نانوتکنولوژی محدود به یک زمینه خاص نیست و به عنوان مثال در تولید پوشاک هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد و در IT هم می‌تواند کاربرد داشته باشد، چرایی این موضوع را جویا شد. مهیار با توضیح کلمه «نانوتکنولوژی» بحث را ادامه داد؛ نانو یک واحد اندازه‌گیری است، در واقع نانومتر است. واحد اندازه‌گیری استاندارد، متر است که در واحد کوچک‌تر به میلی‌متر، میکرومتر، نانومتر و غیره تقسیم می‌شود. در واقع نانومتر ۱۰ به توان منفی ۹ است. مثالی که در این رابطه می‌زنند این است که شما فرض کنید کفش‌دوزکی روی تنه‌ی درختی به قطر یک متر نشسته است. این مقیاس را در ذهنتان در نظر بگیرید و حالا اگر تنه‌ی درخت، یک تار موی شما باشد؛ اندازه کفش‌دوزک، یک نانومتر است. یعنی چیزی است که با چشم قابل دیدن نیست. چرا این تکنولوژی خیلی جدید محسوب می‌شود؟ به این خاطر که قبلاً با اینکه علوم پایه‌اش وجود داشته ولی چون ما نمی‌توانستیم اندازه‌گیری کنیم؛ نمی‌توانسته وارد تکنولوژی شود. اتفاقی که در ۴۰-۵۰ سال اخیر افتاده این است که ما توانایی اندازه‌گیری این مواد را به دست آوردیم. توانایی دیدنشان را، توانایی اینکه روی آنها آزمایش کنیم، تغییر بدهیم و بعد اندازه‌گیری کنیم را به دست آوردیم. این در واقع پایه‌های یک تکنولوژی را می‌سازد که شما بتوانید مواد را بسازید، اندازه‌گیری کنید و بعد برای یک کاربردی استفاده کنید.

در مورد اینکه چرا در همه چیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حقیقت وقتی ماده آن قدر کوچک می‌شود، چیزهای دیگری در مقیاس نانومتری اهمیت پیدا می‌کند. مثلاً سطح مواد اهمیت

بیشتری پیدا می‌کند، نسبت به حجمشان. برای همین پدیده‌هایی که روی سطح مواد اتفاق می‌افتد، به ما این امکان را می‌دهد که در مواد تغییرات ایجاد کنیم. فرض کنید درباره پارچه که شما مثال زدید، ما سطحش را طوری تغییر می‌دهیم که مثلاً آب‌گریز می‌شود و خیس نمی‌شود، یا می‌تواند کثیف نشود. در واقع یکسری پدیده‌های سطحی جدیدی ایجاد می‌شود که به ما این امکان را می‌دهد.

حتی در صنعت داروسازی هم می‌تواند کاربرد داشته باشد. در تکنولوژی نانو، سطح مواد و ارتباط مواد با همدیگر اهمیت پیدا می‌کند و این می‌تواند خواص فیزیکی مواد را تغییر دهد. شما می‌توانید با اضافه کردن یک مولکولی به سطح ماده‌ای خواصش را عوض کنید. یکی از کاربردهایی که در زمینه بهداشت و سلامت وجود دارد این است که شما می‌توانید دارو را به نقطه‌ای که می‌خواهید، بفرستید. مثلاً فرض کنید غده سرطانی جایی از بدن وجود دارد، به جای اینکه وقتی دارو می‌خورید در کل بدن پخش شود، می‌توانید به صورت Tar- geted Drug Delivery بفرستید جایی که سلول سرطانی وجود دارد. اینها با تغییراتی است که روی سطح دارو ایجاد شده و مولکول‌هایی که به آن اضافه شده که فقط برود به سلول‌های سرطانی بچسبند.

کاوه با اشاره به اینکه زمینه‌ی کاربردی نانوتکنولوژی در صنعت یا در مشاغل مختلف به گونه‌ای نامحدود است، افزود؛ بنابراین به نظر می‌رسد برای دوستانی که می‌خواهند وارد این رشته شوند، محدوده وسیعی از بازار و خدمات برای فعالیت وجود خواهد داشت. در ادامه او درباره‌ی چگونگی این تغییرات در سطح ماده سؤال کرد، اینکه در مقیاس نانو، آیا در این سطح ما خواص ماده را تغییر می‌دهیم؟

مهیار ضمن اشاره به اینکه خواص شیمیایی ماده چیزی نیست که قابل تغییر باشند، ادامه داد؛ فرض کنید طلا همیشه طلا است. ولی یک طلای نانومتری داریم با قطر ۱۰ نانومتر که با یک طلای نانومتری با قطر ۳۰ نانومتر، خواص فیزیکی متفاوتی دارند. در واقع ما می‌توانیم روی خواص فیزیکی مواد تأثیر بگذاریم.

این در واقع مفهومی هست که به آن «کوانتوم دات» یا ذرات کوانتومی گفته می‌شود. ما می‌توانیم با تغییراتی که روی سایز مواد می‌دهیم، خواص متفاوتی از یک ماده بگیریم. فرض کنید همین طلا که مثال زدیم با سایزهای متفاوت،

می‌تواند خواص نوری متفاوتی داشته باشد. یعنی مثلاً یکی رنگ آبی را ساطع می‌کند، یکی رنگ سبز ساطع می‌کند و این تلویزیون‌های کوانتومی که جدیداً آمده، از همین استفاده می‌کند.

دانشگاه‌هایی که در کانادا رشته نانوتکنولوژی را در مقطع لیسانس ارائه می‌دهند؛ دانشگاه واترلو، دانشگاه تورنتو، دانشگاه آلبرتا و فکر کنم دانشگاه UBC هم باشد. در مقطع ارشد و بالاتر کالج‌ها و دانشگاه‌های زیادی در همه استان‌ها وجود دارد. خوبی مقطع لیسانس در کانادا این است که شما هم‌زمان با تحصیل دوره‌های کارآموزی در شرکت‌های مختلف هم دارید و این باعث می‌شود که تجربه‌های مختلفی به دست بیاورید و وارد شدن به بازار کار راحت‌تر می‌شود.

درباره‌ی بازار کار این رشته در کانادا، خیلی بستگی به این دارد که شما در چه زمینه‌ای وارد نانوتکنولوژی شده‌اید. مثلاً من از مواد، وارد نانوتکنولوژی شدم، یکی ممکن است شیمی باشد یا فیزیک یا هر رشته دیگری. خیلی به این بستگی دارد که شما در چه رشته‌ای بودید و آیا آن زمینه کاری و تحقیقاتی در کانادا وجود دارد یا نه. باید روی این مسئله تحقیق کنید. برای کار تحقیقاتی، مؤسسات تحقیقاتی مختلفی در استان‌های مختلف کانادا داریم که پژوهشگاه‌هایی وابسته به دولت هستند. این‌ها غیر از دانشگاه‌ها هستند. برای کارکردن در این مؤسسات باید حداقل PR داشته باشید ولی برای کار تحقیقاتی در دانشگاه می‌توانید ویزای دانشجویی داشته باشید و در دانشگاه کار تحقیقاتی انجام دهید.

زمینه کاری نانوتکنولوژی الان حدود ۵۰٪ کار تحقیقاتی است، ۴۰٪ شرکت‌های بزرگی هستند که در این زمینه شروع به فعالیت کردند و حدود ۱۰٪ استارت‌آپ‌ها هستند، شرکت‌های جدیدی که شکل گرفته است و بین ۵ تا ۲۰ نفر کارمند دارند. در کانادا این یک مقدار کمتر هست، به این دلیل که اغلب شرکت‌های بزرگی که در این زمینه هستند، اصلش در امریکاست. مثلاً اپل، گوگل، فیس‌بوک اینها همه الان دارند در زمینه‌های نانو کار می‌کنند، زمینه‌هایی که مربوط به نانوتکنولوژی هست ولی دفتر مرکزی آنها در امریکاست. گوگل جدیداً در واترلو آمده یا اپل و مایکروسافت در ونکوور هستند. همه این شرکت‌های بزرگ الان با تکنولوژی VR و AR دارند وارد می‌شوند که از نانوتکنولوژی استفاده کنند. در واقع یک مسابقه‌ای شکل گرفته برای استفاده از این تکنولوژی ولی در امریکا زیادتر هست.

محسن فرهادلو

عضو هیئت علمی مدرسه

کسب و کار کنکور دیا

بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تاثیری ندارد.

کاروان آزادی: تقدم اقتصاد سیاسی بر آزادی در کانادا و نشانه‌ای از دنباله‌روی دولت

نگاهی به پرونده هفته شماره ۶۶۸ و سخن هفته ۶۶۹



معتراض هستند، به‌طور کلی «قانون شکن» خواندن آنان و دستاویز قراردادن همین در توسل به‌زور چه پایه حقوقی محکمه پسندی دارد؟ در اینجا لازم می‌دانم که تاکید کنم این سؤال‌ها هرگز به نشانه تأیید مطلق «کاروان آزادی» نیست بلکه بیشتر به‌منظور نشان دادن تحلیل ناکافی موضوع توسط تصمیم‌گیران و شیوه نادرست برخورد با آنان که به‌زعم نگارنده با ارزش‌های اخلاقی و حقوق اساسی یک جامعه دموکراتیک چون آزادی بیان و آزادی تجمع در تضاد است، مطرح شده‌اند.

پرونده شماره ۶۶۸ مجله هفته در پوشش اعتراض «کاروان آزادی» یک پرونده ترجمه‌ای بود که با استفاده از منبع‌های خبری چون رادیو کانادا، اخبار CBC و روزنامه مونترال، تنظیم شده بود و به‌نظم جنب‌داری موجود در آن بازتاب جنب‌داری واقعی در سطح جامعه و رسانه‌های کانادایی در این موضوع است. هرچند گزارش‌دهی غیرجانبدارانه نیازمند تحقیق و تلاش بیشتر است اما در یک مجله‌ی هفتگی شاید انتظاری فراتر از ظرفیت آن تلقی شود. به‌عنوان کسی که کم‌وبیش اخبار مربوط به این موضوع را حداقل هر روز دو بار در رادیو و برخی رسانه‌های اجتماعی دنبال می‌کردم، هرگز شاهد گفت‌وگو و تحلیلی همه‌جانبه از این اتفاق نبودم. در رادیو شنونده مصاحبه‌های زیادی با سیاستمداران، سیاست‌گذاران، اهالی دانشگاهی با تخصص‌های گوناگون چون حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روزنامه‌نگاران و مردم عادی بودم. به‌عنوان یک دانشگاهی که مدت زیادی نیست (کمی بیشتر از سه سال) در کانادا زندگی می‌کنم، از سطحی و کم‌عمق بودن چگونگی برخورد با این موضوع در کانادا احساس تأسف می‌کنم. پدیده کاروان آزادی نیازمند بررسی‌های پایه‌ای فلسفی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که می‌تواند حقیقت‌های تعیین‌کننده‌ای را

اعتراض‌کنندگان افرادی هستند که فقط به‌خاطر فرار از کسلی شهرشان و یانداشتن کار بهتری برای انجام به‌جمع اعتراض‌کنندگان رفته بودند، و نیز افرادی که برای دفاع از آزادی‌های شهروندی و اعتراض به تعدی‌های غیرمجاز دولت در حریم خصوصی خود به جمع اعتراض‌کنندگان پیوسته بودند. در میان اعتراض‌کنندگان «کاروان آزادی» برخی خواهان کناره‌گیری نخست‌وزیر و برخی نیز خواهان به رسمیت شناخته شدن آزادی و حقوق فردی و اجتماعی خودشان توسط دولت بودند. نادیده گرفتن پراکندگی موجود در بین اعتراض‌کنندگان از تحلیل، تصمیم‌گیری و اقدام درست در این مورد جلوگیری می‌کند. اگر اعتراض‌کنندگانی که خواهان برکناری نخست‌وزیر هستند تصور درستی از دموکراسی و سازوکارهای دموکراتیک ندارند، آیا توسل به‌زور و قدرت در مقابل آنان با معیارهای یک جامعه دموکراتیک سازگار است؟ اگر اعتراض‌کنندگانی که با صدای بوق کامیون و یا سد معبر محل آسایش همشهری‌های خود شده‌اند، راه درستی را برای ابراز ناراحتی و یا مؤثر نشان دادن اعتراض خود برنگزیده‌اند، آیا گزینش قانون شرایط اضطراری در مقابل آنان بهترین راه ممکن بوده است؟ اگر اعتراض‌کنندگان برای تأمین مخارج حرکت اعتراضی خود از همشهری‌های خود کمک خواسته‌اند و بخشی از جامعه هرچند برای ما شناخته شده نباشند به آنان یاری رسانده‌اند، دولت چه حقی در مسدود کردن پول‌های جمع‌آوری شده دارد؟ اگر اعتراض‌کنندگان به فناوری‌ها و سامانه‌های موجود که امکان «کمک‌رسانی عمومی» به یک امر را امکان‌پذیر می‌کنند، روی آورده‌اند، دارندگان این سامانه‌ها چگونه در مقابل «عموم» کاربران خود ایستاده و تسلیم فشارها شده‌اند؟ اگر اعتراض‌کنندگان از اساس به طولانی شدن «قانون»‌های خاص مربوط به دوران کرونا

ابتدا دوست دارم این نوشته را با سپاسگزاری از سردبیر محترم «مجله هفته» جناب آقای شمیرانی، و دوست نادیده بزرگوار آقای حسین صمیمی آغاز نمایم به‌خاطر آنچه در سخن هفته شماره ۶۶۹ این مجله خواندم. آن دوست نادیده در پیمایی به سردبیر محترم جنب‌داری آنان در پرونده شماره ۶۶۸ هفته را یادآوری کرده بود و جناب سردبیر با احترام به خوانندگان، بابت گزارش‌دهی جانبدارانه در پرونده مذکور از خوانندگان هفته پوزش خواسته بود. از آقای صمیمی به‌خاطر تذکرش، از آقای شمیرانی به‌خاطر احترام به خوانندگان و از هر دو به‌خاطر ایجاد انگیزه در من تا بر تنبلی‌ام برای نوشتن این متن غلبه کنم، سپاسگزارم. اعتراف می‌کنم که اگر این دو اتفاق نیفتاده بودند، این مطالب همچنان در ذهنم جا خوش کرده بودند.

در مقاله «چه راحت می‌لغزیم»، به‌درستی به برخی واقعیت‌های مرتبط با اعتراض‌های مشهور به «کاروان آزادی» در اتاوا و شهرهای دیگر، چون به رسمیت شمردن حق اعتراض آنان، محکمه‌پسند نبودن دلیل مسدود کردن حساب‌های بانکی آنان اشاره شده بود و بر حق آزادی بیان و حق آزادی اعتراض و تجمع غیر خشونت‌آمیز تاکید شده بود. آنچه در ادامه می‌آید هرگز به معنی پذیرش تمام و کمال نگاه و خواستگاه نظری معترضان کاروان آزادی توسط نگارنده نیست. در وهله اول بهتر است پراکندگی دیدگاه‌های موجود در این حرکت اعتراضی را واقعی دانست تا از داوری نادرست ناشی از تقلیل این اعتراض‌ها به یک گروه و یا نگاه خاص ایمن بود. در میان اعتراض‌کنندگان هم افرادی هستند که ضدواکسن هستند، هم افرادی که به‌طور خاص فقط به واکسن کرونا مشکوک هستند و هم افرادی که هر سه دوز واکسن خود را زده‌اند. همچنین در میان

درباره جامعه کانادا و نگاه سیاستمداران آن روشن سازد. تابه حال متأسفانه شاهد نشانه‌ای از شکل‌گیری چنین روندی در سطح جامعه کانادا نبوده‌ایم و تامل کردن در چرایی این امر و پاسخ‌هایی که به آن دادم، روشن‌کننده دلیل احساس تأسف اشاره شده است. امیدوارم که به‌زودی نشانه‌هایی برایم نمایان شوند که نشان از کمبود داده‌ها و قضاوت زود هنگام من در این مورد در زمان نگارش این متن بوده باشد.

آنچه که در چرایی برخورد کم‌عمق و سطحی جامعه کانادا، شامل سیاستمداران، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان و عموم مردم، در ارتباط با پدیده «کاروان آزادی» به ذهن نگارنده می‌رسد، به‌طور خلاصه تقدم نگاه مبتنی بر اولویت اقتصاد سیاسی بر نگاه مبتنی بر آزادی و یا عدالت و یا انصاف در میان تصمیم‌گیران و دنباله‌رو بودن و بازیگر اصلی نبودن کانادا در بسیاری از عرصه‌های مختلف است. دنباله‌روی در میان سیاستمداران کانادایی خیلی جای تأسف ندارد اما در میان اندیشمندان دانشگاهی تأسف‌برانگیز است. سیاستمداران موافق به توسل به قانون شرایط اضطراری به‌ضرورت برقراری نظم و آسیب‌های اقتصادی این اعتراض اشاره می‌کنند. سیاستمداران مخالف نیز فقط به جهت بهره‌گیری سیاسی از موقعیت پیش آمده به دنبال زمین زدن رقیب سیاسی خود هستند. اگر به اقدام‌های

دولت کانادا در سطح جهانی و یا چگونگی واکنش نشان دادن جامعه کانادا در موضوع‌های مختلف نگاهی بیندازیم، متوجه دنباله‌رو بودن و یا منتظر دیگری بودن در این جامعه می‌شویم. دولت کانادا در تحریم کردن و یا نکردن یک کشور، در تحریم دیپلماتیک کردن و یا نکردن یک برنامه ورزشی، در قبول کردن و یا نکردن واکنش‌های مورد قبول در مورد کرونا و... دنباله‌رو و منتظر تصمیم کشور و یا کشورهای دیگری است. همچنین برخورد جامعه کانادا با مسائلی چون تبعیض‌های جنسی، نابرابری و نژادپرستی می‌تواند با نگاه دنباله‌رونده بودن آن، تحلیل شود. از طرفی در پدیده‌هایی چون برخوردهای زشت و ناعادلانه با بومیان نیز هنوز اقدام عملی خاصی از سوی دولت و جامعه کانادا دیده نشده است. شاید یک دلیل آن نبودن نمونه‌ای در جامعه‌هایی که کانادا دنباله‌روی آنان است در چنین مواردی است. برای مثال اگر کشورهای دسته‌جمعی کودکان در کنار مدرسه‌های شبانه‌روزی در آن کشور و یا کشورهای که کانادا دنباله‌روی آنان است پیدا شده بودند، ما شاهد اقدام‌های مؤثرتری در این زمینه از کانادا بودیم. بدشانسی کانادا در مورد کاروان آزادی هم آن بوده است که این اقدام از کانادا شروع شده است و دیگران ابتدا آن را تجربه نکرده‌اند.

اگر داشتن نمونه به تصمیم‌گیران کانادایی در این زمینه

کمک می‌کند مایلیم نمونه‌هایی را معرفی کنیم که تامل در آنان می‌تواند راهگشا باشد. در سال‌های نه‌چندان دور در جامعه امریکا پدیده‌هایی چون قانون «ممنوعیت ورود مسلمانان» و یا پدیده «جورج فلوید» رخ داده‌اند. مطالعه این نمونه‌ها و تامل در چگونگی برخورد جامعه امریکا با آن‌ها می‌تواند هم به تصمیم‌گیران و هم جامعه مدنی کانادا در پیدا کردن راه‌حل مناسبی برای رفتار مناسب با پدیده‌های مشابه مفید باشد. اگرچه جامعه امریکا به باور نویسنده با یک جامعه ایده‌آل فاصله زیادی دارد اما دو اتفاق ذکر شده نحوه برخورد جامعه مدنی آنان نکته‌های درس آموز مرتبطی دارد که می‌تواند در تحلیل و فهم «کاروان آزادی» یاری‌رسان باشد.

در نهایت کاروان آزادی و نحوه مواجهه تا به امروز جامعه کانادا با آن نمونه‌ای است که نشان از غلبه مفاهیم اقتصاد-سیاسی بر مفاهیمی چون آزادی، عدالت، حقوق بشر و شهروندی در جامعه‌ی دموکراتیک کانادا است. اگر نهادینه شدن حقوق بشر در کشوری چون کانادا این گونه است، نهادینه شدن آن در کشور مادریم چقدر طول خواهد کشید؟

۲۳ فوریه ۲۰۲۳



“
سیروس یحیی آبادی
”

طرح هفته

State of emergency
وضعیت فوق‌الاده
(بدون شرح)



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com

Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

مبل‌مان زاگرس

انواع مبل‌مان - میز پذیرایی
فرش های دستباف و ماشینی
لوازم برقی و کولر
سرویس خواب

We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020
6476 Jean Talon E
info@zagrosent.ca

داروخانه دکتر گل‌نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا
برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا
www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060

- واکسیناسیون
انواع سرم واکسن
- درمان نسخه
آزمایش و پیگیری
- مشاوره رایگان
مشاوره تخصصی دارو
الکترونیکی و حضوری
- دسترسی آنلاین
در صورت امکان
مشاوره و پیگیری
- نوشتن نسخه
پیامک دارو و نسخه
به روش‌های مختلف
- مشاوره حضوری
مشاوره تخصصی دارو
مشاوره تخصصی فارسی
- انتقال پرونده
ارزیابی و انتقال پرونده

ارسال رایگان دارو
در سراسر کانادا
www.riahipharma.com

دسترسی به پزشک
در وقت‌های غیر معمول
www.riahipharma.com

1111 Blvd. Dr. Frédéric-Philippe, suite 500, St-Laurent
Postal Code: H4M 2X6
514 519 3060 514 888 3093
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

سلامتی

حقوق

دانش



زبان شیرین پارسی و قتل دختر اهوازی! نگاهی انتقادی به گفت‌وگوی هفته با فرزاد سجودی



شیرین و خوش‌آوا است؛ چراکه بیش از دو همخوان کنار هم نمی‌نشینند و مانند زبانی چون انگلیسی سه یا چهار همخوان (مانند واژه‌ی strangeness) کنار هم قرار نمی‌گیرند. یا مانند زبان آلمانی چنین واژه‌ی زمخت و درشت و ناشیوا درش ساخته نمی‌شود:

Donaudampfschiffahrtsgesellschaftskapitän

۵. پارسی همچنین دارای «تکیه» است که با بهره از آن معنی واژه دیگرگون می‌شود. برای نمونه در واژه‌ی «زنی» اگر تکیه بر هجای پایانی باشد و بگوییم «زنی رفت» این واژه به معنی یک زن است و این «ی» نکره‌ساز است. درحالی‌که «زنی» اگر نشانه‌ی زنانگی باشد تکیه در هجای میانی است. بهره از تکیه را پارسی‌زبانان هنرمندانه به کار می‌گیرند.

۶. پارسی زبانی بس آهنگین است. زیربومی افتان و خیزان دارد. با بالا و پایین بردن آهنگ سخن معنای جمله نیز دیگر می‌شود. این در برخی زبان‌ها، مانند ماندرین، نیست، هرچند در بیشتر زبان‌های هندواروپایی هم هست، لیک به‌سادگی و کارایی پارسی نیست.

۷. آواهای دماغی که در زبانهایی مانند فرانسه هست و در زبان‌های باستانی ایران نیز بوده‌اند در پارسی ساده شده و از میان رفته‌اند.

۸. دستگاه وندی پارسی (پیشوند، پسوند و میانوند) چنان زیاست که به نوشته‌ی استاد محمود حسابی (در مقاله‌ی توانایی زبان فارسی) این زبان می‌تواند بیش از ۲۲۵ میلیون واژه بسازد. شوربختانه، بر اثر ورود واژه‌های بیگانه این دستگاه وندی زایا از بهره‌ی بهینه بازمانده است.

۹. یکی دیگر از شیرینی‌های پارسی پیوندی بودن آن است، تا آن جا که برای نمونه می‌توان هزاران واژه را فقط با واژه‌ی شاه در بخش نخست واژه ساخت، مانند شاه‌کلید، شاهکار، شاهراه، شاه‌دوست،

۱. اگر با سنجه‌های آواشناختی و زبان‌شناختی به پارسی درنگریم، زبانی بس خوش‌آهنگ و خوش‌آوا خواهیم یافت؛ چراکه دستگاه آوایی‌اش دارای شش واکه‌ی هم‌پهلوی: سه واکه‌ی پیشین (ا، آ، ا) و سه واکه‌ی پسین (آ، ای، او) است. این شش واکه کم‌وبیش در همه‌ی زبان‌ها هست، ولی هیچ یک به سودگی پارسی نیست؛ چراکه در دیگر زبان‌های هند و اروپایی، شمار واکه‌ها بسیار است. برای نمونه در انگلیسی شمار واکه‌ها به ۲۴ می‌رسد.

۲. همخوان یا صامت نیز در پارسی بسیار ساده است؛ بدین معنی که اندام‌هایی که هر آوایی را تولید می‌کنند تنها در یک حالت ویژه آن را می‌سازند و از حالتی به دیگر حالت نمی‌روند. برای نمونه، در ساخت همخوان «ت» نوک زبان به پشت دندان‌های بالای می‌خورد و «تا» را می‌سازد، ولی در زبانی مانند عربی برای تولید «ط» افزون بر نوک زبان و پشت دندان‌های بالا، پشت زبان و بخش نرم‌کام هم این آوا را می‌سازند.

در این میان اگر واژه‌هایی از زبان‌های بیگانه به پارسی وارد شده‌اند، پارسی‌زبانان آن را با همان سادگی همخوان پارسی تلفظ می‌کنند. برای نمونه «س، ص، ث» یکسان و ساده در فارسی گفته می‌شوند.

۳. در پارسی تفاوتی میان نرینه و مادینه نیست و این زبانی است که تمایز و جدایی جنسی را از میان برده است و چون دیگر زبان‌ها مانند فرانسه، آلمانی، انگلیسی، روسی، عربی و... جنسیت‌زده نیست.

۴. دستگاه هجایی پارسی هم سخت زیبا است؛ چراکه در این دستگاه، به زبان زبان‌شناسان، تنها یک همخوان و یک واکه (مانند واژه‌ی «کی») یا یک همخوان، یک واکه و یک همخوان (مانند واژه‌ی «بار») یا یک همخوان، یک واکه و دو همخوان (مانند واژه‌ی «مرد») کنار هم می‌نشینند. بر این پایه، پارسی بسیار

زبانزد «یکی بر سر شاخ، بُن می‌برید» داستان برخی رسانه‌های فارسی‌زبان است؛ رسانه‌هایی که هستی خود را یکسره وامدار زبان پارسی‌اند، ولی رویاروی این زبان شمشیر آخته‌اند و نمی‌دانند که اگر این زبان نباشد که ایرانیان پراکنده در غربت را با هر اندیشه و باور و زبانی به یکدیگر پیوند دهد، آن‌گاه نه از «تاک» نشانی ماند نه از «تاک‌نشان».

البته «صلاح مملکت خویش خسروان دانند» و نویسندگان کاری به کار این رسانه‌ها نیست، ولی از آن جا که بر هر ایرانی است که هیچ‌گاه در برابر دروغ سر خم نکند، آن هم دروغ‌هایی که چونان تیر بلا میهن ورجاوند و زبان کهنش را نشانه رفته‌اند، این است که باید چراغی گرفت تا تاریکی‌ها از میان روند.

فارسی هم شکر است و هم اصالت دارد و اینها ادعا نیست که سخنی زبان‌شناسانه است

از دیرباز گفته‌اند که «فارسی شکر است» یا «قند پارسی» یا «زبان شیرین فارسی» و اینها توصیفی است که درباره‌ی دیگر زبان‌ها به کار نرفته و ویژه‌ی پارسی است.

پارسی از انگشت‌شمار زبان‌های زنده‌ی کهن جهان و ای بسا کهن‌ترین زبان زنده‌ی جهان است و با تاریخ ایران کهن هم‌پهلوی است. دیرینگی کهن‌ترین اسناد نوشتاری این زبان بر سنگ، همچون سنگ‌نبشته‌ی بیستون از داریوش بزرگ یا سنگ‌نبشته‌های کوروش بزرگ در مرغاب، یا بر زر، همچون لوحه‌ی زرین آریا‌زمنه و ارشام، به ۲۶۰۰ سال می‌رسد. راستی را که کدام زبان زنده‌ی جهان است که چنین پیشینه‌ی فرهنگی و «صالتی» داشته باشد!

پارسی شکر است؛ چراکه:

شاهی، شاه‌آباد، شاه‌آزمون، شاه‌بانو، شاه‌پر، شاهپور، شاه‌پسند، شاه‌دانه، شاهدخت، شاهرگ، شاهرود، شاه‌زن، شاهک، شاهور، شاهین و...
 ۱۰. و در پایان، پارسی شکر است؛ چراکه هنری‌ترین و شعری‌ترین زبان جهان است. عاشقانه‌هایی که در پارسی هست و مفاهیم دل‌آویزی که در این زبان آفریده شده در هیچ زبانی آفریده نشده است.
 پارسی نه تنها شیرین است که بر پایه‌ی سنجه‌هایی که یاد شد، ساده‌ترین و پیشرفته‌ترین زبان در میان زبان‌های هندواروپایی نیز هست و دیگر زبان‌های هندواروپایی اگر آینده‌ای داشته باشند در آن آینده رسیدن به پایه‌ی سادگی و سودگی زبان پارسی، برای نمونه از میان رفتن جنسیت در آن زبان‌ها، است، و نیز رسیدن به پیکره و ساختی که پارسی در گذر هزاران سال هم‌اینک بدان رسیده است.
 گفتنی است که برای آگاهی بیشتر از چرایی شیرین بودن فارسی این دو مقاله روشنگر است: «زبان شیرین

فارسی» از دکتر ژاله آموزگار و «پاپویه‌ی پایای پارسی» از دکتر میرجلال‌الدین کزازی.
 بنابراین آنچه بی‌بنیاد است سخن آقای نشانه‌شناس در شماره‌ی پیشین مجله‌ی «هفته» است و شکرین بودن پارسی نه بی‌بنیاد است و نه ریشه در «ملی‌گرایی کور و خطرناک» دارد که بنیادهای روشن دانشی و ریشه در معیارهای زبان‌شناختی دارد.
 درباره‌ی بخش دیگر سخن جناب نشانه‌شناس که پارسی را عامل به حاشیه رفتن دیگر زبان‌ها می‌داند، در یادداشتی دیگر اشاره خواهد شد که فارسی روندی طبیعی را طی کرده و این هیچ ربطی به زور و سلطه‌ی به قول قوم‌گرایان «فارس‌ها» (!) نداشته است، چه بسا که در تاریخ پس از اسلام که بیشتر عرب‌ها و ترک‌ها و مغول‌های مهاجر حاکمیت سیاسی داشته‌اند، آنان خود مبلغان فارسی بوده‌اند؛ همان‌گونه که در هند، گورکانیان مغول تبار، همچون اکبر شاه بزرگ، پارسی دوست و پارسی‌گستر بودند،

یا در آناتولی، سلجوقیان ترک‌تبار نیز همچنین پارسی‌دان و پارسی‌گرای.

وقتی قتل زن ۱۷ساله عرب اهوازی هم گردن زبان فارسی می‌افتد!

آقای نشانه‌شناس در گفت‌وگو با «هفته» در دنباله سخن از زبان فارسی گفته است: «زبان در خدمت قدرت است... قدرت گزاره‌های رسوب‌شده‌ی تاریخی مرکزگراست. مثلاً همین داستان غم‌انگیز کشته‌شدن زن هفده‌ساله در اهواز، نمودی از این ماجراست.»
 یواهای از این آشکارتر سراغ دارید؟! این که زبان پارسی و مرکزگرایان، علل قتل دختر عرب اهوازی به دست شوهر عشیره‌ایش بوده‌اند، سخنی است که پاسخ نمی‌خواهد؛ چراکه دم خروس گروهی را برمی‌نماید که به بهانه‌ی نقد قدرت در پی کوبیدن هر آن چیزی هستند که گرانیگاه ایرانی در جهان برآشوب امروز است.

مهین میلانی

بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تاثیری ندارد.



شیعه کمونیست و سنگسار زن

قتل وحشت‌انگیز دختر جوان اهوازی یکی دیگر از فجایعی بود که جامعه‌ی ایران را دوباره به حیرت و ترس فرو برد. این قتل همچون دیگر قتل‌های ناموسی بلایی است که جامعه‌ی ما در قرن بیست‌ویکم و دوران پیشرفت‌های روزانه بشر در عرصه‌های مختلف از جمله دانش و تکنولوژی با آن دست به گریبان است. نوشته‌ی زیر بخشی از کتاب «تهران کوه کمرشکن» است که به موضوع غیرت مردانه می‌پردازد. همان غیرتی که پیش‌زمینه‌ی ذهنی چنین فجایعی را فراهم می‌کند.
 فراز زیر بخش کوتاه‌شده‌ی از کتاب اتوفیکسیون من «تهران کوه کمرشکن» است چاپ شده توسط نشر زریاب در کابل. برای خوانش رایگان ۷۰ صفحه از کتاب یا خریداری نسخه‌ی چاپی و الکترونیکی کتاب به صفحه‌ی زیر مراجعه فرمایید. برای دریافت لینک مطالعه مطلب به همین مقاله در وبسایت هفته Hafeh.ca/canada مراجعه کنید.

آن‌قدر اتکای به نفس و قدرت داشت که خود را نه گناهکار که حتی محق بداند که به دنبال احساسش رفته باشد و لنگ‌هایش را برای مردی (شوهر مصلحتی سیاسی) که دوست ندارد باز

زنش را تا هم او را سنگسار کنند و هم آن مرد را. در نهایت خود اوست که حس سنگسار را تا ابد با خود خواهد داشت. خانواده‌ی زن و آشنایان آن‌قدر روشن بودند که او را پس‌زند و خود زن

مرد خبر می‌شود از رابطه‌ی زن با مرد. او را بکش زیر لگد می‌گیرد و تمام نوشته‌های زن را، اشعار عاشقانه برای محبوب راه، در دست می‌گیرد و قصد می‌کند در کوچه و برزن فریاد بزند زنا

قربانی شدن وی سینه سپر می‌کند صدایش را بالا می‌برد چوب تکفیر را بیشتر از تمام مدعیان حکومتی بر سر و روی این قربانی فرود می‌آورد... من هیچ نمی‌گویم، می‌گذارم خشمش فرو کشد. بی‌حضور حامد و زهره بی‌شک زنده از زیر لگدهای او بیرون نمی‌آدمم... باری تسلیم شدن کامل من و واکنش قاطع مامان که آن چیزی نبود که صَفَر انتظارش را داشت و برخورد حامد و زهره که واقعه را نه آن‌گونه که صَفَر تصور کرده بود و نه آن‌طور که فکر می‌کرد همه بر علیه من بر خیزند و با او هم‌صدا مرا به زیر سنگسار بفرستند، اندکی خاموشش کرد. از انتشار کپی شعرها سرباز زد. آن روز رفته بود به دفتر مجله. همه‌چیز را ریخته بود به هم. تمام ماجرا را به همه گفته بود. یکی از نویسندگان که حالا جزء هیأت دبیران دائمی به حساب می‌آمد گفته بود از فلانی بعید است. صَفَر هرچه ناسزا به نویسنده و به آن مجله‌ای که چنین نویسنده‌ای دارد حواله کرده بود و تهدید که باید سنگسار شود باید مجازات شود نویسنده پایش از آنجا بریده شد. مطلب مرا در باره‌ی آخرین گزارشم بدون اسم چاپ کردند و نام او را به عنوان یکی از اعضای هیأت نویسندگان از توی مجله حذف نمودند. به دختر پنج‌ساله‌ام نیز ماجرا را گفته بود... حامد و زهره پس از فروکش خشم و غضب‌های اولیه و خوابیدن سروصداها به سر زندگی خود رفتند. صَفَر رفته بود همهی دوستان مرا دیده و ماجرا را برای آن‌ها گفته بود کماکان به قصد خراب کردن من. تیرش به خطا رفته بود. تصور کرده بود شاید درعین حال بتواند رابطه‌ای با آن‌ها برقرار کند. یعنی نمی‌فهمید؟ نفهمیده بود که اگر من و او خوانایی نداشته‌ایم، به‌علت اختلافات کهکشانی فرهنگ و تربیت و... بوده است؟ دوستان من همه تحصیل‌کرده گفته بودند که اگر فلانی به دلایلی زن یک لا قبا و بی‌مغز شد، ما دیگر این کار را تکرار نخواهیم کرد. در وضعیت نابهنگامی افتاده بود و می‌خواست خود را از آن حالت بیرون آورد و به هر وسیله‌ای تمسک می‌جست. حرف از جدایی نیز نمی‌زد. تصمیم گرفته بود مرا در وضعیت معلق نگاه دارد و خود آزادانه بچرخد. با خود گفته بود بگذار حالا که او چنین گه‌ی خورده پایش تا ابد بنشیند. با این رسوایی هم که به بار آورده از کارکردن نیز خبری نیست. می‌خواست که من حالا به عنوان کلفت بچه‌ها توی چهاردیواری زندانی شوم.

<http://milanimahin.blogspot.com/search/>

محکم به دماغم وارد می‌شود. یک لحظه هیچ نمی‌فهمم. خون جاری می‌شود. او خود را سرانجام کنار می‌کشد... باری... نمی‌دانم هر لحظه چگونه می‌گذشت. شب بچه نق کشم داشت. مرتب بیدار می‌شد و هربار که من می‌خواستم بلند شوم و او را آرام کنم صَفَر خشمناک به من حمله می‌کرد. زهره و حامد هر دفعه از خواب بیدار می‌شدند و او را از کتک زدن باز می‌داشتند. پیش از این که صَفَر از ماجرا بو ببرد، یک شب وقتی از مجله آمدم پرستار بچه با چشم‌های اشک‌آلود آمد و به من گفت آقا... فهمیدم چه می‌خواهد بگوید. خواسته بود با دختر ور برود. اجازه نداده بود... صَفَر گفت خواستم او را امتحان کنم نکند یک دفعه با همسایه‌ای برود. خود نیز می‌دانست مزخرف می‌گوید.

از تمام نوشته‌های من صدها نسخه گرفت که ببرد و در میان مردم پخش کند. شواهد زنا را، سند محکومیت مرا، خواست در کوچه و برزن منتشر سازد که هم تن مرا تا کمر و هم تن نویسنده را تا گردن توی خاک فرو کنند و بعد چند کامیون سنگ بیاورند و مردم آن‌قدر سنگ بر سر ما بکوبند که نفس قطع شود و تا نفس قطع شود ما با هر سنگ صد بار کشته شویم. رفته بود ماجرا را به مامان نیز گفته بود. مامان به او داستانی را چنین تعریف می‌کند: مردی زنی را به نکاح خود در می‌آورد. در شب زفاف زن را درد به جان در می‌آفتد. زن کودکی در شکم دارد که می‌باید از آن فارغ شود. مرد بدون آنکه کسی متوجه شود زن را به بیمارستان می‌رساند و بچه را پیچیده در قنداق به خانه می‌آورد و به پدر و مادر و دیگر افراد خانواده می‌گوید که کودکی از سر راه یافته است و می‌خواهد آن را به فرزند بی‌پذیرد. مامان به او گفته بود برو آبرویت را حفظ کن. در این ماجرا قبل از هرکس خودت را ویران می‌کنی. هیچ واکنشی نسبت به کتک‌زدن‌هایش نشان نمی‌دادم. قدرت گرفته بود. قدرتی که هیچ‌گاه در زندگی نداشت. به‌ویژه در مقابل من. حتی گمان می‌بردی انگار چندان هم ناراضی نبود که چنین اتفاقی افتاده است و او حالا هر چه حس پائین بودن را که با من یا در جامعه و در خانواده گرفته بود اینجا خنثی می‌کند و چه خوب است قانون جمهوری اسلامی برای این مرد که ادعای کمونیسم و ضدیت با هر مذهبی را دارد و حکم سنگسار مذهب اسلام را پرچم قله‌ای می‌کند که نه خود بلکه آن‌کس که قرار است قربانی شود آن‌را به دست او داده است و حالا از سر دولت

نکند. اما حقیقت این‌جاست که از کمونیست بودن فقط ناخدا باواری را به طور انتزاعی گرفته بودند و تا ته سلول‌ها و استخوان‌هایشان داد می‌زد که شیعه‌ی رادیکال هستند و بسیار خرسند از قوانین ضدبشری حکومت اسلامی که او را آزاد می‌گذارد دست به قتل زنی زند که به او تن نداده است. ناصر را در نقطه‌ای پیاده می‌کنیم و هنوز یکی دو چهار راه نرفته، ناگهان با ضربه‌ای محکم از پشت روی صندلی بلند می‌شوم. ناخودآگاه پایم را روی ترمز فشار می‌دهم.

- جنده‌ی کثافت. پس بگو می‌رفتی دفتر مجله به اون مردیکه بدی.

در میان یکی از خیابان‌های فرعی موازی با خیابان اصلی رانندگی می‌کنم که ترافیک در آن بس سنگین‌تر است. در پشت و جلو و دست راست و چپ، ماشین‌ها تا دویست متر سپر به سپر پشت چراغ قرمز ایستاده‌اند. قبل از اینکه او به خود آید به سرعت در را باز می‌کنم. کیفم را بر می‌دارم. خارج می‌شوم و ده بدو... او می‌ماند و ماشین در وسط خیابان. چاره‌ای ندارد جز اینکه آن را از توی ترافیک بیرون بیاورد و این دست‌کم یک ساعت طول می‌کشد. چند چهار راه آن طرف‌تر به دفتر مجله زنگ می‌زنم. نویسنده آنجا نیست. به خانه‌اش تلفن می‌کنم.

- فهمیده است و حالا دارد می‌آید به دفتر مجله - بی‌خود (نویسنده هنوز ماجرا را نگرفته بود) - شما را اگر ببیند می‌کشد. نباید مدتی در مجله پیدایتان شود.

تلفن را سریع قطع می‌کنم.

سپس هراسان و وحشت‌زده به زهره زنگ می‌زنم و ماجرا را مختصر برایش باز می‌گویم و از او می‌خواهم که با حامد و بچه چند روز بیایند خانه‌ی ما. به او گفتم اگر تنها به خانه بروم صَفَر مرا می‌کشد. تا من به خانه برسم آن‌ها نیز خود را به خانه‌ی ما رسانده‌اند. صَفَر چند دقیقه بعد از ما می‌رسد. سراپا خشم است. خون چشم‌هایش را گرفته است. به‌محض اینکه می‌رسد به من حمله می‌کند. آن‌ها سعی می‌کنند جلوی او را بگیرند. نمی‌توانند. من کلامی نمی‌گویم. دشنام است که بار من می‌کند و ضربه پشت ضربه وارد می‌شود. قصد کرده است مرا بکشد. هیچ نمی‌فهمد چه می‌کند. روی زمین افتاده‌ام و او با خشونت تمام لگد می‌زند. من صورتم را با دست‌هایم می‌پوشانم و او عمادانه چهره‌ی مرا نشان گرفته است. می‌گذارم مرا تا می‌خواهد بزند. فقط از این راه است که خشمش تا حدی فروکش می‌شود تا اینکه ضربه‌ای



با کنجکاوی‌های جنسی کودک – نوجوانمان چه کنیم؟

الهام گرامی،
دکترای روان‌شناسی



«تولیدمثل» منعطف کنید. یعنی از لذت‌بخش بودن رابطه جنسی صرف‌نظر کرده و هدف را تولیدمثل قرار دهید (برای این کار می‌توانید از تولیدمثل گیاهان و جانوران برایش بگویید).

وقتی کودک یا نوجوان در مورد مسائل جنسی از والدین خود پرسشی دارد، والدین (ترجیحاً همجنس) باید بدون نگرانی و خجالت و با آرامش به گفته‌های کودک و نوجوان خود گوش کرده، نه آن را انکار کنند و نه به آن دامن زنند، بلکه پاسخی منطقی دهند.

گوش‌دادن فعال اولین و مهم‌ترین گام در تربیت درست جنسی است.

فراموش نکنید که در سن مناسب، تربیت و آموزش جنسی را به کودک و نوجوانمان انتقال دهیم. آموزش دیرنگام احتمال بروز مشکلات رفتاری و جنسی را در آن‌ها افزایش داده و در دوران نوجوانی مشکلاتی در ارتباطات و در آینده مشکلات زناشویی برایشان ایجاد خواهد کرد و اگر زودتر از موعد فرزندمان را در جریان این نوع مسائل قرار دهیم، زمینه بروز بلوغ زودرس جنسی او را فراهم کرده‌ایم. هر خانواده سیستم ارزشی خاص خود را دارد که می‌تواند مربوط به سبک زندگی، فرهنگ، مذهب یا هر چیز دیگری باشد. مهم است به یاد داشته باشید که بیش از حد سهل‌گیر و یا سخت‌گیرانه با این موضوع برخورد نکنید.

درباره نویسنده

الهام گرامی دکترای روان‌شناسی،
مشاور و مدرس مهارت‌های
زندگی در حوزه کودک، نوجوان و
خانواده است.

کودکان است و اغلب مربوط به جنسیت مرد یا زن بودن، عشق، بدن، کارهایی که می‌توان انجام داد یا نمی‌توان انجام داد و مدل پیدایش یک کودک است. والدین باید بدانند که این کنجکاوی‌ها در کودکان، بخصوص در سنین پایین‌تر به هیچ‌عنوان جنبه جنسی نداشته و خطری در این زمینه برایشان وجود ندارد و سوالات مکرر بچه‌ها در این زمینه را نباید به وجود تمایلات جنسی در آن‌ها نسبت داد. ایجاد حدودمرز و نظارت مستقیم و غیرمستقیم در مورد کنجکاوی جنسی کودکان بایستی وجود داشته باشد و اگر والدین ارتباط خوب و نزدیک و دوستانه‌ای با کودک خود داشته باشند، بهتر می‌توانند در رابطه با پاسخگویی در مورد کنجکاوی‌های جنسی آن‌ها عمل کنند.

تربیت جنسی به دو بخش تقسیم می‌شود: سلامت جنسی کودک، آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی، آموزش و پاسخ به سوالات و کنجکاوی آن‌ها و قسمتی به ایمنی و محافظت و مراقبت از خود. نکات زیر به والدین کمک می‌کند تا بتوانند آموزش جنسی مناسبی را به کودک - نوجوان خود ارائه دهند:

هنگامی که کودک درباره سؤال‌هایش از شما کمک خواست، دروغ و پنهان‌کاری را کنار بگذارید. این کار شما را نزد او بی‌اعتبار کرده و باعث می‌شود اعتمادش به شما خدشه‌دار شود.

ناراحتی و خجالت شما می‌تواند مانع گفت‌وگوی کودک با شما شود و اطلاعاتش را از جای نامعتبری جستجو خواهد کرد.

اگر سؤال‌هایش را با شما مطرح کرد، ابتدا با او گفت‌وگو کنید و با طرح پرسش متوجه میزان اطلاعات یا حدسیاتش در این زمینه شوید. سپس متناسب با سن و اطلاعاتش جواب سؤال‌هایش را بدهید. در صورتی که احساس کردید پاسخ‌ها متناسب با سنش نیست، زمان پاسخ‌گویی را به چند وقت دیگر منتقل کنید. مثلاً بگویید: «وقتی ۹ سالت شد جوابش رو می‌گویم.»

تا سنین راهنمایی (بلوغ)، همه آموزش‌ها را به

تربیت جنسی کودک که مفهومی کلی‌تر نسبت به آموزش جنسی دارد، قسمت مهمی از زندگی همه ماست و از حساس‌ترین و مهم‌ترین مسائلی است که رشد اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را نیز در بردارد. میل جنسی از طرفی پایه بیولوژیک دارد و از طرفی با احساس عشق و رشد اجتماعی مرتبط است.

تلویزیون، ماهواره و اینترنت نقش بسزایی در رشد و آموزش کودکان در زمینه کنجکاوی‌های جنسی دارند که بعضاً می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. تجهیز و آگاهی والدین و مربیان در مورد روش‌های صحیح تربیت جنسی کودک-نوجوان و راه‌های برخورد با این مسئله بسیار اساسی و مهم بوده و حتماً بایستی در نظر گرفته شود.

بنابراین این سؤال پیش می‌آید که آیا باید سوالات را از قبل بدانیم یا صبر کنیم خود کودکان و نوجوانان به سراغ ما بیایند و آن‌ها را مطرح کنند؟ بهتر است توضیح مفصل و با جزئیات از مسائل جنسی به آن‌ها بدهیم یا یک پاسخ ساده به یک سؤال ساده کفایت می‌کند؟

ما والدین عمدتاً از طرح سوالات و کنجکاوی‌های جنسی فرزندمان ناراحت، عصبانی و یا آشفته می‌شویم و تمایلی به پاسخگویی به آن‌ها نداریم. البته باید بدانیم که مشکل اغلب در ذهن خود ماست و به تابو بودن این موضوع از دیدگاه خودمان بر می‌گردد. ما عمدتاً آگاهی درستی از موضوع آموزش و تربیت جنسی نداریم و نمی‌دانیم چگونه کلمات را انتخاب کنیم، به عبارتی برخورد و آموزش درستی از طرف والدین ندیده‌ایم و آموزش جنسی را امری تقبیح شده فرض کرده و از پاسخگویی به فرزندمان فرار می‌کنیم.

آموزه‌های جنسی یک فرایند تدریجی و پیوسته از تربیت جنسی تا آموزش جنسی است. کودکان به طور متوسط از سه سالگی تربیت جنسی را آغاز می‌کنند. این فرایندی پیوسته است که چندین سال به طول می‌انجامد و تقریباً چیزی بیشتر از سکس و مسائل جنسی است.

تربیت جنسی، رشد روان‌شناختی مهمی در

گزارش

مقاله

آرینا



تهیه کننده:
شاه محمود جعفری (ترخانی)



» از آثار علی بابا اورنگ



علی بابا اورنگ استاد خوش نویسی: دوست دارم خطاط بمیرم

نقاشی خط می‌توان دور از محتوای شعر و یا متن به گونه مستقل از جنبه‌های زیبایی‌شناسانه و نمایشگاهی خط استفاده کرد و دغدغه و نگرانی‌های خود را به تصویر کشید. از آنجاکه در نقاشی خط موضوع رنگ مطرح می‌شود لذا این فرصت برای هنرمند به وجود می‌آید که با استفاده از هویت نمادین رنگ‌ها، وزن رنگ‌ها و معنای رنگ، آثار را آفرید که با آفرینش‌های هنری جهان همسویی کرده و ظرفیت بی‌پایان این هنر را نمایش داد.

لطف کنید بگویید که از چه زمانی و چرا به هنر خوش نویسی و نقاشی خط روی آوردید؟

هنر و فعالیت‌های هنری برخاسته از بسترهای اجتماعی است از همین رو در تاریخ وقت بینیم پویایی و بالندگی هنر و علم در سایه توجه زامداران فرهنگ‌دوست و فرهنگ‌پرور قابل بررسی است. باتوجه به یک دوره حاکمیت طالبان در گذشته و این که حاکمیت جدید طالبان بتوانند زمینه رشد و بالندگی فعالیت‌های هنری را فراهم کند دور از تصور است، طالبان دشمنی آشکارا با علم و هنر دارند و آشکارترین نمونه انفجار پیکره‌های بودا در بامیان است که این پیکره‌ها در دنیا نظیرشان نبود، دیدیم که لشکر جهل جنون و عصبیت‌های کور چگونه نابودشان کرد و برای همیشه دنیا را از داشتن این شکوه و افتخار هنری بی‌بهره و بی‌نصیب کرد. من چشم‌انداز بسیار تاریک فراروی هنرمندان و خلق کارهای هنری در آینده افغانستان می‌بینم و هیچ امیدی حتی به‌اندازه سر سوزن ندارم. از این رو ما برای

افغانستان (مزار شریف، میمنه، هرات، غزنی، بامیان، دایکندی و کابل) و جهان (ایران، تاجیکستان، تاجیکستان، پاکستان، بحرین، استرالیا، ترکیه و هلند) داشته‌ام. چاپ مجموعه‌ای از تابلوهای خودم را زیر نام «کلک خیال» در قالب کتاب نفیس و زیبا برای نخستین بار در افغانستان دارم.

و همچنین سال‌هاست آنچه را از هنر خوشنویسی آموخته‌ام در اختیار علاقه‌مندان قرار داده و در حد توان راهنمای‌شان در عبور از کوچه پرپیچ‌وخم نستعلیق بوده‌ام. عنوان هنرمند خط بودن را خوش دارم و تلاش دارم خطاط بمانم و دوست دارم حتی خطاط بمیرم.

از کودکی دلچسبی ویژه به کارهای هنری داشتم و از تماشای خط خوش سیر نمی‌شدم و در حد امکانات آن زمان علاقه‌مندی خود را دنبال نموده و تمرین خوشنویسی داشتم و از میان هم سن و سال‌هایم خط زیبا نیز داشتم و از این بابت همیشه نامم سر زبان‌ها بود. برای دوستان؛ خط سرمشق می‌نوشتم و نقاشی می‌کردم.

به نظر شما هنر خوش نویسی چگونه هنر است؟

هنر خوشنویسی هنر فرهیخته است، چون محمل کلام آسمانی و محمل آموزه‌های ادبی و عرفانی است. همچنان یکی از هنرهای شکوهمند و فاخری است که در دیار ما زاده شده و به بالندگی و کمال رسیده است. در نقاشی خط جغرافیای خط کلاستر می‌شود و هنر خط می‌تواند با مخاطبان بیشتر ارتباط برقرار کند، در قالب

علی بابا اورنگ نام آشنایی است که هنرمندان و خوشنویسان او را به نیکی یاد کرده و می‌شناسند. او بیشتر از سه دهه فعالیت هنری دارد. دهه‌ها نمایشگاه‌های خط را در داخل و خارج کشور برگزار کرده و در هنر خط و نقاشی خط دست بالا دارد. آثار او از ماندگارترین آثار هنر خوش‌نویسی در این دوره به شمار می‌رود. نقاشی خط از جمله دست‌آوردهای بی‌بدیل اوست. پیش‌از این در افغانستان کسی با «نقاشی خط» آشنایی نداشت. «اورنگ» نه تنها این سبک هنری را به دیگران عرضه داشت بلکه در پایداری و مانایی هنر خوش‌نویسی افغانستان نیز سهم برآورده داشته است.

فرصتی پیش آمد تا با این چهره‌ی ماندگار هنر، از نزدیک دیدار داشته باشیم و از او راجع به کارهایش پرسان نماییم. او نیز بی‌ریا به پرسش‌های ما جواب داد که اینک در زیر این گفت‌وگوی صمیمانه را می‌خوانید:

ابتدا می‌خواهم از خود شما شروع کنیم. اگر خود را برای خوانندگان هفته معرفت کنید ممنون می‌شویم.

علی بابا اورنگ هستم؛ اهل آبادی الودال جاغوری از توابع ولایت غزنی افغانستان. ۳۲ سال است که مصروف مشق و تمرین هنر زیبایی خوشنویسی هستم و از میان انواع خط، دلبرده‌ی خط زیبای نستعلیق هستم، نستعلیق یکی از زیباترین خط در میان خطوط اسلامی است و به‌عنوان عروس خطوط اسلامی از آن یاد می‌شود. در این سال‌ها نمایشگاه‌های زیادی در گوشه‌وکنار

بیان دردهای خود باید به هنر پناه ببریم و هنر خط و نقاشی می‌تواند بهترین مأمین باشد.

با آمدن طالبان چه احساس دارید؟ می‌دانید که طالبان با هنر نقاشی میانه‌ی خوبی ندارند.

احساس یأس، سرخوردگی و ناامیدی. طالبان توان درک و فهم هنر و آثار هنری و نقشی که آثار هنری در تبیین و تلطیف روح و روان یک جامعه می‌تواند داشته باشد را ندارند. از همین رو دشمنی آشکارا با علم، هنر و فرهنگ دارند، حکومت طالبان حکومتی نیست که بتوان به آن چشم امید داشت برای طالبان آثار هنری گذشته افغانستان که بخش مهم از آثار هنری جهان است و نه خلق آثار هنری نو و تازه مهم است اصلاً فلسفه حاکمیت طالبان بر تخریب زیر بناها، ایجاد ناامیدی، ترس و ارباب و وحشت استوار است. انتظار غیر از این موارد افسانه و خیالی بیش نیست، مگر این که معجزه صورت بگیرد که زمانه‌ی ما زمانه‌ی معجزه و کارهای خلاف عادت نیست.

کمی درباره‌ی نقاشی خط بگوئید. چطور شد به این هنر روی آوردید؟ سابقه‌ی این هنر تا کجاها می‌رسد؟

نقاشی خط از زیباترین قالب‌های هنری جهان اسلام است. در این قالب هنر خط جلوه‌گری دیگرگونه دارد؛ یعنی دور از انتخاب متن و محتوا، خودش به‌عنوان یک هنر جلوه‌گری می‌کند. باتوجه به پیشرفت‌ها در بخش‌های گوناگون زندگی بشری و باتوجه به دستگاه‌های نفیس چاپ و برنامه‌های مختلف کامپیوتری با نقاشی خط می‌توان به جنبه‌های زیبایی و گرافیکی خط توجه بیشتر کرد و با شناخت این جنبه از هنر خط به آفرینش آثار فخیم پرداخت. نقاشی خط تاریخ به بلندی پیدایش خط دارد و اما پرداختن به نقاشی خط و خلق آثار ناب و ماندگار در زمانه ما چنان گسترده و متنوع است که با هیچ زمان در گذشته قابل مقایسه نیست.

هنر به خصوص نقاشی و خط را چگونه یافتید؟ تعریف شما از آن‌ها چیست؟

هنر دلدادگی و دل‌بردگی، تمرکز و دقت، هنری است که هروقت به آن می‌پردازم مرا در بی‌زمانی می‌برد و متوجه گذشت زمان و اتفاقات خورد و ریز پیرامون خود نمی‌شوم. در زمانه‌ی پر آشوب و پرجنجال ما، داشتن چنین هنری بسیار مهم است. می‌شود حرف نگفته را به‌واسطه آن گفت، می‌توان به واسطه‌ی آن با هم‌نوعان خود درد دل کرد، می‌توان اوضاع و شرایط زمانه و مردم خود را به‌واسطه نقاشی خط به تصویر کشید.

چه جاذبه‌هایی در هنر خط و نقاشی وجود



علی بابا اورنگ: هنرمند مصروف پیدا کردن یک لقمه نان است نه خلق آثار هنری

دارد که انسان را جذب خود می‌کند؟

رنگ، طرح، ترکیب، اجراهای خلاقانه و به تصویر کشیدن دغدغه‌های زندگی در قالب نقاشی خط از جاذبه‌های نقاشی خط است. ایجاد طرح‌های متنوع و شکل‌های دلپذیر از ویژگی این شیوه از هنر خط است. انعطاف‌پذیری شکل و اجزاء برای بیان مفاهیم از خصوصیات دیگر نقاشی خط است. همراه نقاشی خط می‌توان گپ را به‌روز و تازه گفت و آنچه بیان آن در شیوه سنتی هنر خط ممکن نیست در این قالب از خط می‌توان به راحتی و بسیار زیبا به آن پرداخت.

یک هنرمند به‌ویژه هنرمند خط و نقاشی در کشور بلزده‌ی افغانستان با چه مشکلاتی روبه‌روست؟

متأسفانه مردم افغانستان سال‌هاست که جنگ خونین و خانمان‌سوزی را تجربه می‌کنند. نابسامانی‌های اجتماعی مجال پرداختن به کار هنری را از هنرمندان دیار، پاک گرفته است. هنر برخاسته از نیازهای متعالی انسانی است و انسان‌ها پس از تأمین نیازمندی‌های اولیه زندگی سراغ پدیده‌های زیبا می‌روند و مردم افغانستان با این مرحله از زندگی فاصله فراوان دارند. ما در افغانستان درگیر یافتن یک لقمه نان خشک هستیم. کار و درآمد و مواد و امکانات نیست و بازار برای ارائه کار هنری نیست و مهم‌تر از همه هنرمندان افغانستان از پدیده‌های نو هنری در جهان آگاهی ندارند و این همه مشکلات؛ کار را برای هنرمند و مردم افغانستان مشکل کرده است و تا شرایط چنین است و حمایت برای کار هنری وجود ندارد انتظار خلق آثار هنری را نباید داشت که غم نان در رأس تمام برنامه‌ریزی‌های زندگی قرار دارد.

سرنوشت هنر و هنرمند به کجا خواهد کشید؟

سرنوشت بیچارگی، بیکاری و تبدیل شدن یک هنرمند به

یک انسان معمولی با درآمد معمولی و زندگی معمولی، برای زنده ماندن باید به کارهای درآمدزا مصروف شود. آن هم در خوش‌بینانه‌ترین حالتش که اگر کار برای او پیدا شود، هنرمند برای اینکه خانواده‌اش را تأمین کند باید به کار بپردازد که در آمد حداقلی داشته باشد و در چنین یک شرایط مجال پرداختن به کار هنری نیست. پرداختن به کار هنری حاصل داشتن امنیت روحی و روانی است. وقتی در خانواده آدم گرسنه باشد امنیت شغلی نباشد و روان آدم آرام نباشد نمی‌شود کار هنری انجام داد.

چنانچه حضرت حافظ فرمود:

«کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد

یک نکته ازین معنی گفتیم و همین باشد»

رابطه هنر را با تحولات سیاسی-اجتماعی به‌ویژه جامعه چگونه می‌بینید؟

آثار هنری فرزند زمانه‌ی زیست هنرمند است. تحولات سیاسی اجتماعی تأثیر مستقیم بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری دارد. در طول تاریخ بشریت خلق آثار هنری مربوط به دوره‌هایی است که جوامع از امنیت و صلح و ثبات برخوردار بودند و توجه خاص و ویژه به هنرمندان و خلق آثار هنری شده است. نمونه‌ی بارز این شکوه و بالندگی، آثار هنری سرزمین ما در دوره‌ی تیموریان هرات باستان است. آثاری که در این دوره از تاریخ سرزمین ما خلق شده جزء مهم‌ترین آثار هنری در تاریخ بشریت به حساب می‌آید و بخش مهمی از مجموعه‌های شخصی و موزیم‌های جهان را تشکیل می‌دهد و هر کس با داشتن یک قطعه از آن آثار به خود می‌بالد و ارزش آن آثار در دنیای ما با هیچ بهایی قابل سنجش نیست.

آینده را چگونه می‌بینید و چگونه می‌خواهید؟

با آن که آدم خوش‌بین هستم و به آینده و اتفاقات آن امیدوار؛ ولی سوگوارانه باید یادآوری کنم که امید داشتن از حاکمیتی به نام طالبان و این که در سایه چنین حکومتی هنرمندانی ظهور کنند و آثار فاخر و ماندگار بیافرینند، محال و حتا دور از تصور است. در چنین وضعیت باید فاتحه‌ی هنر و آثار هنری را خواند و سوگوار آن باید بود.

اما با تمام این همه یأس و ناامیدی انتظارهای اتفاق‌های قشنگ، زیبا و خوب را برای افغانستان و مردم رنج‌کشیده‌اش دارم. ما سزاوار این همه نکبت و بدبختی نیستیم. ما سزاوار این همه توهین و تحقیر نیستیم. ما هم می‌توانیم زیبا ببندیم. زیبا عمل کنیم و در سایه هم‌دیگرپذیری دور از بالا و پایین بودن خلقت انسانی زندگی پر از مهربانی و لطف و صفا داشته به آرزوهای خوب خود برسیم و برای یکدیگر انجام نیک آرزو کنیم.

با ابراز امتنان از آقای علی بابا اورنگ

عبدالرشاد رحیمی، عضو سابق تیم ملی پهلوانی افغانستان: قهرمان شجاعانه و در سخت‌ترین شرایط فداکاری می‌کند



دیموکراتیک، چکوسلواکیا، هندوستان، جاپان، ایران و... که بیشتر جهت اجرای مسابقات و همچنان به حیث سرپرست تیم، ترینر و حکم مسابقات بود.

لطفاً از مسابقات تان بگوئید!

در مسابقات جوانان شرکت کردم و حائز مقام دوم شده و شامل تیم جوانان کمیته المپیک گردیدم. در اثر تمرینات متداوم توانستم در سال ۱۳۵۷ خورشیدی در مسابقات انتخاب تیم ملی پهلوانی کشور شرکت ورزیده و افتخار عضویت تیم ملی افغانستان را به دست آوردم و تا سال ۱۳۷۱ عضویت آن را داشتم.

با عضویت در تیم ملی پهلوانی کشور از دست‌آوردها و افتخارات تان صحبت کنید؟

شرکت نمودن در مسابقات ملی و بین‌المللی، جام‌های قهرمانی المپیایی آسیایی، مسابقات دوستانه و تمرینات، آماده‌گی‌ها برای مسابقات بیرون از کشور از جمله فعالیت‌هایم است. شرکت جستن در مسابقات «جام سرباز» که از طرف کلوب سپورتی اردو همیشه دایر می‌شد. خوشبختانه شش بار مقام اول را به دست آوردم. در سال ۱۳۶۶ خورشیدی موفق به دریافت نشان ماستر سپورت جمهوری افغانستان شدم.

اشتراک در کورس‌های ترینری بین‌المللی و به‌دست‌آوردن مدرک و سند بین‌المللی به آقای «سمرتیج» رئیس عمومی کمیته المپیک جهانی. بعد از کنار رفتن از مسابقات بر علاوه مسئولیت‌های

افغانستان شامل شده و به کارهای ورزشی خویش ادامه دادم. بعد از سپری نمودن خدمت سربازی سال ۱۳۶۲ خورشیدی از جانب ریاست تربیت‌بدنی وزارت معارف به حیث امر ورزشی مکاتب دختران و چندی بعد به صفت عضو فنی و مسلکی ریاست تربیت‌بدنی... مقرر شدم.

در سال ۱۳۶۴ خورشیدی نظر به خواست کمیته ملی المپیک کشور به حیث مدیر عمومی پشته‌خانه تیم‌های ملی بعداً به حیث سر ترینر عمومی پهلوانی، مدیر عمومی بورد مسلکی و مدیر عمومی تدویر مسابقات اجرای وظیفه نمودم. بر علاوه وظایفام افتخار معاون فنی فدراسیون پهلوانی و متعاقباً افتخار ریاست فدراسیون پهلوانی را به عهده داشتم.

به ورزش پهلوانی از چی زمانی شروع نمودید؟

در سال ۱۳۵۵ خورشیدی زمانی که در لیسه عالی حبیبیه درس می‌خواندم تحت‌نظر مرحوم شهید پهلوان «صدیق زرگر» که ایجادگر کلب ورزشی چهاردهی که اولین استاد بود، به ورزش پهلوانی شروع نمودم. بعد به کلب ورزشی معارف تحت‌نظر استادان داخلی و ترینر شوری به تمرینات‌ام ادامه دادم.

سفرهای ورزشی تان را به یاد دارید؟

۴۷ سفر ورزشی به کشورهای مختلف جهان داشتم. از جمله می‌توان اینها را نام برد؛ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سابق)، منگولیا، بلغاریا، آلمان

یاد، معرفی و قدردانی از نخبه‌گان و زحمت‌کشان جوامع انسانی وظیفه همه‌ی مردم بخصوص کسانی که در رسانه‌ها کارهای فرهنگی، علمی و اجتماعی را منعکس می‌نمایند است.

من همیشه علما، دانشمندان، ورزشکاران، هنرمندان و سایر زحمت‌کشان کشور عزیز ما افغانستان را که از گذشته‌ها تا امروز مصدر کارهای نیک و شایسته شده‌اند یاد و معرفی نموده‌ام. این بار شخصیت ورزشی وطنم را که نه‌تنها در رشته پهلوانی قهرمان بوده، بلکه خدمات شایانی را برای المپیک افغانستان انجام داده؛ معرفی می‌کنم. او از چند سال بدین سو در دیار غربت به سر می‌برد. زنده‌گی‌نامه‌ی خویش را چنین ابراز می‌نماید:

عبدالرشاد رحیمی، فرزند عبداله‌اشم رحیمی متولد سال ۱۳۲۸ خورشیدی استم. زادگاه محل چهاردهی شهر کابل است. دوره ابتدائیه را در مکتب تجربوی علاءالدین آغاز نمودم. جهت ادامه دوره متوسطه شامل لیسه عالی حبیبیه شدم. نظر به شوق و علاقه‌ی که به ورزش داشتم از صنف دهم، طور مسلکی به لیسه تربیت‌بدنی رفتم و بعد از ختم مکتب مذکور شامل انستیتوت تربیت‌بدنی گردیده در سال ۱۳۵۹ خورشیدی سند فراغت آن را به دست آوردم.

جناب رحیمی لطفاً بگوئید که در رشته‌ی مورد نظر تان کی شامل کار شدید؟

بعد از فراغت از انستیتوت تربیت‌بدنی ابتدا به خدمت مقدس عسکری رفتم. آنجا در کلب ورزشی اردوی

کاری کمیته المپیک به صفت ترین تیم ملی پهلوانی کشور اجرای وظیفه می‌کردم.

چه وقت و در کجا مهاجر شدید؟

در سال ۱۳۷۸ خورشیدی مطابق ۱۹۹۹ میلادی همراه با فامیلم کابل را به قصد پاکستان ترک کردیم. مدتی زیاد در پاکستان نماندیم. در اگست سال ۲۰۰۱ میلادی به ایالات متحده امریکا مهاجرت نمودیم. از آن موقع تاکنون در ایالت کالیفورنیای شمالی با خانواده‌ام زنده‌گی می‌کنم.

کدام مسابقه‌ی تان برایت پرهیجان، نشاط‌انگیز و سرنوشت‌ساز بود؟

مسابقات ما همه مملو از خاطرات خوب بود. من ورزشکاری بودم که به پیروزی مغرور و به باخت خویش مأیوس نمی‌شدم به‌خاطری که درک کرده بودم مسابقه بردو باخت دارد. مسابقه‌ی که مرا به مقام رسانید و سرنوشت ورزشی‌ام را تعیین کرد این بود؛ زمانی که متعلم لیسه تربیت‌بدنی بودم... ترینر ما که روسی ما در جستجو بود که در کجا مسابقه پهلوانی تدویر می‌گردد تا پهلوانان لیسه تربیت‌بدنی در آن شرکت و مسابقه بدهند.

اطلاع به دست آورد که مسابقات روزهای جمعه در کلوپ عسکری دایر می‌شود و روزهای دوشنبه در همان جا جوهره می‌شوند. از تمام کلب‌های آزاد و رسمی جمع می‌شدند. یکی از ترینرهای مکتب ما گفت: روز دوشنبه به کلوپ عسکری بروید من هم آنجا می‌آیم.

از تمام کلب‌های آزاد و ارگان‌های رسمی به کلوپ عسکری آمدند و منتظر جوهره شدن بودند، هر کلب پهلوانان قوی، نامدار و شناخته‌شده‌ی خود را بالای ترازوی وزن پهلوانان برای تعیین وزن بالا می‌کردند. ترینر ما برایم گفت بالای ترازو بالا شو. من انجام دادم. از اینکه من متعلم مکتب بودم بالای متعلمین مکتب آن‌قدر حساب نمی‌کردند... یکایک همه آمدند و وزن شدند. یکی از آن‌ها از کلب پهلوانی امیری که باتجربه و کهنه‌کار بود، ترینر گفت دست بتی یعنی جوهره شو. من دست دادم. رفیق‌هایم برایم گفتند که پهلوان قوی است چرا دست دادی و جوهره شدی؟

من گفتم آنچه ترینر گفت اجرا و از گپ‌اش سرکشی نکردم. خلاصه روز مسابقه رسید. همراهی من فقط برادرارم فریدجان که خورد بچه بود آمد. اما همراهی حریف یک موتر کلان پر از نفر، خویشاوندان و رفقای کلب‌شان با گل‌های گردن آمدند. ساعت ۳ بعدازظهر مسابقات شروع شد، جوهره چهارم مسابقه من با حریفام بود. باروچی (مورال) قوی وارد مسابقه

شدم... بعد از ۹ دقیقه با کسب ۸ مقابل صفر بر حریف غالب شدم.

باید گفت که؛ در مسابقه آن روز برای پهلوان‌های غالب مبلغ یک هزار افغانی بخششی داده می‌شد که من هم مبلغ مذکور را به دست آوردم.

از خاطرات جنگ و ویرانی کابل چی به یاد دارید؟

پنجشنبه ۶ ثور سال ۱۳۷۱ خورشیدی در ریاست المپیک بودم، همه از اوضاع مطلع بودیم، تایم رخصتی مأمورین طبق معمول روزهای پنجشنبه ساعت یک بعدازظهر بود، یک باند با سلاح‌های مختلف و موهای دراز به ریاست المپیک آمدند، همراهی ما چند نفر از کارمندان انات هم بودند، با یک صدای عجیب‌وغریب خطاب کردند که؛ هیچ‌کس چیزی را از المپیک به خانه برده نمی‌تواند. در ضمن با خان‌ها روش بسیار وحشیانه نموده برایشان گفتند؛ از این به بعد دیگر به وظیفه آمده نمی‌توانید. تمام مأمورین به موترهای مأمورین سوار و طرف خانه‌های‌شان روان شدند. بعضی از آن‌ها به مشکل تا خانه‌های خود رسیده بودند. ما چند نفر طرف دارالامان می‌آمدیم که در مسیر سرک سفارت شوروی موتر ما را مردان سلاح‌دار ایستاده کردند به درپور گفتند کلید موتر را در موتر بمان و همگی تان از موتر پائین شوید. همگی پائین شدید، موتر را گرفتند و با خود بردند.

بعد از سه روز جهت حاضری امضا و کارکردن به ریاست المپیک آمدیم؛ دیدم میز، چوکی، الماری، قالین، اجناس و لوازم ورزشی خلاصه هیچ چیزی آنجا نمانده بود همگی را به تاراج بردند. حتی کلکین‌ها و دروازه‌ها را کشیده و برده بودند. دوشک‌های پهلوانی را با بچه تکه‌تکه کرده بودند.

قصه‌ی جالب‌تر اینکه؛ یک همکار ما همراه بایسکل جدیدش به دفتر آمده بود یکی از قوماندان‌های آن گروه برایش گفت بایسکل‌تان را برای چند دقیقه کار دارم همکار ما انسانیت کرد برایش داد. دوباره قوماندان آمد همکار ما برایش گفت برادر بایسکل مرا بده. می‌دانید که برایش چی گفت؟ بایسکل‌ت را چند می‌خری؟

عوامل پیشرفت یک ورزشکار، چی چیزها بوده می‌تواند؟

جوهره یک ورزشکار اخلاق است، چنانچه گفته‌اند «عقل سلیم در بدن سالم است» ورزشکار نمونه‌ی اخلاق در بین جامعه است.

(۱) حاضر شدن روزمره ورزشکار به تمرینات طبق پروگرام استاد یا ترینر رشته‌ی مربوطه.

(۲) ورزشکار مانند سرباز همیشه برای مسابقه آماده

باشد و هدفش در ورزش در مسابقات افتخارآفرینی به خودش و در مسابقات بین‌المللی به کشورش باشد.

(۳) ورزشکار با غالب شدن مغرور و با مغلوب شدن مأیوس نگردد که باعث شکست همیشگی‌اش می‌شود.

نگاهی به ورزشکاران قدیم و جوانان امروز انداخته نظر خود را بیان کنید.

به شما بهتر معلوم است که ورزشکاران در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و ۸۰ و... در رسانه‌ها کمتر دیده می‌شدند یعنی مردم نخبه‌گان ورزش کشور خود را نمی‌شناختند. در سابق بهترین ورزشکاران و قهرمانان را در رشته‌های مختلف ورزشی داشتیم از جمله؛ پهلوانی، فوتبال، بسکتبال، والیبال، هندبال، وزنه‌برداری، زیبایی اندام، ژیمناستیک، بوکس، اتلیتیک خفیفه، آبیازی، تکواندو، پینگ پانگ، تینس، هاکی روی سبزه شمشیربازی، نیرزه‌بازی... و بزکشی (بازی مختص به کشور خود ما) را می‌توان نام برد.

ولی امروز جوانان زیادتر به ورزش داخل قفس علاقه دارند که در سابق ورزشکاران از چنین ورزش نفرت داشتند به خاطری جنگ و خشن بودن آن که سالم نبود.

من به حیث یک ورزشکار سابقه‌دار توجه‌ی مسئولین ورزش افغانستان را به ورزش‌های اصیل که در کشور ما مروج و شهرت داشت خواهانم. امیدوارم در رأس ورزش مردمان مسلکی، فنی، دلسوز، صادق به وطن و ورزش قرار بیگیرد تا ورزشکاران بتوانند دست‌آوردها و افتخارات خوبی در مسابقات بیرون مرزی به دست بیاورند. تأکید می‌کنم که در رأس هر رشته‌ی ورزشی اشخاص مسلکی و به‌خصوص یک دوره‌ی قهرمانی را گذرانده، باتجربه (پخته کار) جابه‌جا شود؛ تا رشته‌های که از آن‌ها نام‌برده شد از بین نروند و جایش را ورزش‌های جنگی بیگیرد.

گفتنی دیگر اگر دارید لطف نموده بگویید؟

به باور من قهرمان کسی ست که شجاعانه و در سخت‌ترین شرایط فداکاری کند. ورزش تمام جوانان را در سراسر جهان متحد می‌سازد. پیش‌کسوتان محترم ورزش، خصوصاً عزیزانی که در رشته‌های مختلف ورزش در تیم ملی بودند، ورزش عشق‌تان بود، آن را فراموش نکنید. تمام سرمایه انسان صحت است و این ورزش است که سلامتی ببار می‌آورد.

جناب رشاد رحیمی بابت وقتی که گذاشتید سپاسگزاریم.

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه

همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca



الهام گرامی

دکترای روانشناسی

از رشته روانشناسی



- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826

Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
طیای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

حسابداری و مالیات

XL-ON TAX SERVICES INC
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکتها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...



با مدیریت عباس شفیعی

لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل

(ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا
با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
Montreal, QC, H4B2Y9
email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion

ESTHETIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER



514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

سرگرمی

آرشیپی

خانواده



8			2					7
		6	5	7				9
7		2		4	9			1
6	2		4		1			
		9				1		
			9		2		7	5
	6		7	2		3		1
2	5			3	8	7		
1					5			4

▲ نرمال

8	4				2	1		
	3	2		8				7
6		9						
	2		3		1	7		
1	7						2	9
		6	5		7		1	
						8		1
3				1		4	7	
		1	8				9	3

▲ متوسط

			3		1	2		6
								9
				6				
	1			5	3	7		8
	2		7		8			6
8		3	6	9				5
				3				
4	6							
7		2	5		4			

▲ سخت

2					5			
		6			9		2	
				2			8	3
		5		4				6
8			3		6			7
7				9		8		
4	2			3				
	9		5			4		
		7						9

▲ خیلی سخت



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

ساندویچ گریل پنیر



«ساندویچ» نوعی غذای ساده و فوری است که بصورت سرد یا گرم می‌توان آن را سرو کرد. ساندویچ از سبزی‌ها، برش‌های گوشت، پنیر یا سایر مواد غذایی در لای دو برش نان، تهیه می‌شود.



طرز تهیه:

کره، سیر رنده شده، جعفری و ادویه را مخلوط کنید و دو طرف نان‌ها را به این مخلوط آغشته کنید. تابه‌ای را روی حرارت متوسط بگذارید تا داغ شود. سپس یک نان تست را درون تابه بگذارید تا دو طرف نان برشته شود. تقریباً برای برشته شدن هر طرف ۲ دقیقه زمان لازم است. تست اول را برداشته و تست دوم را در تابه بگذارید. وقتی یک سمت آن برشته شد، تست را برگردانید. حرارت را کم کنید و کمی پنیر روی نان بریزید. تست دیگر را روی آن قرار دهید و اجازه دهید ۵ تا ۶ دقیقه بر روی حرارت کم پنیرها ذوب شوند. تمام این مراحل را با باقی نان‌های تست انجام دهید. در آخر ساندویچ‌ها را از وسط برش زده و در ظرف سرو بچینید. نوش جان



مواد لازم:

۱. کره دمای محیط ۱۰۰ گرم
۲. جعفری تازه ۲ قاشق غذاخوری
۳. مخلوط پنیر موزارلا و چدار ۲۰۰ گرم
۴. سیر ۴ حبه
۵. نان تست ۸ برش
۶. نمک و فلفل سیاه به میزان لازم

توضیح: خانه‌های جدول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۳ تا ۹ مارس / ۱۲ تا ۱۸ اسفند

ترجمه:
خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته اهداف همه ذهن شما را به خود مشغول کرده‌اند، زیرا حضور چهار سیاره در بالای موقعیت شما بلند پروازی‌تان را بالا می‌برد! باید بدانید برخی از فرصت‌های شما عملاً به گذشته مربوط می‌شوند. اگر به دنبال شغلی هستید، باید به جاهایی که قبلاً کار کرده یا درخواست کار داده‌اید سر بزنید. این به دلیل عقب‌نشینی عطارد و ونوس در موقعیت شماسست. از طرف دیگر اتفاقات خوبی در انتظار شما هستند که به گذشته مربوط می‌شوند.



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

این هفته چهار سیاره عطارد، ونوس، مریخ پرشور و پلوتون در مقابل موقعیت شما قرار داشته و از میان آن‌ها عطارد و ونوس در حال عقب‌نشینی هستند. قطعاً تمرکز شما بر والدین، همسران و دوستان نزدیک است. علاوه بر آن دوستان قدیمی یا به دنیای شما برمی‌گردند یا تمام ذهن شما را به خود مشغول کرده‌اند. این فرصت خوبی است برای آنکه بتوانید به جزئیات پرداخته و موارد جدیدتری، خصوصاً درباره خود یاد بگیرید.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

در حال حاضر حتی اگر کار خاصی انجام ندهید، در نظر افراد مقام دار عالی به نظر می‌رسید. هر چیزی که در خواست کنید، دریافت می‌کنید. دیگران شما را تحسین می‌کنند. در عین حال به علت حضور سیارات می‌خواهید سفر کرده، بیاموزید و کارهایی انجام دهید که دنیای شما را توسعه دهند. ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه شوید که همه ما اکنون آن‌ها را تجربه می‌کنیم، اما بازم می‌توانید کاری انجام دهید که در زندگی‌تان تنوع ایجاد کند.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

این هفته خورشید همچنان به قدری از شما دور است که گویی همه سال از شما فاصله داشته. این بدان معناست که از انرژی کمی برخوردار هستید. البته حضور چهار سیاره دیگر شما را به سخت‌کوشی و تلاش وامی‌دارد و شما هم همه تلاش خود را به کار می‌گیرید؛ بنابراین نیاز به خواب بیشتر دارید! عقب‌نشینی دو سیاره امکان اتمام پروژه‌های انجام نشده را برایتان فراهم می‌کند. پس از آن آماده کارهای جدید هستید و همه چیز در جهت کارآمد بودن شماسست.



متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

می‌خواهید ایده‌های جدید را کشف کرده و با یادگیری مطالب جدید، جهان اطراف خود را گسترش دهید. به دلیل کنجکاوی همیشه این کارها را دوست داشته‌اید. طبیعتاً با محدودیت‌های موجود نمی‌توانید همه کاری انجام دهید، اما هنوز هم می‌توانید خود را سرگرم یادگیری کنید. در عین حال، این هفته فشرده و مملو از احساسات است! عملاً می‌توان گفت در این هفته به سادگی مسائل مربوط به اموال مشترک، مالیات و ارثیه را نهایی می‌کنید.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

این هفته شما هم همچون دیگران تمایل به سخت کار کردن و کارآمد بودن دارید. با این وجود حضور چهار سیاره هم شما را تشویق به تفریح کردن می‌کند! در صورت امکان به فعالیت‌های اجتماعی و ورزشی با بچه‌ها بپردازید. از هر فرصتی برای ابراز استعدادهای خلاق خود لذت می‌برید. ممکن است جرقه‌هایی از گذشته به زمان حال برگردند که شاید هیجان‌انگیز یا ترسناک باشند. فقط باید با صداقت و روراست با جریان پیش بروید.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آلتیه
مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



این هفته مریخ پرشور در موقعیت شما بوده و در شش هفته آینده همان جا خواهد ماند. این حالت انرژی شما را بالا می‌برد و باعث می‌شود بسیاری از کارها را به خوبی انجام دهید. از طرفی عطارد با عقب‌نشینی به موقعیت شما آمده و به پلوتون و ونوس می‌پیوندد. در این شرایط دید تازه‌ای اعتمادبه‌نفس شما را بالا برده و با انرژی که از مریخ می‌گیرید، می‌توانید از عهده همه چیز به خوبی برآیید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



زمان همچنان برای شما بسیار خاص است، زیرا خورشید در موقعیت شما بوده و تا مدتی همان جا باقی می‌ماند. این برای شما نعمتی است! خورشید انرژی، اعتمادبه‌نفس، تمرکز و امیدتان را بالا می‌برد. می‌توان گفت با این همه حس مثبت، سیارات در موقعیت شما پنهان هستند و همه چیز را موشکافانه و با تفکر بیشتر بررسی می‌کنند. در این میان ممکن است کسی بر علیه شما اقدام کند. به حس درونی خود اعتماد کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



در حال حاضر بسیار فعال هستید، زیرا افراد، دوستان و متخصصینی از گذشته مجدداً در گروه‌های دوستانه و یا کاری با شما در ارتباط هستند. به همین دلیل با جوان‌ترها و افراد هنرمند تماس بیشتری دارید. حتی ممکن است به رقابت با کسی بپردازید. برخی از شما بیشتر به فعالیت‌های ورزشی مشغول هستید. راه‌های مختلفی وجود دارد که این انرژی برای متولدین اسفند به کار گرفته شود. سعی کنید وقتی را هم به اهداف خود برای سال جدید اختصاص دهید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



زمان برای شما اکنون زمان قدرت است، زیرا خورشید در موقعیت یکی از برج‌های هواس و شما هم یکی از برج‌های هوا هستید؛ بنابراین از انرژی و فرصت‌های خوب برخوردارید. به همین دلیل می‌خواهید خود درونی‌تان را نشان دهید. شاد هستید و از فعالیت‌های اجتماعی و خلاقانه لذت می‌برید. اما به دلیل حضور یکی از اقوامی است که مدت‌ها او را ندیده‌اید، شرایط درهم‌وبرهمی هم در خانه وجود دارد. در این میان به تغییر دکوراسیون هم مشغول هستید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



در این زمان می‌خواهید به محیط خانه پناه برده و در آنجا آرامش داشته باشید. می‌خواهید در محیط امن خانه خود را جمع‌وجور کنید. علی‌رغم این شرایط حضور چهار سیاره شما را تشویق به تلاش و فعالیت در اجتماع می‌کند؛ به همین دلیل قرار ملاقات‌ها، سفرهای کوتاه و مکالمات با اقوام، خواهر و برادر و همسایه‌ها شما به خود مشغول می‌کنند. فراموش نکنید باید برای خود هم وقت بگذارید، زیرا اگر به نیازهای خود توجه نکنید، برای دیگران هم مفید نخواهید بود.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



این هفته زمان سریع می‌گذرد و بیشتر مشغول سفرهای کوتاه، قرار ملاقات‌ها، بحث و گفت‌وگو با اقوام و همسایه‌ها و کارهای دیگر هستید. می‌خواهید با دیگران صحبت کنید تا بتوانید ذهن آن‌ها را با ایده‌های خود روشن کنید. در این هفته چهار سیاره در خانه پول شما هستند و دو سیاره عقب‌نشینی خواهند داشت. به همین دلیل چک‌ها را با تأخیر دریافت می‌کنید. از طرف دیگر با تلاش درآمد خود را بیشتر کرده و بیزینس را به خوبی مدیریت می‌کنید.

نازک سلیمانپور
مشاور رسمی املاک مسکونی
در استان کبک

• همکاری با تیم حرفه‌ای جهت اخذ وام مسکن
• ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
• مشاوره رایگان برای خریداران

Nazak Soleimanpour
Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

438.872.7373
soleimanpournazak@royallepage.ca

Office: 8371 Ch. Côte-de-Liesse, QC
Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z9

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

FAMOUS ASTROLOGER, PSYCHIC, PALMIST AND FORTUNE TELLER
514 - 458 - 9599
فال گیری و کف‌بینی

PALM READING, FACE READING, HOROSCOPE MASTER: GURUNANDHA

ALL RELIGIONS WELCOME
If you have any problems, meet me once and get solutions permanent.

WALK-IN WELCOME
7 Days open
10am - 6pm

SOLUTIONS FOR:

- LOVE, MARRIAGE
- HUSBAND WIFE PROBLEMS
- DEPRESSION PROBLEMS
- ADOLESCENCE
- JOB, MONEY & ANY TYPE OF PERSONAL PROBLEMS

100% guarantee

The Master is an expert in removing of Black Magic, Evil Spirits, Witchcraft, Bhut, Negative Energy, Obeyah & gives 100% lifetime Protection.

PRIVATE & CONFIDENTIAL
I am Born to Serve People

4040 ST LAURENT BLVD, MONTREAL, QC H2W1Y8

شعر هفته

برای آنکه فارغ از عذاب ظلمت
تن شیم

برای آنکه فارغ از عذاب ظلمت تن شیم
«الا یا ایها الساقی ادرکاسا...» که روشن
شیم
اگر امروز با جامی دلم روشن نشد، بهتر
امیدی هست روشن تر از اینها بلکه بعداً
شیم!
به جرم خوردن یک جرعه می در اول
خلقت
چرا یک عمر درگیر عذاب توبه کردن شیم
لب ما تر نخواهد شد به می از بخت
ناموزون
اگر حتی فرو در خمره می تا به گردن شیم
«به می سجاده رنگین کن، گرت پیر مغان
گوید»
که ناچاریم اگر پیر مغان گوید، ملون شیم
اگر عنوان خوبی هم به ما دادند، شرمنده!
نی خواهیم با این قافیه، هرگز معنون شیم
«همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید
آخر»
چرا باید سر پیری، سوار خودروی ون
شیم!؟

منبع: (فیض بوک، ناصر فیض. تهران: شرکت
انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲)

همه چیز را تکذیب می کنم!

حکایت هفته

نه اینکه فکر کنید مثل سخنران های حرفه ای، همین طوری الکی و بدون پشتوانه حرف می زنم. اینکه می گویم همه چیز را تکذیب می کنم با حساب و متکی به آمار است و حتی پشتوانه علمی و پژوهشی دارد؛ درست مثل مصاحبه ها و اظهارنظرهای مسئولانه، که پر است از حرف های علمی و منطقی و دقیق و حتی پژوهشی.

شایع شده بود که هوا آلوده است، رفته به چند تا از مجتمع های ویلایی درست و حسابی سر زدم؛ حتی شکارگاه های اختصاصی عزیزان را مشاهده کردم، هوا نه تنها آلوده نبود، بلکه خیلی هم صفا داشت؛ یعنی هر نفسی که فرو می رفت ممد حیات بود و چون برمی آمد مفرح ذات!

گفته بودند که جوانان تحصیل کرده بیکارند، خودم شخصاً از تک تک مسئولان و حتی بستگان سببی و نسبی ایشان پرس و جو کردم، هم جوانان تحصیل کرده آن ها شغل های درست و حسابی داشتند و هم حتی پیران و تحصیل نکرده هایشان؛ چندان که می گفتند مشکل اصلی شان بی کاری نیست، بلکه تعدد مشاغل و مسئولیت هاست.

نوشته اند که بانک ها برای پرداخت وام ازدواج و وام مسکن، ادا و اطوارهای اداری درمی آورند و ضامن و گواهی کسر حقوق و سند مالکیت و سپرده و هفتاد من کپی و تعهد محضری می خواهند. برای پرداخت وام؟ نه خیر، برای آنکه شما را در نوبت متقاضیان وام قرار دهند. اما مگر من به همین راحتی تحت تأثیر این شایعات مغرضانه قرار می گیرم؟

با یکی از کسانی که در مقام وصل مقیم است به هر بانکی که رفتیم و هر مبلغی که گفتیم، غیر از بله قربان و به روی دیده منت و... نشنیدیم! تو بگو کسی از ضامن و وثیقه و سند و نوبت نداریم و دستورش نرسیده چیزی گفت؟ اصلاً و ابداً! ای کیف کردیم از این همه مهرورزی و جوانمردی! آی صفا داشت وقتی که اسناد و اریز وام کلان را در دست داشتیم و از شعبه بیرون می آمدیم، دیدن چهره کلافه همان شایعه سازان در پشت باجه ها که در حال جور کردن اسناد و ام های صنار و سی شاهی بودند؛ برای کارهای پیش پا افتاده ای مثل تعمیر مسکن و جراحی بیماران و ازدواج جوانان و خرید جهیزیه!

منبع: (لب خط قرمز، اسماعیل امینی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵. قسمتی از حکایت «همه چیز را تکذیب می کنم!»)

نکته هفته

تنها کسی که باید دگرگون شود خودتان هستید؛ خودتان که دگرگون شوید همه اوضاع و شرایط پیرامونتان نیز دگرگون می شود.

نقل قول هفته

نزار قبانی: ما رؤیا می بافیم و هیچکس نمی تواند رؤیا را در ما خاموش کند.

ضرب المثل هفته

پارسی: اگر پشیمونی شاخ داشت فلانی الان شاخش به آسمون رسیده بود.
آفریقایی: یک ساعت بامداد بهتر از دو ساعت شب است.

لطیفه های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ فوری: رئیس جمهور ایران، ابراهیم رئیسی، از نظامیان روس خواست جنگ را متوقف کرده و نهار بخورند!
- ☺ اگر می خواهید دنیا را تغییر دهید تا وقتی مجرد هستید این کار رو بکنید ... چون وقتی ازدواج کردید حتی کانال تلویزیون رو نمی تونید تغییر بدید؛ چه برسه به دنیا!
- ☺ اگر نیاز به کمک دارید، از کسی که مشغول درس خواندن است کمک بگیرید ... آدماسه فرار از درس حاضرن کوه جابه جا کنن!
- ☺ خبر فوری: طرح انتقال پایتخت تصویب شد ... به گزارش ایرنا، هیئت دولت طرح انتقال پایتخت به گرگان را تصویب کرد ... دکتر رئیسی فرمودند: چون گرگان به ناهار خوران نزدیکه پایتخت باید اونجا باشه!
- ☺ شهرداری کلی هزینه کرده رو دیوار نوشته سیگار آرام آرام شما را می کشد ... مردم هم زبرش نوشتن ما هم عجله ای نداریم!
- ☺ پدر ایرانی گوشیش آنتن نده؛ هی بلندتر میگه الو ... تا جایی که دیگه برای انتقال صدا احتیاج به گوشی نباشه!

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221

4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل‌های هنری
 برای آقایان
 514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه‌ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
STUDIO PHOTOBOOK
 (514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ما مرغوب‌ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرق‌ها، سبزی خشک و
 (514) 369-3474
 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montréal QC, H4A 1K1

ترجمه رسمی و دعوت‌نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکپور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

آموزش محاوره با استاد فرانسوی زبان

پیش‌نیاز: آشنایی پایه‌ای با زبان فرانسه

هدف: بهبود مهارت محاوره، بویژه برای محیط کاری.

با هزینه مناسب

514-739-8844

جای آگهی شما

استخدام

تکنیسین و داروساز در

داروخانه دکتر گل‌نسیم ریاحی

- داشتن سابقه کار در داروخانه

- دانستن زبان انگلیسی، فرانسه و فارسی

ارسال رزومه به:

info@riahipharma.com

استخدام پرستار

به یک خانم نیازمندیم تا شب‌ها در کنار مادر سالخورده ما بماند.

۵۱۴-۹۲۴-۵۰۵۵

Deal Properties

شبنم نبی‌پور

مشاور املاک

کمیسیونر و ارزیابی و امکان به صورت نقش و حضور
 خدمات ۲۴ ساعته برای خریداران تا پایان پروژه خرید
 اخذ وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

613-709-9070

OFFICE: 613-366-1713
 WWW.SHABBYNABIPOUR.COM
 E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour
 Sales Representative

MEHDI FALLAHI
 REALTOR

تمام مشتریان من
 تبدیل به دوستان
 صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
 نیز خدمت کنم.
 ۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

ROYAL LEPAGE
 MASTER SALES
 AWARD 2022

ROYAL LEPAGE
 Team Realty

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش
هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
 ۶۱۳-۵۹۴-۳۶۳۶
 508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
 ۶۱۳-۵۶۳-۱۲۰۷
 725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
 ۶۱۳-۸۹۷-۶۶۶۶
 355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
 ۶۱۳-۶۹۵-۲۲۲۱
 129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

محل جدید پخش هفته در اتاوا

افغان کباب اکسپرس
 ۶۱۳-۵۹۳-۸۸۸۰
 249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
 ■ www.hafteh.ca ■ info@hafteh.ca

www.ravamid.ca
info@ravamid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
 اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
 سرمایه گذاری و کار آفرینی
 خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
 اکسپرس انتری
 ویزای توریستی
 تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
 اسپانسرشیپ همسر والدین
 خدمات اسکان اولیه
 و...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
 Free Tell & fax:
 1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
 +1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
 +1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715




نیازمندی‌ها با حداقل هزینه نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس ۸۴۲-۵۶۰۸ HPadar	فریدون هرنیدیان ۹۳۳-۶۸۰۰ رسانه های گروهی	بیمه عمر و سرمایه گذاری ۹۹۳-۷۹۷۶ مریم طالبی	اتومبیل (فروش) ۹۹۰-۲۵۰۰ Auto Highlander www.autohighlander.com
مراکز مذهبی ۸۴۹-۰۷۵۳ انجمن بهایی	بازار ۸۴۸-۹۵۹۹ پوشه	علی پاکنژاد ۲۹۶-۹۰۷۱ عبدالله صفوی	۱۰۸۰ Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰ www.autocaspien.com
موسسه خویی ۳۴۱-۲۲۳۵ کلیسای ایرانی	هفته ۷۸۷-۸۸۴۸ پرنیان	مهدی امانی ۵۵۳-۰۹۷۸ پس انداز تحصیلی	اتومبیل (تعمیرگاه) اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱ 6000 saint jaque H4A 2E9
کلیسای فارسی-کشیش ۹۹۹-۵۱۶۸ مشاور املاک	پیوند ۹۹۶-۹۶۹۲ رستوران-پیتزا - کترینگ	مروارید معماریان ۷۷۸-۷۳۷۷ بیمه (خودرو و خانه و سفر)	شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲ آرایشگاه - زیبایی - اسپا
مهدی انصاری ۵۸۸-۰۶۰۹ آتوسا تنگستانی فر	فارسوس ۲۷۰-۸۴۳۷ بناب کباب	مشاور فارسی زبان بیمه Allstate مهرداد ملکچمشیدی	آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳ 3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com
۹۹۵-۳۰۴۱ مینو اسلامی	ترنج ۴۸۲-۴۰۳۵ ۹۰۷-۸۷۸۸	بیمه ویزیتوری و دانشجویی ۹۹۳-۷۹۷۶ م.م طالبی	سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷ رویا ۹۳۴-۳۳۷۴ فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰
۹۶۷-۵۷۳۳ نادر خاکسار	پوشاپ (هندی) ۷۳۷-۴۵۲۷ آریا	فریده شرفی ۷۱۵-۲۴۹۴ ترجمه و دعوتنامه رسمی	آزادانا ۷۳۱۸-۸۳۹ پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
۹۶۹-۲۴۹۲ شهره شهریان	کباب سرا ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹ 755 Ave. Atwater / 514-933-0933	رضا داودی ۶۹۱-۴۳۸۳ فیروزه مسیحا	۸۴۶-۰۲۲۱ ۹۸۹-۲۲۲۹ ۲۲۳-۶۴۰۸ ۸۳۶-۷۰۹۰ ۲۸۹-۹۰۱۱ ۸۴۴-۴۴۹۲
۲۹۰-۲۲۱۰ سحر صمدایی	ساخت و ساز Builders ۵۷۴-۵۷۴۳ علی خاقانی	شهریار بخشی ۶۲۴-۵۶۰۹ خاطره تحویل داری یکتا	پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱ ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲
۶۲۵-۲۵۲۵ فیروز همتیان	سی.دی. - ویدئو ۲۲۳-۳۳۳۶ تیش دیجیتال	سارا کیانی ۸۸۴-۱۰۱۶ چاپ و کپی	آراز الکتریک ۳۵۲-۶۸۸۳ آژانس های مسافرتی
۸۲۷-۶۳۶۴ آرزو کتمیری	فروش و موکت ۷۳۹-۴۸۸۸ قالی شویی و رفو	فتوکپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳ حسابداری	سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰ فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
۵۶۱-۳۵۶۱ کاظم پرتو تهرانی	عکاسی و فیلمبرداری ۹۸۴-۸۹۴۴ استودیو فتوبوک	اردشیر معین افشاری ۴۵۸-۷۵۹۹ حسین خردبین	مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳ سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹
۹۷۱-۷۴۰۷ آرش شکور	فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱ فروشگاه ها	حجت رستمی ۵۴۹-۱۳۳۴ سرور صدر	آموزش پروین عبائی - فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵ مدرسه فردوسی ۵۰۲-۴۳۷۸ مدرسه وست آیلند ۶۲۶-۵۵۲۰ مدرسه دهخدا ۲۵۸-۸۱۸۶
۷۳۰-۳۹۰۹ محمد اجزای	امانه ۴۸۸-۸۳۸۳ سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	مهدیه سلیمی ۷۷۷-۳۶۰۴ ۸۸۶-۷۴۷۱ حمل و نقل	آموزشگاه (راندگی) آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۴۶۴-۸۲۲۰ شاهین سجادی	المانه ۴۸۸-۸۳۸۳ سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	Loadex Transport ۲۳۴-۳۳۹۹ خدمات ویزای توریستی	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
بازرس ساختمان ۶۶۳-۷۲۱۵ علیرضا شریف زاده	عکاسی و فیلمبرداری ۹۸۴-۸۹۴۴ استودیو فتوبوک	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
محمودرضا اسکندری ۹۷۱-۱۳۵۹ مشاور خانواده	فتو شاپ ۸۴۶-۰۲۲۱ فروشگاه ها	خیاطی ۴۱۹-۱۰۳۹ Tailleur Bijan 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴ مشاور مهاجرت	امانه ۴۸۸-۸۳۸۳ سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
معصومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۴۴ علی مختاری	بازار ۴۸۶-۱۶۱۷ EXO Fruits	خیاطی ۴۱۹-۱۰۳۹ Tailleur Bijan 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۹۰۳-۴۷۲۶ سهبیل ملاحمدی	آجیل فروشی ۷۳۸-۱۳۸۴ A Plus Quality Nuts / 514-691-0002	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
گنجی www.GanjiCo.com نان و شیرینی	کتاب فروشی / کتابخانه ۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶ EvoWeb	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۸۳۶-۵۵۵۳ نان سنگک آذر	کتابخانه نیما ۴۸۵-۳۶۵۲ نوروززمین	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۶۳۴-۶۳۶۳ نوسازی و تعمیرات ساختمان	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
شرکت بن ۴۴۱-۴۲۹۵ شرکت آماج	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۹۴۲-۹۹۶۹ لوله کشی پتانسیل	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۴۶۳-۳۰۱۴ لوله کشی پارس	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۲۹۰-۲۹۵۹ بهنام	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۴۴۱-۴۲۹۵ وام مسکن	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
بهرز باباخانی ۶۰۶-۵۶۲۶ آتوسا تنگستانی فر	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۹۹۵-۳۰۴۱ شیرین تیموری	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۹۷۹-۹۸۰۹ مهرداد مرادخانی	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۸۳۴-۸۰۵۳ مهد کودک	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۶۹۹-۸۳۷۳ سیما (دولتی)	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۹۶۱-۸۷۴۶ کیل / مهاجرت	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۴۶	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۶۳۴-۷۲۸۱ راضیه رضوی	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۷۳۱-۱۴۴۳ شریف ناثینی	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸
۶۸۵-۶۲۲۲ علی شفیعی	طراحی و گرافیک ۷۸۷-۸۸۴۰ محضر رسمی	خدمات در ایران ۶۹۱-۴۳۸۳ دارالترجمه فرهنگ	آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانست فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸



Cover
NO.671

16. Histoire de couverture

Ce chercheur a transformé la vision de la lutte contre les agents pathogènes
Une entrevue avec le Dr Sepideh Pakpour, professeur à l'UBC :
Enlevez les rideaux et laissez entrer la lumière bleue

■ Pegah Sharifi

25 Immigration: M. Alimohammadi
La publication de la liste de tâches avec la notation simplifiée de LMIA

26 Communauté: Raha Samiepour
Entretien avec Sara Akrami, créatrice d'un clip pour les enfants victimes dans un avion ukrainien

36 Cinema: Aref Mohammadi
Au-delà des montagnes mystérieuses...
Nominé aux Oscars 2022

50 Economie: Armin Aryanpour
Comment l'invasion russe de l'Ukraine affecte-t-elle l'économie canadienne?

53 De nos lecteurs : Mohsen Farhadloo
Convoi de la liberté : La primauté de l'économie politique sur la liberté, au Canada et le manque d'indépendance du gouvernement



Publication: Journal Hefteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

03 mar 2022, numéro 671

Hefteh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
July 7th October 13th

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hefteh

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Zahra Salehi



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



PERMONT

Entrepreneurs généraux / General contractors Inc.

تیم مدیریتی با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01



آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک مسکونی، تجاری و صنعتی
- خرید و فروش بیزنس ها
- کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
- همراهی در کلیه امور مربوط به محضر

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

هلیا عارفنی دوست

(514) 996-1065

✉ helia@londonogroup.com

📱 helia_realtor_mtl

صرافی
بِیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

Sutton



ارزیابی رایگان

(514) 827-6364

fhematiyan@sutton.com

6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

فیروز همتیان

مشاور املاک مسکونی و تجاری

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام‌های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه‌گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بی‌زینس

گشایش یافت: دفتر امور املاک همتیان

جنب اخوان و تپش دیجیتال و صرافی رویال



Firouz Hemmatiyan

Courtier Immobilier Agréé

Certified Real Estate Broker



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible

روایهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری

دوره های آنلاین

- Dessin industriel
- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری، در محل، و آنلاین






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal 📍 De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید
- در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز

Mahdi Ansari

Courtier immobilier résidentiel
Residential Real estate Broker



🌐 www.mahdiansari.com

📷 medi.ans.mtlbroker

514-588-0609

CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021